

معاكم استقلال ندارند و بدون اینکه معاكم شوند
تغییر می کنند در صورتی که عدلیه مثل مجلس شورای
ملی قوه مهمی است و صرفاً قانون اساسی مقام
آنها را مصون کرده بنابراین چگونه بده که یک نفر
وکیل هستم اجازه بدهم آنهم يك اجازه غیرمحدودی
در حدود يك مبلغی که عایدش را ندانم زیرا فلسفه
که برای کسر کردن از بودجه خرج ذکر می کنید
اینست که عایدی ما کم است. ما مدعی هستیم زیاد
است و اگر افران نگفته باشیم عایدیمان مضاعف
یا بلکه نصف بیشتر است آنوقت ما بطوررای بدیم
از این تشکیلات کم شود و بالفرض هم که عایدی ما
معین باشد باز ما از آن اشخاصی هستیم که مادام که
قانون استخدام در این مملکت برقرار نشده و مادام
که محکم برای رسیدگی بکارهای عموم حتی وزراء
که در این کشور فعال مایشاه و حاکم مایرید هستند
تشکیل نشود و مادام که اخلاق جامعه اینطور است.
هرگز ابتدا بخود اجازه ندیم (شاید رفقای منم
با من موافق باشند) که يك وزیر اختیار بدیم که
با فلان مبلغ برو بودجه تشکیل کن البته شاید قدری
خارج از انراکت باشد که عرض کنم اشخاص از روی
لیاقت و استحقاق انتخاب نمی شوند چنانچه مکرر فریاد
زده ام امتیاز قضای در این مملکت وجود ندارد.
وقتی که امتیاز قضای وجود نداشت و بجای مراتب
عالی و امتیاز قضای توصیه و قرابت شخصی
حکفرما شد بنده نمی توانم بطور مطلق اختیار
به یکس بدیم که برو بیل و اراده خود ادارات
را زیر و رو کن زیرا این ادارات ناقص
که با هزاران زحمت در ظرف این مدت تشکیل شده
طوری ازم خواهد پاشید و زیر و رو خواهد شد که
در آتیه خواهیم دید چه مضرتی برای مملکت پیش
خواهد آمد اگر چه عرایض بنده باز مفصل شد ولی
این جمله را باید یادآوری کنم در اینجا مکرر گفته
شده است این اولین دفعه ای است که بودجه بمجلس
آمده است در صورتی که مجلس اول قابل همه قسم
تجسین و تجدید است زیرا که بودجه را اصلاح کرد
و مجلس دوم به آن رأی داد و اینکه امروز بمجلس
آمده برخلاف بودجه است و يك چیز اختراعی است
ما با این چیز اختراعی مخالفیم و می گوئیم مملکت
باید برگردد با اصول قانون اساسی و در خانه فرض
می کنم تا قانون استخدام و قانون معاكم وزراء
معین نشود به یك نفر وزیر نمی شود اختیارات که برو
اجزاء بدیست ادارات را زیر و رو و اراده شخصی بگذار
هر کس خواستی بعد از بیست و پنج سال خدمت برادر
و هر کس را که میل نداری بیرون کن و هر کس را
خواستی بیاد و رئیس کن این اختیار را برای حفظ
حقوق موکلین خود بنده بدیم ؟ بعلاوه مکرر عرض
کرده و حال هم تکرار می کنم بدیست مملکتی که محکم
برای معاكم وزراء ندارد بنا بر این چون این دو
قانون را نداریم و این موادم برخلاف قانون اساسی
است بنده مخالفم و آن را بپورترا رد می کنم. این
پیشنهاد داده می شود و باید وزراء بروند جزء جمع
خودشان را بیاورند تا بدانیم که از برای چه اداره چه
مبلغ رأی می دهیم و عایدی خودشان را ببینیم تا

آنوقت رأی بدیم و لوا اینکه يك هفته دیگر هم طول
بکشد.
رئیس - اگر بخواهد بطور اختصار حرف بزند
دو جلسه سه جلسه دیگر هم ممکن است حرف بزنند
لکن موادی در اینجا ارائه شد يك ترتیب هم بموجب
ماده نود و چهار ارائه شد که بموجب آن ممکن بود
هر قدر بخواهد مذاکره کنید ولی مقبول واقع نشد
برای اینکه گفته نشود بنده جلونطق آقایان را میگیرم
عرض می کنم اگر ماده شصت و سه را اجرامی کنیم برای این
است که این دو ترتیبی که پیدا شده بود نیستند
این بود که ماده شصت و سه را در نظر گرفتیم حالا
اگر آقایانی که در آن اطاق نشسته اند و مذاکره
می کنند راه حلی پیدا کردند که از آنرا بتوان
مذاکرات مفصلی نمود ولی مطابق نظامنامه باشد البته
هیچکس مخالفت ندارد و بنده هم که ناظر مذاکرات
هستم اول شخصی خواهم بود که آن ترتیب را قبول
خواهم کرد.

سلیمان میرزا - البته همانطور که فرمودید

آقای رئیس بنگانه شخصی هستند که ناظر صحبت
و کلام هستند و بدون مراعات از هیچکس بر طبق نظامنامه
رفتار می فرمایند و از هر کس و هر چه ملاحظه ندارند
و بنگانه شخصی هستند که وظیفه خود را مطابق نظامنامه
داخلی در نظر دارند و از ایشان تشکر می کنیم (جمعی
گفتند صحیح است) حتی بنده ملتفت شدم که از حدود
ماده شصت و سه تجاوز کردم و همانطور که میفرمایند
رفقا هنوز مشغولند شاید بنگانه پیدا کنند و آقای رئیس
بدون مراعات و ملاحظه اشخاص همیشه حافظ و ناظر
نظامنامه داخلی بوده و هستند.

(گفتند صحیح است)

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - متأسفانه تصور می کنم
مواد نظامنامه هم بر علیه مخالفین کار میکند برای اینکه
ممکار محترم من شاهزاده سلیمان میرزا وقتی تصدیق
بماده شصت و سه می فرمایند که درست موقع مذاکره
موافقت است و چون ما هم همیشه مراعات نظامنامه
را بر خودمان لازم و معتبر می داریم با رعایت و حفظ
نظامنامه سعی می کنیم که در حدود اختصاص صحبت کنیم
ولی این نکته را هم متذکر می شوم که البته حضرت
والا تصدیق می فرمایند که اگر ما عرایض عرض کنیم
فقط از نقطه نظر رعایت فرمایشات آقایان مخالفین و
برای احترام اقلیت است والا اگر از ما حق کلام
گرفته شود حق رأی گرفته نمی شود. حضرت والا
مراعات قانون اساسی را متذکر شدند همانطور که
فرمودند عموم و کلام مقید بقانون اساسی هستند و اینکه
اصل نود و شش قانون اساسی را مطرح فرمودند گمان
می کنم همه رفقای من با ایشان موافق هستند که باید
بیشتر از این سعی کرد که مراعات قانون اساسی بعمل
بیاید بنده و همه رفقای بنده با ایشان موافقت داریم که
در این مملکت بواسطه نبودن قوانین و آشنا نشدن

جامعه بحد قانون و علی الاصول عادت نکردن افراد
بر عایت قانون متأسفانه با فترت طولانی که دست بدیم
داده نکات مهمه از نظر مع و فراموش شده است
ولکن بعد از این تصدیق يك سوآلی از ایشان می
کنم که آیا دعوت بانجام يك وظیفه مانع از انجام
يك وظیفه دیگری است ما همه موافقیم که بایستی تمام
قوانین ناقص را تکمیل کرد باید قانون استخدام
را نوشت.

بایستی قانون معاكم وزراء را تدوین کرد
و بالاخره باید سعی کرد و نگذاشت قوه مجریه در
قوه قضاییه دخالت کند و قوه مجریه از حدود خودش
تجاوز نکند و بالاخره باید روزی برسد که جلومختار
بودن و سلطه فوق العاده وزراء را در تغییر و تبدیل
اعضاء و اجزاء وزارتخانه ها گرفت و لکن این مسئله
مانع از این نیست که امروز که کمیسیون بودجه بر
حسب ماده واحده و رأی مجلس يك لایحه بودجه تهیه
کرده و آورده ما بواسطه خود عمل کنیم و آن را
تصدیق نمائیم.

آقای طباطبائی در ضمن نطق خودشان فرمودند
من هر کجا مراجعه کردم بدیم بودجه یعنی جمع و خرج
مملکت است.

در راپورت کمیسیون گفته شده است جمعی که
اینجا نوشته ایم جمع قطعی نیست پس بموجب خود
این راپورت و بموجب شواهدی که در دست هست این
بودجه نیست این تحقیقات ایشان خیلی ناقص و خیلی
بطور ساده است البته هر مبتدی کتاب لغت را باز کرده
قسمت بودجه را نگاه کند همین فرمایش ایشان را
می بیند ولی اگر قدری در اطراف این مسئله غور شود
دیده میشود که بودجه شامل دخل هست شامل خرج
هست و بودجه خرج همانطور که آقای وزیر مالیه
توضیح دادند همیشه مطابق قانون سنه ما قبل يك
جمعی را مأخذ قرار می دهند هلی الخ خصوص که مقیر
کمیسیون و آقای وزیر مالیه گفتند این جمع مأخذ
نیست یعنی ما نمی خواهیم رأی بدیم که جمع و عایدی
این مملکت نوزده میلیون است ولی مأخذ جمع و
خرج که ما امروز در نظر گرفته ایم هست

در تمام سال قبل است مأخذ گرفته در صدر بودجه می
نویسند و مخارج را با او مطابق کرده جمع و خرج می
کنند و غالباً ممکن است آن ارقام صحیح نباشد یعنی
در مملکت ما متأسفانه عدم صحت آن رقم بواسطه
این است که آنچه را از مردم گرفته اند بیشتر از آن
بوده است که اسامی مالیه صورت داده اند اختلاف رقم
همه جا برای اینست که مالیات کم و کسر میشود
بعضی عایدات زیاده می شود و بعضی کمتر

حالا باید دانست این لایحه بودجه که از طرف
کمیسیون بمجلس تقدیم شده و این راپورت در تحت
تأثیر چه بوده است این مسئله بدیهی است و همه آقایان
میدانند که اگر ما ترتیب غیرهائی متوسل شده ایم و
اگر مجلس شورایملی ماده واحده را تصویب کرد
و کمیسیون بودجه اجازه داد که با دولت در تعیین

بودجه شرکت کند فقط برای این بوده است که
تأخیر تهیه بودجه را بحال مملکت مضر بدانسته اند
کمیسیون بودجه هم بعد از غور در مسئله با موافقت
دولت بعد از تأیید از اینکه بواسطه هزاران بدبختی
و چیزهای اسف آفر و مصائب فوق العاده که بآن دچاریم
دید که وزارت مالیه امروز قادر نیست يك فهرست و
صورت صحیحی بیاورد و بگوید این صورت جزء
صحیح و قطعی است و وقتی که دولت نتواند چنین
صورت صحیحی را معین کند بنده که وکیل
کرمانشاه یا آقای حاج شیخ اسدالله که وکیل محلات
و یا بالاخره آقای شیخ الاسلام که وکیل اصفهان
هستند ممکن است بگوئیم این مبلغی که اینجا نوشته
شده صحیح نیست. اما صحیحش کدامست کی می
تواند بگوید بنده میتوانم بگویم. آقای شیخ
الاسلامی تواند بگوید. خیر ؟ آقای وزیر مالیه
باید بروند و از روی فرصت و دقت آن رقم قطعی
را پیدا کنند. این مسئله را ما امروز غور کردیم
و دیدیم باین زودی ممکن نیست وزارت مالیه اینصورت
را بفرویت تهیه و تقدیم مجلس کند و فرضاً هم اگر
صورتی هم بیاورد آنصورت غلط است. زیرا يك
هفته که سهل است يكماه دیگر هم وقت صرف کنند
ممکن نیست بتوانند يك رقم صحیحی از عایدات
مملکت بیاورند حالا در مقابل این نا توانی و بدبختی
چه باید کرد ؟ باید رشته مصیبه را باز مثل ادوار
سابق طولانی کرد ؟ یعنی باید چهار دیواری هم برای
خرج قائل شد ؟ و نباید از حالا شروع کنیم باین
که کم کم خرج را کسر کنیم حضرت والا می
فرمایند نمیخواهند این اختیار را بوزراء بدهند بنده
هم با شما موافقت میکنم بشرط اینکه راه حلی برای
آن پیدا کنیم فرضاً ما هم با شما موافقت کردیم
و آقایان هم رفتند صورت جزء جمع خود را تهیه
سکرده و بآن ترتیبی که مقید گردید بمجلس بیاورند
آنوقت بگفته بنگانه دو ماه میگذرد و چنین صورتی
را نمیتوانند تهیه کنند و اینکه در ماده سوم پیشنهاد
خود مرقوم فرموده اند که اگر تا اول حوت دولت
بودجه های جزء را بمجلس نیاورند و بیک چیزی به
هیچوجه نباید بکیرند مگر بتصویب مجلس
شورای ملی. از خودتان میبرسم آیا این ترتیب
عملی است یا خیر ؟ بطور عملی نیست برای اینکه
اگر رفتند يك ارقام قطعی را پیدا کردند و آوردند
و گفتند اینصورت جزء جمع است عین حرفهای امروز
تکرار میشود هیئت دولت و کمیسیون بودجه هم نخواسته
اند يك ارقام قطعی بنویسند و بیاورند آنوقت اگر
این بودجه امروز تصویب نشود اول حوت همه مکار
ها میفرماید و تمام دوائر تعطیل میشود. همین
مدارس که ما از برای حقوق معلمان آنها با حضرت
والا شاهزاده سلیمان میرزا هم صدا هستیم و بدوات
فشار میآوریم آنوقت بچشم قانون تعطیل میشود.
پس برای اینکه در آتیه این اتفاقات نیفتد عایدی
سال گذشته را مأخذ قرار دادیم و مطابق آنهم يك
مخارجی را بطور اعتبار تصویب میکنیم و بنده

حاضر هستم در خارج در ده نقطه و ده کتاب اصول.
بودجه و مالیه را بصورت والا نشان بدیم که بودجه
اعتباری خودش عنوان دارد. ما هم يك بودجه
اعتباری مطابق قانون نوشته ایم. البته وقتی هم صورت
جمع و خرج را آوردند که ما در آن رأی بدیم
کازی میکنیم که موافقت حاصل کرده و سعی می
کنیم که صورت عایدات هم مطابق رقم صحیح بدست
بیاید. بنا بر این تصور میکنم انجام باره وظایف
مانع از این نشود که ما وظیفه دیگری را انجام
دهیم. این ازام وظایف ما است. یعنی جلوگیری
از تقریب مالیه. بعلاوه دیگر حضرت والا و بنده
و سایر رفقا هر روز در تحت فشار دولت نیستیم که
متصل با بگویند پول نیست از کجا بیاوریم و کجا
برویم پول پیدا کنیم. وقتی ما این بودجه را تصویب
کردیم و این وظیفه را انجام دادیم لااقل از این حیث
راحت می شویم. این نکته را هم عرض میکنم و عرض می
شود. البته خود حضرت والا هم خوب می دانند امروز
مطرح نظر دشمنان اصل يك حیاتی ما یعنی آتیه ای
که مخالف با استقلال این مملکت هستند این است
که بودجه این مملکت هیچوقت تعدیل نشود. این
بهاه را بدست آنها ندهیم. بیاید با آنها نشان بدیم
که مجلس دوره چهارم در بدو تشکیل خود بودجه
مملکتی را تعدیل کرد.

(گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - متأسفانه يك ماده ۶۳ اینجا پیدا شد
و دست و پای ما را بست و البته بایستی مطابق همان
ماده هم رفتار کرد.

رئیس - موجود بود تازه پیدا نشده...

تدین - بلی صحیح است. بنده عرایض را از
آخر شروع می کنم و بر میگردم بآل. حضرت والا
فرمودند که تأخیر بودجه موجب خوشحالی دشمنان ایران
میشود البته بنده هم تصدیق می کنم دشمنان ایران
مایند بودجه مملکت ایران هیچوقت صورت تعدیل
و اصلاحی بخودش نگیرد البته ما هم مخالف این
مسئله نیستیم و نمی گوئیم بودجه تعدیل نشود. رفته
رفته می بینیم مثل همان مذاکرات که در ماده واحده
پیدا شد در راپورت کمیسیون هم نزدیک است پیدا
شود در آنجا ما بطرز اجرا مخالف بودیم و در خارج
می گفتند ما مخالف اصلاح هستیم.

الان هم می گوئیم ما مخالف اصلاح بودجه نیستیم
بلکه برعکس کاملاً علاقمند هستیم که هر چه زودتر
بودجه مملکتی تعدیل و اصلاح شود. فقط حرف ما این
است این راهی را که کمیسیون بودجه پیش گرفته
است عالی نیست. اختلاف در طریق است نه مقصود
دیگر آنکه حضرت والا در ماده سوم پیشنهاد ما ایراد
کردند و فرمودند آنجا نوشته است در صورتی که
بودجه های جدید تا اول حوت بمجلس تقدیم نشده
باشد دولت حق هیچگونه مخارج بدون اطلاع و تصویب
مجلس نخواهد داشت.

متأسفانه در ماده دوم راپورت کمیسیون هم نظیر
همین است و آن اشکالی که با فرمودید بخودتان
هم وارد است.

نصرت الدوله - خیر چنین نیست

تدین - همینطور است حالا میخوانم. در اینجا
می نویسند: (وزارت مالیه مامور است که از اول
دلو هذه السنه تا پانزدهم حوت هذه السنه تفاقوی تیل
۱۳۰۰ شمسی مصارف مملکتی را در حدود اعتبارات
منظوره در ضمیمه این قانون تاویه نمایند پس از انقضای
مدت معینه هریک از وزارتخانه ها که بودجه خود را
پیشنهاد بمجلس شورایملی ننموده باشند) تا پیشنهاد
بودجه جزء خود حوت در یافت هیچ نوع وجهی را نخواهند
داشت (فرض میکنیم که در ظرف این مدت ۴۵
روز بودجه را که شما می خواهید یا آنرا که ما می
خواهیم نیاورند آنوقت چه خواهیم کرد ؟ دیگر
اینکه می فرمایند بودجه اقسام مختلف دارد بودجه
خرج و بودجه جمع و در نتیجه مذاکرات
تصدیق کردند که این يك بودجه اعتباری
است.

البته تصدیق میفرمائید که بودجه اعتباری غیر از
بودجه مملکتی است که در اسنه و اقواء شایع است.
حالا فرقی که هست این است که ما میگوئیم این لایحه
اعتباری است شما میگوئید بودجه اعتباری است و
هیچ فرق نمیکند حالا ما میگوئیم در این چهل و پنج
روز که شما برای وزارتخانه ها وقت معین کرده اید که
بودجه جزء خود را بفرستند مگر سواى صورت
خرج است.

در این موضوع هم ما با شما همراهی میکنیم
ولی چهل و پنج روز برای چه لازم است. متلاوزارت
داخله باید صورت جزء خرجش را بیاورد که چند
اداره و دائره و چند نفر عضو داد و حقوق اجراء
آن چیست در این قسمت هم ما با شما مباحثات و
موافقت میکنیم باز در نتیجه تغییری حاصل نمی شود
ما میگوئیم که شما چهل و پنج روز برای اینکار مدت
معین میکنید و فقط صورت خرج را می خواهید نه
صورت جمع را پس خوب است از حالا شروع بکنید
بنده تصور میکنم هیچ وزارتخانه نباشد که صورت
خرجش را نداشته باشد

البته هر وزارتخانه صورت تشکیلات آن مرتب
و معلوم است که چقدر اداره و دائره دارد و حقوقشان
چقدر است چند منشی چند ضابط چند ثبات دارد و
البته آقایان وزراء خوب تشخیص میدهند که این
ادارات موجوده کدامش زیاد است یا کدامش کسر
دارد از برای این قسمت چهل و پنج روز برای چه
لازم است.

در صورتیکه يك بودجه را که بنده اطلاع دارم
بودجه تشکیلات معارف و مدارس است خود آقای
وزیر معارف هم تشریف دارند و تصور می کنم
تصدیق بفرمایند که ممکن است همان بودجه معارف
را در ظرف يك هفته بکمیسیون بودجه بفرستند و
کمیسیون بودجه در آن دقت کند و آنرا تعدیل کرده

يك مرتبه بمجلس بياورند و مجلس تصويب كند ما حالا صرف نظر كرديم از اينكه بوجه جزم جمع را بياورند در اينصورت گوياء ديگر اشكال نداشته باشد كه محتاج باشيم چهل و پنج روز خودمان را معطل كنيم و اختيار با آقا يان وزراء بدهيم كه بروند در اين مدت بوجه جزم خرج نهي كنند زمينه اش حاضرات و در يك هفته ممكن است حاضر شود بملاه اصولا اعتباراتي كه اينجا قائل شده اند نميدانم صورت مقاطعه است .

يكصورت چكي است . (به عيشه تدبير اينطور شد) يك اشكال ديگر پيدا ميشود كه اگر امروز بيش بيني كنيم پس از چهل و پنج روز دچار آن اشكال ميشويم و آن اينست كه من اعتباراتي كه بوزارتخانه ها داده شده است و تشكيلاتي را كه ميخواهند بسند آيا در نظر دارند كه ادارات و وژرسي وزارتخانه هارا منعكس الشكل بكنند يا خير مثل امروزه رئيس فلان اداره يا فلان وزارتخانه در ماه ديست و پشاه تومان يازادتر حقوق بگيرد و رئيس فلان اداره صد تومان اين يك مسئله است كه در تعديل بوجه بايد رعايت شود بجهت اينكه هيچ دليل ندارد كه رئيس يك اداره از اداره ديگر حقوقش كمتر باشد .

البته اگر كارش زيادتر باشد بايد يك ملاحظه بشود بفر حال تا كنون اين عيب در بوجه خرج مملكت ما موجود بوده و باین جهت هر وزارتخانه كه حقوق رسوا و مديرانش زيادتر است بيشتر محل تهاجم است بلكه اين رعايت در باز عدليه تصور ميكند بچه چره نسبت بساير ادارات و وزارتخانه ها نشده و چون نميخواهم داخل اين موضوعات شوم بايد در موارد خودش عرض خواهم كرد .

ملاحظه مي فرمايد رئيس بدايت يا استئناف يا فلان اداره يا رسواي ساير ادارات خيلي متفاوت است و بچه چره تناسب حقوقي ندارد پس بايد اين موضوع هم قبل از بوجه بيش بيني شود و بالاخره براي اينكه از حدود نظامنامه خارج نشده باشم خيلي مختصراً عرض ميكند كه بنده هم با رايورت كميسيون مخالفم .

سردار معظم مخبر كميسيون — بنده خيلي خوشوقتكم كه همكاران محترم من كه بارايورت كميسيون بوجه مخالفند يك قدم بطرف مقصود برداشتند و در حقيقت با برداشتن اين قدم كار مارا سهلتر كردند و آن اينست كه مطابق بياني كه آقاي تدوين فرمودند خودشان معترف شدند كه بايد از تعيين عايدات قطعي و گنجانندن آن عايدات در بوجه صرف نظر كنند .

چون خودشان ميدانند در يك مملكتي كه انتظامات اداري ناقص است هر كس مدعي شود در ظرف دو هفته ممكن است عايدات مملكت را بطور قطع معين كرد و مدارك قطعي بوجه قرار داد دور از عمل است باینراين يك قسمت از اشكالات ما مرتفع شد . پس در باب عايدات ديگر حرف نخواهم زد مخصوصاً شرح مفصلي هم در اينجا آقا يان بيان كردند و معين شد عايدات سه گانه گذشته از نقطه نظر تصويب قطعي عايدات نبوده بلكه از نظر تعيين مأخذ تقريبي بوده كه آنهم از نقطه نظر اقل عايدات بوده است

اگر يك اختلاف ديگر را مرتفع كنيم كه ديگر اختلافي باقي نباشد . آقاي تدوين عقيده دارند و هيئتطور آقاي سليمان ميرزا بطور غير مستقيم اشاره فرمودند كه ممكن است در ظرف يك هفته بوجه جزم جمع وزارتخانه ها را به مجلس آورد و نبايد بطور اقل در شش بوجه ها را تصويب كرداگر بنده بايشان ثابت كنم كه در يك هفته دو هفته و سه هفته و چهار هفته هم نميتوان اينكار را كرد قهرآباد اميدوار شويم كه آقاي تدوين و رفقايشان هم با ما موافقت خواهند كرد اولاً تقديم بوجه از طرف دولت يعني بوجه خرج باین زودي ممكن نيست بملاه و وقتي اين چهل و پنج روز را تقسيم كنيم بجلسات كميسيون هيچده جلسه مي شود و اين هيچده جلسه كه از سه ساعت بظهير مانده ظاهر منقذ ميشود ممكن نيست در اين مدت بوجه نطمي جزم وزارتخانه ها را تصويب كرد و بمجلس آورد كه در مجلس هم تصويب شود و بآنها اعتبار قانوني داد .

بنا بر اين موافق اشاره كردم موضوع روزي هفت هزار تومان شده است اگر امروز اين رايورت را تصويب نكنيم آيا مي دانيد در ظرف اين چهل و پنج روزه چقدر از خزانه اين مملكت خارج ميشود تقريباً سيصد و يازده هزار تومان ميشود همان سيصد و يازده هزار توماني كه دولت ما و شما براي ديست هزار تومانش اين در و آن در ميزند و كسي بناو فرض نمي دهد .

در يك همچو مملكتي گمان ميكند مجلس شورای ملي حق نداشته باشد بچرفه اي اتواهي و براي تفنن منتظر شود بوجه جزم بايد در ضمن سيصد و يازده هزار تومان باین مملكت ضرر بخورد .

بنده گمان ميكند مجلس شورای ملي نتواند اين كار را بكنند باینراين بهترين شقي كه مجلس شورای ملي ميتواند اتخاذ كند و داخل در عمل شود معين طريقي است كه كميسيون بوجه اتخاذ كرده است و آن اينست كه مأخذ عايدات تقريبي كه غلط هم هست (تكرار ميكند) و آن عايدات را اقل عايدات ممكن است تصور كرد در نظر بگيرند و بوزراء بطور اقل در شش اعتبار بدهند براي اينكه وزراء بدانند خارج از آن حدود حق خرج كردن را ندارند كه بآلتبچه پنج كرور صرفه جويي در مجلس چهارم شده باشد .

در مرحله دوم بوزراء مأموريت داده شده كه در حدود اعتبارات تصويب شده بروند بوجه هاي خودشان را تهيه نموده بمجلس بياورند و آنوقت ما پس از مطئن شدن از اول خرجي و تفریط با هفكري آقاي تدوين و آقا يان همكاران مخالف خودمان مي نشينيم و داخل در بوجه هاي جزم خرج مي شويم و هيچ مانعي نيست كه مارا الزام كند باینكه در تعيين اقلام جزم بوجه هاي خرج دقت كاملي كه در خور يك همچو كار مهمي است بعمل نيايد .

باینراين بنده كه مخبر كميسيون بوجه هستم چون معتقد بودم ۶۳ نظامنامه هستم زياده بر اين عرض نمي كنم هيچقدر از مجلس شورای ملي تقاضا مي كنم يك قدم ملي كه همه عتلاي ايران به پسنند و در تمام دنيا هم

به پسنند يك چنين قدم جدي براي تعديل بوجه مملكت از طرف مجلس برداشته شده بردارد و يازده براين قائل بتأخير نشود .

رئيس — عده براي مذاكرات كافي نيست **سردار معظم** — آقا يان رفقايش ما كه در خارج مشغول مذاكره هستند خيال ندارند تشريف بياورند ؟

رئيس — هيچ معلوم مي شود پس جلسه را ختم مي كنيم . **محمد هاشم ميرزا** — بالطبع ختم هست . ماندن ما نتيجه ندارد .

رئيس — بلى جلسه را ختم مي كنيم ولي قبل از ختم بايد عرض كنم كه ديگر باین مجلس نخواهم آمد مجلسي كه باین ترتيب اداره شود و ده دوازده نفر بخواهند ببل خودشان حقوق مملكت را معوق بگذارند من در آن مجلس حاضر نمي شوم و معين حالا استعفاي خود را خدمت آقا يان تقديم ميدارم كه براي خودتان يكتفر ديگر را انتخاب كنيد .

(آقاي رئيس حرکت فرموده خارج شدند) **سردار معظم** — آقا يان تيريك عرض ميكند مجلس دوره چهارم هم تعطيل شد (مجلس تقريباً چهار ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئيس مجلس شورای ملي — مؤتمن الملك **صورت مشروح مجلس يوم يكشنبه يست و چهارم جدي ۱۳۰۰ مطابق شانزدهم جمادی الاولی ۱۳۴۰** مجلس مقارن غروب در تحت رياست آقاي مؤتمن الملك تشكيل گردید

رئيس — نظر بنيادي كه در شب از طرف چند نفر از آقا يان در اينجا داده شده بنده مجبور شدم پاره اظهارات بكنم اين عرايش بنده مبتني بر خود پسندي و خود خواهي نبود زمره بنده شأن خودم را در شأن مجلس دانسته و اگر چنين داشته باشم اين را از پرتو حيثيت مجلس ميدانم و چون مجلس شورای ملي مركز ثقل اين مملكت و مطرح نظر تمام علاقه مندان باین آب و خاك است از طرف جمعيت صحيح است و بواسطه آنكه امروز همه نوع حوادث از اطراف متوجه اين مملكت است عقيده بقدر اين است كه مجلس بايد با كمال متانت فشنول كار باشد و از جوييات صرف نظر كند و بساطه كه براي وقايع و حفظ حقوق مملكت نسبت بلكيات هم بايد غرض عين نمايد اين بود كه بنده بر خلاف اراده خودم مجبور شدم آن اظهارات را بنمايم نظرم اين بود كه اگر مجلس شورای ملي عوض متانت و رعايت ترتيباتي كه عرض كردم آن مطالبه باشد حضور بنده نشستن در اين صندلي نيز بلا اثر و نتيجه خواهد بود ولي چون جمعي از آقا يان كه از طرف ديگران هم وكالت داشتند امروز صبح باینده مذاكراتي كردند

سردار معظم — از طرف عموم نمايندگان وكالت داشتند **رئيس** — باین نظر و باطمینان اينكه در

آتيه اين قبيل حوادث و حر كات تكرار نخواهد شد بنده حاضر شدم كداني السابق خدمت گذاري مجلس شورای ملي را قبول كنم و اميدوار هستم آقا يان نمايندگان هم بهمان اطمینانات و اظهاراتي كه در مجلس خصوصي كردند باقي بماند (از طرف نمايندگان صحيح است)

آقاي ميرزا ابراهيم خان ملك آرائي — صورت مجلس يوم شنبه يست و سوم جدي را فراغت نمودند

رئيس — از آقا يان كسي نسبت بصورت مجلس اعتراض دارد ؟ (گفته شد خير)

رئيس — صورت مجلس تصويب شد دستور امروز بقیه مذاكرات در رايورت كميسيون بوجه بود ولي اخيراً به بنده اطلاع رسيد كه پيشنهاده جديدي از طرف دولت نسبت به بوجه معارف رسيد و يك شبهه نسبت برايورت كميسيون بوجه در شرف تهيه است باین لحاظ امروز نميتوان مطرح شود و رايورت كميسيون بوجه براي جلسه روز سه شنبه خواهد ماند بالفعل و چیزی كه موجود است و ممكن است جزء دستور گذارده شود قانون شورای هالي معارف است اگر مخالفی نباشد جزم دستور واقع شود مخالفی نيست ؟ (گفته شد خير)

رئيس — مذاكرات در كليات قانون است نسبت به كليات كسي اجازه نميخواهد ؟ **محمد هاشم ميرزا** — چون قبل از دستور نبود و غالب آقا يان اطلاع پيدا نكرده اند كه اني مي كنم برخلاف بعضي چيزها كه سابق خوانده ميشد بياستي خوانده شود .

رئيس — مذاكرات در كليات است و وقتي داخل در مواد شديم قرائت مي شود و اگر نسخه آنرا نداريم بشما خواهند داد در كليات كسي اجازه نمي خواهد ؟

(اظهاري شد) **رئيس** — پس رأي مي گيريم داخل در شور و مواد بشويم يا نه آقا ياني كه داخل شدن در شور و مواد را تصويب مي كنند قيام فرمايند (اغلب نمايندگان قيام كردند)

رئيس — تصويب شده ماده اول قرائت مي شود . (آقاي ميرزا ابراهيم خان ملك آرائي بمضمون ذيل قرائت نمودند)

ماده اول — براي توسعه دوائر علوم و اشاعه معارف و فنون و رفع نقايص تحصيلات علمي و فني شورای عالي معارف تشكيل مي گردد و شعب آن در مراكز ايالات و ولايات موافق قانون مخصوص و اير خواهد گردید .

رئيس — نسبت به ماده اول ابراراي

هست ؟ **آقاي حاج شيخ اسد الله** (اجازه نطق) **حاج شيخ اسد الله** — در اين قانون نوشته شده شعب شورای عالي معارف در ايالات و ولايات تأسيس مي شود اما مطابق قانون مخصوص يعني چه آيا مطابق ترتيب معين قانون كه نوشته شده است تأسيس مي شود و انتخابات و اختيار نشان هيئتطور است كه اينجا نوشته شده يا اينكه غير براي ايالات و ولايات قانون ديگري مي خواهند وضع كنند خوب است آقاي مخبر توضيح بفرمايند

تدوين مخبر كميسيون معارف — اگر بوظايفي كه براي شورای عالي معارف در اين لايحه معين شده مراجعه بفرمايند تصديق خواهند فرمود كه شورای عالي معارف وظايف مخصوصي دارد مثلاً بكي از وظايف شورای عالي تهيه پر گرام هاي مدرسي است نسبت بشما ايران و البته نيشه اين حق را به ايالات و ولايات تقسيم كرد . و مي گوييم هر نقطه ذي حق خواهد بود

پروگرام مخصوص از براي مدارس خود تهيه نمايد . **يكی ديگر از وظايفي كه در اينجا قيد شده** تبين كني است كه براي كلاس ها نوشته شده و تطبيق آنها با پروگرام رسمي وزارت معارف و هم چنين ساير وظايف كه اگر آقا يان مراجعه فرمايند عرايش بنده را تصديق خواهند كرد باین ملاحظه چون وظايف شورا هاي ايالاتي و ولايتي با شورای مركزي فرق پيدا ميكند در نظر گرفته شد كراجح به آنها لايحه مخصوصي از طرف وزارت معارف پيشهاد شود و البته در آنجا وظايف مخصوصي براي شورای معارف ايالات و ولايات تعيين مي شود و چنين است طرز انتخابات آنها مثلاً در مركز تعيين شده است كه انتخابات با وزير معارف است ممكن است براي اعضاء شورای معارف ولايات اين قيد نباشد و در تحت نظر رئيس معارف محلي باشد يا اينكه بطور انتخابي با ترتيبات ديگر باشد

هالي حال چون از حيث وظايف با هم اختلاف دارند تصميم گرفته شد كه لايحه مخصوص راجع بشوراي معارف ايالات و ولايات تانياً از طرف وزير معارف بمجلس پيشنهاده شود و براي اينكه ممكن بود اين مسئله تعويق بيفتد با علاقه مندي كه كميسيون بامور معارف داشت لازم دانست در اين قانون شورای عالي معارف ذكری از شورا هاي ايالاتي و ولايتي بشود تا بعد همانطوري كه وزير معارف وعده داده اند قانون مخصوصي تقديم دارند .

رئيس — ديگر اعتراضی نيست **حاج شيخ اسد الله** — اگر بنده تصور مي كنم مخبر اين توضيحات را مي دهند در كليات مخالف مي شدم شورای عالي معارف بايد تشكيل شود در ايالات و ولايات نيز شبهه داشته باشد شورای عالي معارف مركزي يك وظايف خصوصي دارد و يك وظايف

عمومي كه ممكن است شورا هاي معارف ايالات و ولايات هم داراي آن اختيارات باشد از قبيل توسعه و تكميل وسايل تحصيلات ابتدائي و اجباري و تأسيس مدارس فلاحتي و صنعتي و غير اينها ممكن است شورای عالي معارف هم در مركز اين اختيارات را داشته باشد و هم در ايالات و ولايات باینراين ممكن بود در ذيل معين قانون كه نوشته مي شود آن اختيارات را تفكيك كنند و وظايف شورای عالي معارف ايالات و ولايات و طرز انتخابات آنها را هم تعيين كنند و در تحت يك موادي بمجلس بياورند كه ديگر محتاج نباشيم براي شورای عالي معارف ايالات و ولايات مثلاً در قانون به مجلس شورای ملي بياوريم و در ضمن معين يك قانون ممكن بود اختيارات و وظايف شورای معارف ايالات و ولايات معين شده و از براي هرايك ولايت مجبور نشويم يك قانون مخصوصي تهيه كنيم .

بنده اينطور صلاح نميدانم و بايد تمام در تحت يك قانون باشد منتهي اختيارات آنها تفكيك شود و براي هر کدام يك قانون مخصوصي ايجاد نشود

مخبر كميسيون معارف — در معين قسمت در كميسيون با آقاي وزير معارف مذاكره شد و ايشان اظهار كردند لايحه مخصوصي در اين باب تهيه كنيم و به مجلس پيشنهاده نمائيم چون لايحه مخصوصي تهيه نكرده بودند و با كميسيون هم موافقت ننمودند كميسيون هم تصويب كرد كه آن لايحه را بعد تهيه كنند و بمجلس بياورند منافات هم ندارد وقتي آوردند و تصويب شد ممكن است جزء معين قانون و متمم معين قانون محسوب شود فقط تمدد در ورقه خواهد بود اين چندان اشكالي ندارد .

رئيس — آقاي سليمان ميرزا مخالفيد **سليمان ميرزا** — خير موافقم **رئيس** — ديگر مخالف نيست **سردار معظم** — بنده توضيحي ميخواهم **رئيس** — بفرمايد

سردار معظم — بنده اساساً هم با لايحه وزير موافق هستم و هم با رايورت كميسيون به لايحه وزير زيادتر عقيده دارم و عقيده ندارم كه حتماً بگوييم شورای هالي معارف در تمام ولايات تأسيس شود بنده عقيده ام اينست كه ابتداء در مركز تأسيس شده و بعد باختيار شورای هالي معارف گذاشت كه اگر مقتضي بدانند از ولايات هم شعبه تأسيس كند ولي اين مقصود بنده را قسمت اخير اين ماده تأييد نميكند زيرا كه ميگويد (ولسب آن در مراکز ايالات و ولايات موافق قانون مخصوص دائر خواهد گردید) قسمت اول اين عبارت دائر شدن آنرا حتمي ميكند در صورتيكه مو كول كردن بقانون مخصوص آن مقصود را از بين ميرد در هر حال ممكن است عبارت را اصلاح بفرمايند

رئيس — پيشنهادهي بكنيد تا بكميسيون فرستاده شود آقاي سيد يعقوب مخالفيد

آقاي سيد يعقوب — بنده با فرمايش آقاي

حاج شیخ اسدالله مغالیم اگر بجواب آقای مخبر قانع نشدند مریض خود را عرض خواهم کرد
رئیس - با رایورت کمیسیون موافقت
آقای سید یعقوب - بله
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله - آقای سردار معظم عقیده ندارند که در ایالات و ولایات شعب شورای عالی معارف تأسیس شود شاید هم حال نتواند توسعه پیدا کند ولی قانون از برای مصلحت نوشته میشود باید تمام ایالات و ولایات و مرکز و اینک سال در نظر بگیرند و ایالات و ولایات و مرکز قوانین جداگانه نباید داشته باشند یک قانون که نوشته میشود باید نسبت به تمام مملکت توسعه داشته باشد مثلاً اگر در ضمن عمل مقتضی ندانند ممکن است در ایالات و ولایات شعب تشکیل ندهند آن یک نظریه عملی است ولی قانون از نقطه نظر قانون گذاری باید کلی بوده و برای تمام مملکت نوشته شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)
سلیمان میرزا - بنده تعجب میکنم که صحبت ها قسم غربی میشود مثلاً گفته میشود که شعب شورای عالی معارف در ایالات و ولایات باز همان حتی را داشته باشند که شورای عالی مرکزی دارد ...

حاج شیخ اسدالله - کسی اینطور نگفته .
سلیمان میرزا - مثلاً ما اینطور که آقای مخبر فرمودند وزیر باید در مرکز رئیس شورای عالی معارف باشد چه طور ممکن است این حق را بشمار ایالات و ولایات داد اگر این حق را بطور عمده بشمار ایالات و ولایات بدهیم آنوقت باید در هر یک از شورا های معارف ایالات و ولایات یک وزیر علوم و وزیر باشد اینکه نمی شود یا فرض بفرمائید مدیر کل وزارت معارف که باید در شورای عالی مرکزی عضو باشد باید در تمام شوراهای معارف ایالات و ولایات باشد یا سایر ترتیبات دیگر از قبیل تطبیق کتب یا اصول پروگرام که اگر شوراهای معارف ولایات پیشنهادی داشته باشند باید بر مرکز بیاید زیرا چنانچه ملاحظه می - فرمائید اصول پروگرام در مرکز مرتب تر از ایالات و ولایات است بنابراین اگر نظریه اتخاذ می شود باید با اطلاع مرکز باشد

بنده با یک قیمت نطق آقای حاج شیخ اسدالله موافق البته قانون برای کتب مملکت باید وضع شود ولی اینکه می گویند چه لازم است قانون شورای عالی معارف چند ورق داشته باشد این مانع از این نیست که قانون شورای عالی معارف تصویب شود زیرا ماده واحده راجع به مجلس میگذرد فرضاً یک ماده واحده هم وزیر معارف راجع به شورای عالی معارف ولایات پیشنهاد کند این مانع از تصدیق شورایی معارف نخواهد شد به علاوه اگر وزیر هم پیشنهاد بکند مطابق نظامنامه داخلی هر کدام از ما ممکن است چهارده نفر را با خود همراه کنیم و ۱۵ نفری یک طرح قانونی پیشنهاد کنیم در هر حال بنده امروز را یکی از بهترین

روزها می دانم زیرا در معارف صحبت میکنم و همان طور که در کلیات مخالفتی نبود باید سعی کنیم که امروز شود اول این قانون بدون مخالفت از مجلس بگذرد انشاء الله پنج روز دیگر شور دومش هم تمام شود و رسمیت پیدا کند تا از برای پروگرام و کتب و دروس یک ترتیبی داده شود و یک مرکز از برای معارف در مملکت پیدا شود بعد از آنکه این مرکز پیدا شود کار خود را اداره کرد آنوقت آقای وزیر هم پیشنهادهای دیگری خواهند کرد یا اینکه خود ما چون هر ۱۵ نفر حق پیشنهاد کردن را داریم ممکن است پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله را امضاء کنیم و پس از تصویب به این قانون ضمیمه شود بهارت اخیری اینطور که در ضمن مذاکره رایورت کمیسیون بودجه مذاکره شد همه ما باید یک معارف پروری باشیم حالا موقع است آن نمک را عملاً بیاوریم و زودتر این قانون را تصویب کنیم اشکالی هم ندارد پول هم لازم ندارد و انشاء الله شورای عالی معارف بزودی برقرار شود شاید یک سروصورتی بمعارف این مملکت داده شود یکی از اصولی که اسباب موافقت بنده است این است که شاید مدارس ابتدایی دو بطرف مجانی و اجباری می رود چون بنده این اصل را اصولی میدانم که اگر یک قدم بطرف آن برداریم آن ساعت حقاً معنی واقعی انتظامات و استقلال و هر چه را قرض بفرمائید دارا هستیم و یک قدمی است که برای معارف و تحصیل اجباری برداشته ایم پس سعی کنیم زودتر شورای عالی معارف تشکیل شود شاید ما را یک قدم به تحصیل اجباری که ترتیب واقعی روحی الهی است نزدیک کند زیرا امپراتوری از برای این مسکنت وقتی پیدا می شود که تحصیل اجباری در مملکت پیدا شود و هافین ما از مدارس اجباری و مجانی بیرون بیایند آنوقت ما هم استقلال هم انتظام و همه چیز را بطور کامل داریم و سعادت ما را هم هیچ سبلی از میان نخواهد برد

رئیس - مجلس مذاکرات را در ماده اول کافی میدانند یا خیر
رئیس - (اغلب گفتند کافی است)
رئیس - ماده دوم قرائت می شود
(مضمون ذیل قرائت شد)
ماده دوم - هیئت شورای عالی معارف از نه نفر عضو رسمی شرح ذیل تشکیل میشود دو نفر از رؤسای مدارس عالی و متوسطه دو نفر از معلمان درجه اول مدارس عالی و متوسطه و نه نفر از علماء و دانشمندان مملکت

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفند
محمد هاشم میرزا - توضیحی میخواهم
رئیس - بفرمائید
محمد هاشم میرزا - اینجا می نویسد ه

نفر از علماء و دانشمندان عضو شورای عالی معارف خواهد بود آیا مقصود از دانشمندان همان ترجمه علماء است یا اینکه علماء غیر از دانشمندان می باشند و مقصود این است که علماء و دانشمندان با هم تفاوت دارند این را توضیح بفرمائید

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - گمان میکنم وقتی یک مسئله صحبت میشود منجر به سوء تفاهم می شود با شرایط معینه یک اشخاصی منتخب بشورای عالی معارف می شوند عالم و دانشمند هم یک لفظی است مطلق علماء روحانی عالم و دانشمند هستند

مخبر - علماء و دانشمندان دو کلمه مترادف میباشد علماء عربی و دانشمندان فارسی است
رئیس - آقای سید یعقوب مخالفند
آقای سید یعقوب - بلی چون بنده در کمیسیون معارف بودم و در سر این مسئله مذاکرات کردیم و ده روز طول کشید ما میگفتیم این علماء و دانشمندان دو کلمه مترادف نیستند بخصوص علماء کسانی هستند که بمعارف اسلامی و دیانت اسلامی خدمت کرده اند و باید در دارالشورای عالی معارف مدخلیت و عضویت داشته باشند تا مردم مملکت متوجه بمعارف باشند باین جهت گفتیم علماء مقصود علمای روحانی است و علماء را اخم و دانشمندان را اعم گرفتیم و گفتیم باید علماء روحانی شورای عالی معارف مدخلیت داشته باشند

مخبر - علماء اسم علم نیست بدرجه که هر گاه اطلاق کنیم یک اشخاص مخصوصی متبادر بنظر شوند ما روحانیون را وقتی بخواهیم فارسی کنیم دانشمندان میگفتیم علماء عربی است و غیر از روحانیون کسانی هم که از علوم امروزه مطلع می باشند آنها را هم علماء میتوانیم میگفتیم و هم دانشمندان و اما برای اینکه مقصود آقای آقا سید یعقوب هم بعمل آمده باشد ما از اینکه علماء و دانشمندان را یکی بگیریم یا دو تا شرایط اضافه رسمی و افتخاری شورای عالی معارف در ماده بعد معین شده است و هر طبقه اعم از روحانی و غیر روحانی که دارای شرایط باشند حق انتخاب شدن دارند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا این توضیح کافی نبود
محمد هاشم میرزا - خیر
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالف

حاج شیخ اسدالله - بلی بنده یک پیشنهادی هم میخواهم بکنم باین مضمون که بعد از علماء کلمه روحانی اضافه شود و نوشته شود علمای روحانی و دانشمندان که یک جنبه روحانیت هم در معارف باشد زیرا نسبت بخبلی از موارد جنبه روحانیت هم لازم است از قبیل ملاحظه تألیفات و اجازه طبع کتب که اینها یک چیزهایی است که باید علماء روحانی در آنها دخالت داشته باشند و اگر همین عبارت (علماء و دانشمندان) از مجلس بگذرد گمان میکنم یک عبارت مجملی گذشته باشد که وزیر هر نوع خواهد در موقع عمل تفسیر کند بنده برخلاف این هستم و مطلب باید واضع تر باشد تا وزیر وقت مجبور باشد یکی دو نفر از علماء روحانی را هم شرکت بدهد که در شورای عالی معارف از علماء روحانی یکی دو نفر هم باشند

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - گمان میکنم وقتی یک مسئله صحبت میشود منجر به سوء تفاهم می شود با شرایط معینه یک اشخاصی منتخب بشورای عالی معارف می شوند عالم و دانشمند هم یک لفظی است مطلق علماء روحانی عالم و دانشمند هستند

دانشمند هستند و داخل شدن در اینکه این لفظ مترادف است یا غیر مترادف این یک چیزی است که آکادمی باید معین کند ما آکادمی نیستیم که وضع لفظ بکنیم و معنی تازه از برای لفظ وضع کنیم و بگوئیم این لفظ اخیراً معنایش در مجلس شورای ملی اینطور تصویب شده معنی عالم معلوم است معنی دانشمند هم معلوم است اما یک مسئله دیگری فرمودند که بنده خیلی متأثرم که گفته میشود بایستی حتماً علماء روحانی باشند برای اینکه ما مدارسمان بطرف اسلامیت می رود مگر مدرسی که مطابق اصول اسلامیت نبوده است تمام مملکت مسلمان و تمام قوانین مطابق قانون شرع انور است مگر این مدرسی که در تمام مملکت ما هست بر طبق قوانین اسلامیت رفتار نمی نموده اند گمان نمیکنم ناطق معتمد همچو مقصودی داشته باشند شاید سوء تفاهم شده در هر حال ه نفر از علماء اعلام از هر قسمی که باشند معین خواهند کرد البته هر کسی عالم است اعلام است حالا ه چند نفر از علماء را با مقامات عالی که دارند میخواهیم در تحصیلات ابتدایی دخالت بدهیم در حالتی که تحصیلات ابتدایی که باید شاگرد الف را بصدا یا بالا یاد بگیرد جزو ترقیات مذهبی نیست یا اینکه سایر ترقیاتیکه در مدرسه هست که فارسی چه طور بخوانند یا کتب شرعیه تمام معنی است توافقی نداریم که بگوئیم چون بنا به حالا ترقیات مدرسی توافقی داشته یا نخواسته ایم مرتب کنیم همانطور که آقای مخبر فرمودند البته وزیر وقت در نظر خواهد داشت و هر کسی را مقدم میدانند انتخاب می نمایند و چون از طرف دیگر این مسئله یک وظایفی است که مجانی است و آقایان علماء مأمور سایر وظائف شرعیه هستند و معلوم نیست وقت داشته باشند تشریف بیاورند یا وقت نداشته باشند و شاید این خودش اسباب تعویق بشود آنوقت اگر ما اینجا تصریح کنیم حتماً باید چند نفر عضو از علمای روحانی باشند باید بگوئیم که آنها باید دارای چه شرایطی باشند و چه قسم علمانی باشند پس بهترین است که بطور کلی اختیارات را بگذارید بدست وزیر وقت که پنج نفر را معین کند همانطوریکه برای نوع دیگر علماء شرایطی نیست برای این نوع هم شرطی نباشد و از هر نوع وزیر خواست انتخاب کند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - بنده نظریه توضیحی که دادند اگر لفظ علماء و دانشمندان مترادف باشد باید به بینم چه طور شده است که لفظ ادبا در بین نیست در صورتیکه ترویج ادبیات جزو پروگرام وزارت معارف است و اگر بپذیریم یک نفر هم از ادبا باشد خوب است

قلین - مخبر کمیسیون - اولاً راجع باین قسمتی که فرمودند چند نفر از روحانیین - برای حفظ اصول دیانت و اسلامیت باشند تا در مواقعی که کتب کلاسی تألیف می شود ملاحظه بفرمائید که یک مطالبی در آن کتب برخلاف دیانت و مذهب اسلام نوشته نشده باشد بنده تصور میکنم اگر چنانچه بشرط

دانشمند هستند و داخل شدن در اینکه این لفظ مترادف است یا غیر مترادف این یک چیزی است که آکادمی باید معین کند ما آکادمی نیستیم که وضع لفظ بکنیم و معنی تازه از برای لفظ وضع کنیم و بگوئیم این لفظ اخیراً معنایش در مجلس شورای ملی اینطور تصویب شده معنی عالم معلوم است معنی دانشمند هم معلوم است اما یک مسئله دیگری فرمودند که بنده خیلی متأثرم که گفته میشود بایستی حتماً علماء روحانی باشند برای اینکه ما مدارسمان بطرف اسلامیت می رود مگر مدرسی که مطابق اصول اسلامیت نبوده است تمام مملکت مسلمان و تمام قوانین مطابق قانون شرع انور است مگر این مدرسی که در تمام مملکت ما هست بر طبق قوانین اسلامیت رفتار نمی نموده اند گمان نمیکنم ناطق معتمد همچو مقصودی داشته باشند شاید سوء تفاهم شده در هر حال ه نفر از علماء اعلام از هر قسمی که باشند معین خواهند کرد البته هر کسی عالم است اعلام است حالا ه چند نفر از علماء را با مقامات عالی که دارند میخواهیم در تحصیلات ابتدایی دخالت بدهیم در حالتی که تحصیلات ابتدایی که باید شاگرد الف را بصدا یا بالا یاد بگیرد جزو ترقیات مذهبی نیست یا اینکه سایر ترقیاتیکه در مدرسه هست که فارسی چه طور بخوانند یا کتب شرعیه تمام معنی است توافقی نداریم که بگوئیم چون بنا به حالا ترقیات مدرسی توافقی داشته یا نخواسته ایم مرتب کنیم همانطور که آقای مخبر فرمودند البته وزیر وقت در نظر خواهد داشت و هر کسی را مقدم میدانند انتخاب می نمایند و چون از طرف دیگر این مسئله یک وظایفی است که مجانی است و آقایان علماء مأمور سایر وظائف شرعیه هستند و معلوم نیست وقت داشته باشند تشریف بیاورند یا وقت نداشته باشند و شاید این خودش اسباب تعویق بشود آنوقت اگر ما اینجا تصریح کنیم حتماً باید چند نفر عضو از علمای روحانی باشند باید بگوئیم که آنها باید دارای چه شرایطی باشند و چه قسم علمانی باشند پس بهترین است که بطور کلی اختیارات را بگذارید بدست وزیر وقت که پنج نفر را معین کند همانطوریکه برای نوع دیگر علماء شرایطی نیست برای این نوع هم شرطی نباشد و از هر نوع وزیر خواست انتخاب کند

چهارم مراجعه بفرمائید وقتی این شرط درباره اعضای شورای عالی معارف منظور شد و مطابق این شرط انتخاب شدند دیگر جای هیچ نگرانی باقی نخواهد بود برای اینکه جزو شرط چهارم است که باید معروف به فساد عقیده و سوء سابقه نباشد یعنی مسلمان باشند بعد از آنکه اعضای شورای معارف مسلمان شدند البته راضی نخواهند بود کتبی طبع شود که در آنها مطلبی مخالف دیانت باشد اما راجع به قدمت که حضرت والا فرمودند خوب است یکی از ادبا هم قید شود بنده تصور می کنم محتاج نباشد زیرا در ماده چهارم نوشته شده است که اعضای شورای عالی معارف از نه نفر عضو رسمی تشکیل میشود که دو نفر آن از رؤسای مدارس عالی و متوسطه است و دو نفر از معلمان درجه اول مدارس عالی و متوسطه همین معلمان درجه اول مدارس عالی و متوسطه یقیناً اشخاصی خواهند بود که عالم بادبیات زبان فارسی باشند ولایت باشند بوظایفی که در این لایحه نوشته شده است عمل کنند پس بعد از آنکه ما تصدیق کردیم که دو نفر از معلمان درجه اول و همچنین دو نفر از رؤسای مدارس عالی و متوسطه باشند دیگر جای هیچگونه اعتراض باقی نخواهد ماند که بگویم یک نفر هم از ادبا باشد

آقای سید یعقوب - بنده اجازه خواستم
رئیس - بلی نوبت جناب عالی رسید بفرمائید
آقای سید یعقوب بنده می خواستم عرض کنم اینکه شاهزاده سلیمان میرزا یک کلمه ای فرمودند بنده نفهمیدم آیا کدام یک از علماء بودند که پول می گرفتند کاری کردند گمان میکنم سلسله روحانیون ایران همیشه برای مردم بیشتر از همه خدمت کرده اند و می کنند پس خوب است شاهزاده نسبت به تمام روحانیت این عبارت را بفرمائید و این ملاحظه را بکنند ...

رئیس - اشتباه می کنید همچون چیزی نه فرمودند
آقای سید یعقوب فرمودند اعضای شورای عالی معارف بی حقوقند مگر کدام یک از علماء حقوق می گرفتند و برای ملت کار میکردند خدا ما را خلق کرده برای ملت ایران فداکاری کنیم ما پول نمی گیریم ما مواجب نمیگیریم ما خودمان را فدای آب و خاک می کنیم ما خودمان را فدای اسلامیت و مسلمان می کنیم این عبارت با سلسله علماء دور دفاع کنیم این است که معارف ایران معارف اسلام و دارای مذهب جعفری است که تمام ایران دارای این عقیده هستند و باید شورای عالی معارف هم در تحت معارف اسلامی تشکیل شود تا بر ندارند بنویسند (بطوریکه اعراب می گویند محمد رسول الله است) اگر در شورای عالی معارف علماء روحانی بودند کسی جرئت نمیکرد همچو چیزی را بنویسد بنده عرض می کنم مملکت در سایه دیانت است پس آقای تدبیر که مخبر هستند قبول کنند که علماء و دانشمندان مترادف نیستند و لفظ هستند از برای دو معنی مراد

از علماء اشخاصی هستند که مقام روحانی را دارا هستند مردان دانشمندان اشخاصی هستند که دارای دیپلم باشند و از فرنگ تشریف آورده باشند
رئیس گمان می کنم این دو شعبه سوء تفاهم ایجاد می نماید برای اینکه شاهزاده سلیمان میرزا می گوید معارف را در ماده دوم مینویسد اعضای نه نفر از رؤسای مدارس آنها دو نفر از معلمان و دو نفر از رؤسای مدارس هستند پنج نفر هم از غیر اعضاء معارف دو نفر هم یکی وزیر و یکی مدیر کل هستند که ذی رأی خواهند بود در اینصورت شورای عالی معارف همیشه اکثریتش با اعضاء اداره خواهد بود باین مناسبت اگر اعضاء اقتضای را جزء اعضاء رسمی بکنند یعنی یک اعم برای آنها بگذارند و همه راضی رای بکنند ممکن است اکثریت با غیر اعضاء داری باشد ولی باین طریق که اقر اعضاء اداری باشند و نفر هم وزیر و مدیر کل همیشه اکثریت با اعضاء اداری خواهد بود و شورای عالی معارف همیشه طرفدار وزیر خواهد بود و بر له وزارت معارف رأی می دهد بنابراین اگر آقای مخبر قبول بکنند اعضاء اقتضای را هم باید با اعضای رسمی مساوی کنند یعنی بآنها هم حق رأی بدهند

قلین - اگر چه یک قسمت از مواد به رأی آقا با این ماده درم محل بحث است ضمیمه کردند ولی اصولاً باید عرض کنم که شورای عالی معارف یک شورائی است که رایش قطعی نیست و مثل مجلس شورای ملی نیست که رایش قطعی باشد این یک شورای مشورتی است و بهر چه رأیش در مقابل مسئولیت وزیر قطعی نیست زیرا اگر رأی شورایی معارف قطعی باشد ممکن است یک رأی بدهند که اجرای آن رأی مخالف با حدود مسئولیت وزیر باشد بنابراین این شورا یک شورای مشورتی است و رأی آنها وقتی مشورتی شد فرق نمیکند که شش نفر طرفدار وزیر باشند یا طرفدار وزیر نباشند البته تا یک مشورت عادلانه که انجام خواهد یافت نتیجه را اگر چنانچه وزیر دید بعد در مسئولیت او بر نمی خورد اجرا خواهد کرد بنابراین هیچ فرقی نمیکند که شش نفر طرفدار وزیر باشند یا نباشند به علاوه مقصود از دو نفر از معلمان و دو نفر از رؤسای مدارس عالی و متوسطه این است که یک اشخاص علمی و با تجربه در شورایی معارف باشند که نتیجه بهتر گرفته شود و در موضوع رأی اعضاء اقتضای هم گمان میکنم مناسب نباشد برای اینکه جاهای دیگر هم شورایی معارف یکجمله اعضاء اقتضای دارد و یک عده اعضاء رسمی اما اعضاء رسمی وقتی عضویت را قبول کردند در صورتی که هنوز مشروع نداشته باشند

و جداً مکلف هستند در جلسات حاضر باشند اما اعضاء افتخاری این اجبار را ندارند و علاوه باریک فرقه‌های دیگری هم دارد که در موقع خودش مرض خواهم کرد.

رئیس - آقای نصرت‌الدوله موافق هستند با مخالف

نصرت‌الدوله - بنده با ماده پیشنهادی کمیسیون موافق ولی نسبت به قسمت اخیر مخالفم اجازه می فرمائید عرض کنم.

رئیس - بفرمائید.

نصرت‌الدوله - چون نسبت به ماده سه مخالف یعنی با اعضاء افتخاری برای اینکه جمع بشود یعنی آن نظری که بعد اظهار خواهم کرد و این نظری که حالا بین آقای دولت آبادی و آقای مبین محترم مذاکره شد از مخبر محترم سؤال میکنم که آیا موافقت میکنند یا اینکه نظری که در این ماده نوشته شده معین می شوند عوض این پنج نفر در نظر معین بشوند ماده سه که مربوط با اعضاء افتخاری است حذف شود چون نمی توانم در ماده سه حالا عرض میکنم البته دلایل خود را نسبت با اعضاء افتخاری عرض کنم ولی نسبت سایر قسمت ماده با پیشنهاد کمیسیون موافق و چون يك موافق حرف زده است نمی توانم عراض خود را عرض کنم اگر نوبت ببنده رسید جواب آقایان مخالفین را عرض خواهم کرد.

مخبر - بنده تصور می کنم که مقصود حضرت والا این است که ۵ نفر با اعضاء شورای عالی معارف افزوده شود و عوض ۶ نفر بشود ۱۱ نفر ممکن است پیشنهاد کنید بکمیسیون مراجعه شود ولی شخصاً بنده نمی توانم قبول کنم برای اینکه در موضوع عده اعضاء شورای عالی معارف مباحثه زیاد شد و در نتیجه بواسطه ادله که یکی از آنها این است که عدلا ثابت شده است اینطور مجامع هر قدر عده اعضاء کمتر باشد نتیجه بهتر گرفته خواهد شد باین جهت عده زیاد ننگر قلم و بهیچ ۹ نفر کمیسیون قانع شد.

رئیس - مذاکرات در ماده دو کافی است یا غیر کافی.

(جمعی گفتند کافی است)

آقای میرزا ابراهیم قلی - بنده توضیح می خواهم.

رئیس - بفرمائید.

آقای میرزا ابراهیم - از آقای مخبر توضیح می خواهم که آیا شورای عالی معارف قطعی خواهد بود یا می تواند تغییر پیدا کند.

رئیس - جواب این مطلب را دادند آقایان مذاکرات را کافی می دانند.

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - سه فقره پیشنهاد رسیده است قرائت و ارسال می شود بکمیسیون پیشنهادی است از طرف آقای حاج شیخ اسدالله قرائت می شود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که اضافه شود بعد از علماء بشود روحانی.

(شیخ اسدالله محلاتی)

رئیس - پیشنهاد دیگر از طرف آقای سردار

معلم نماینده خراسانی است قرائت می شود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده دو - هیئت شورای عالی معارف از ۹ نفر عضو رسمی بشرح ذیل تشکیل می شود.

دو نفر از روسای مدارس عالی و متوسطه و دو نفر از معلمین درجه اول مدارس عالی و متوسطه و ۵ نفر از اشخاصی که دارای شرایط ماده چهار باشند.

(سردار معظم)

رئیس - پیشنهاد سوم از طرف شاهزاده محمد هاشم میرزا است قرائت می شود.

(بترتیب ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می نمایم (یک نفر از ادبای درجه اول) بعد از اعضاء رئیس شورای معارف افزوده شود.

(محمد هاشم میرزا)

رئیس - پیشنهاد ها ارسال می شود بکمیسیون و در موقع شور دوم رأی می گیریم ماده سوم قرائت می شود.

(آقای آقا میرزا ابراهیم خان بعضیون ذیل - قرائت نمودند)

ماده سوم - شورای عالی معارف علاوه بر اعضاء رسمی از ۵ نفر عضو افتخاری خواهد داشت.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - اجازه می فرمائید.

رئیس - تبصره را هم بخوانند بعد فرمایش بفرمائید.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

تبصره - اعضاء افتخاری فقط حق شرکت در مذاکرات خواهند داشت.

رئیس - آقای زنجانی (اجازه) -

آقا شیخ ابراهیم - بنده در ماده سابق هم مخالف بودم.

رئیس - حضور فرمودید.

آقا شیخ ابراهیم - عرض کردم در ماده قبل هم مخالف بودم میخواستم عراضی بکنم ملتفت نشدید.

رئیس - چرا اسم شما هم نوشته شده بود ولی

• - ۶ نفر قبل از جنابعالی بودند که مذاکره ختم شد

آقا شیخ ابراهیم - حالا در این ماده عرض می کنم عده اعضاء افتخاری هیچ جا محدود نیست شورای عالی معارف در بعضی جاها حقوق دارند و در بعضی جاها ندارند بنده خود تجربه کرده ام و سال ها در شورای عالی معارف بوده ام و اکنون هم هستم اعضاء مجانی جداً حاضر نمی شوند خدمت کنند بنده به آقای وزیر معارف دلایل را گفتم و عرض کردم ۱۸ نفر اعضاء شورای عالی را نه نفر با حقوق و نه نفر بدون حقوق پیشنهاد کنند اماده اعضاء افتخاری حد ندارد در تمام عالم افتخار شورای بر این است که عده اعضاء محدود نباشد

من اگر از ادب داشتم باشم می توانم آلان تقاضا کنم عضو شورای معارف فرانسه باشم و قبول هم می کنند وقتی هم آنجا حاضر شدم پذیرائی می کنند پس عضو افتخاری حد ندارد و محدود نیست

حتی با اهل مملکت هم محدود نیست از مالک اجنبی هم ممکن است عضویت داشته باشند همچنانکه بنده قانون شورای ها معارف را از قانون شورای معارف هنرانی ترجمه کردم و دادم به وزیر نهایت این که ایشان موافقت آنرا کم پیشنهاد کرده اند و این وظایفی را هم کاینجا نوشته اند کم است

مخبر - در موضوع این که آیا اعضاء شورای عالی معارف باشند یا نباشند اگر چه در لایحه وزیر هم ذکر شده بود ولی در کمیسیون راجع باین مطلب با حضور وزیر مذاکره شده و بالاخره ...

ملک الشعرا - این راجع به ماده هفتم است

مخبر - می دانم ولی جواب آقای آقا شیخ ابراهیم را می خواهم بنده بالاخره مقرر گذاشتند همان طور که سابقاً معمول بوده معانی باشد و این يك قدمی است بمعارف مملکت و آن کسانی که قبول می کنند باید اخلاقاً خود را تکلیف بدانند که حاضر شوند و این خدمت را به معارف مملکت بنمایند و اما این که می فرمائید اعضاء شورای معارف چند قسم هستند بعضی حقوق دارند و بعضی بی حقوق هستند این مسئله فقط اختصاص بشورای عالی معارف هنرانی دارد و در سایر جاها این طور نیست در هنرانی هم معمول این است که جلسه است و در هر جلسه که اعضاء حاضر می شوند يك حق می گیرند و در اینجا تصدیق می فرمائید يك نمره اشخاصی که لایق و شایسته هستند که عضویت شورای عالی معارف را دارا باشند ولی معلوم نبود چه شکلی می شود حقوق برای آنها قرار داد جلسه یا مامنه که بهجانب آنها بر نخورد باین ملاحظه صرف نظر شد و همان طور که وزیر معارف پیشنهاد کرده بودند کمیسیون قبول کرده و اگر هم بعضی مواقع لازم بشود هیچ مانعی نخواهد داشت از این که وزیر معارف و دولت این موضوع را پیشنهاد کنند اما راجع به اعضاء افتخاری البته قانون بر حسب احتیاجات محل وضع می شود تصور می کنم پس از اینکه ما تصدیق کردیم این قانون برای شورای عالی معارف مرکز است اگر بخواهیم يك اشخاصی پیدا کنیم که دارای همان شرایط باشند که اعضاء رسمی هستند بیش از ده نفر توانیم پیدا کنیم البته امیدوارم در آتی دانشمندان ما خیلی زیاد تر باشند آن وقت ممکن است وزیر معارف اعضاء افتخاری را زیاد تر و غیر محدود پیشنهاد نماید ولی امروز تصور می کنم اشخاصی که لایق هستند و یا این شرایط عضویت افتخاری را قبول می کنند بیش از این حاضر نخواهند شد

رئیس - شاهزاده نصرت الدوله مخالفند؟

نصرت الدوله - بلای بنده تصور می کنم اساساً يك اشتباه اصلی در تغییر شورای عالی معارف پیدا شده و شاید بواسطه همین اشتباه است که آقای زنجانی هم و در ضمن مخالفت با ماده سوم بعضی از شوراهای علمی و معارفی خارجه را که در آنها همه کس میتواند عضو باشد متذکر گردیدند ما میخواهیم بدانیم این شورای عالی معارف برای چه است و برای چه امروز میخواهیم تأسیس کنیم آنچه

بنده از این قانون میفهمم این يك شورای عالی اداری است برای تنظیم و ترتیب تحصیلات و تهیه پروگرام و تصنیف کتب و مطابقت کردن آن با پروگرام مدارس و کلیه مسائل دیگری که مربوط میشود به تحصیلات مدارس متوسطه و عالی و غیره این شورا غیر از شوراهای است که فرض کنیم از برای يك مسائل عمومی تأسیس می شود فعلاً در اروپا در مراکز بزرگ يك اجتماعاتی تشکیل میدهند که حقیقتاً اسم آنها را شورا نمی شود گذاشت بلکه اجتماعات بزرگتر است و هر کدام در یک رشته مخصوص يك کارهایی میکنند و اعضاء زیادی دارند چه از داخله چه از خارجه که هر کدام يك وظایفی دارند ولی ما اینجا میخواهیم يك شورای اداری تشکیل بدهیم در اینصورت بنده نمیفهمم عضو رسمی و عضو افتخاری یعنی چه وجه معنی دارد.

در قسمت اول اظهارات آقای زنجانی بنده موافقت کردم جهش این بود که در يك موقعی ممکن است همین اعضاء رسمی و افتخاری امتیازی قرارداد که برای يك قسمت از آنها حقوق قائل بشوند البته در این صورت ممکن بود يك متعلقی برای این مسئله قائل شد ولی در صورتیکه ما بطور کلی قائل شویم که اعضاء شورای عالی معارف مابدون حقوق باشند پس عضو افتخاری یعنی چه اگر هم میخواهند عده زیادتر از ۹ نفر باشد ممکن است همانطور که عرض کردم بر عده بیفزایند و عده اعضاء را ۱۴ نفر معین کنند و اگر هم همین عده نه نفر را کافی میدانستند بنده هم میتوانم با آقای تدین موافقت کنم که در این قبیل مسائل برای اخذ نتیجه هر قدر عده کمتر باشد سهل تر است در اینصورت ممکن است بهمان عده که در باره دوم ذکر شده قناعت کنند و این ماده سه که راجع به عضو افتخاری است حذف شود و دلیلی ندارد عضو افتخاری داشته باشد و اگر آقای مخبر دلالتی دارند اقامه نمایند شاید بنده قانع شوم و الا پیشنهاد میکنم ماده سه حذف شود

مخبر - اولاً دلیل انحصار اعضاء رسمی را به نه نفر عرض کردم و دیگر تکرار نمیکنم اما راجع با اعضاء افتخاری مقصود از پذیرفتن اعضاء افتخاری این است که بعضی اشخاص يك فکری دارند و اطلاعاتی دارند که اعضاء رسمی نمیتوانند از افکار عالی آنها استفاده کنند بنا بر این میبایستی يك سمی برای آنها قائل شد و این سمت افتخاری منحصرأ برای این است که از اطلاعات بعضی اشخاص که در خارج هستند شورای عالی معارف استفاده نمایند و چون عضو افتخاری خودش را ملزم نمیداند تمام جلسات حاضر بشود ولی عضو رسمی ملزم است حاضر شود فقط برای اینکه از اطلاعات آن اشخاص استفاده شده باشد عضو افتخاری منظور شده و الا جهت دیگری نداشته است

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفند

حاج شیخ اسدالله - بلای همچنانکه صحبت شد افتخاری و غیر رسمی از روی نیاز و در هر گاه بخواهند از اطلاعات آنها استفاده کنند ممکن است بطور غیر رسمی نظریات آنها را چاپ ندوده و در شورای عالی نظریه آنها را اجرا کنند و دیگر اینکه بنده هر چه

در این قانون مراجعه کردم چیزی نفهمیدم که اشخاصی که عضویت افتخاری داده اند در صورتیکه آنها چه خواهند کرد و جلسه شورای عالی کی تشکیل می شود و با حضور چند نفر عضو رسمیت پیدا میکند یا اگر اعضاء اداری تماماً غایب بودند و اعضاء افتخاری حاضر بودند یا بالعکس چه طور میشود و جلسه در چه موقع تشکیل می شود آیا اینکه تمامشان يك که حاضر شدند متعقد می شود یا اینکه تشکیل معقد هستند که اگر يك نفرشان حاضر نشده تشکیل شود در اینجا هیچ اسمی از این ترتیب ندرده نشد و هر حال يك ماده معمول و گنگ است که هیچ نمی شود از این ماده استفاده کرد و نتیجه گرفت که آرایش چه طور است قطعیست دارد یا نه ابتدا ذکر نشده و دیگر اینکه می گوید رأی این هیئت قطعی نیست پس تشکیل این جلسه در صورتیکه هیچ تصمیم آن قطعی نباشد و وزیر مجبور نباشد آنرا اجرا کند فایده اش چیست و برای چه مذاکره میکنند بنا بر این اگر تصمیماتی در شورای عالی معارف گرفته شد و وزیر آزاد باشد آنرا اجرا نکند بنده مخالفم - حالا در این قسمت اگر بعضی از آقایان موافقت نمیکنند نکنند و لکن اعضاء غیر رسمی و افتخاری را بنده زیاد می دانم و خوب است این قسمت معین شود که نتیجه آراء و تشکلات رسمی این شورا با حضور چند نفر از اعضاء داده می شود و آرائی که داده می شود با اکثریت چند رأی صورت رسمیت پیدا میکند خوب است آقای مخبر توضیح بفرمائید.

مخبر - نماینده محترم ماده قانون را با ماده نظامنامه مخلوط کرده اند البته تصدیق میفرمائید که خودمان در همین مجلس شورای ملی که الان هستیم يك نظام نامه داخلی داریم و يك قانون اساسی و در قانون اساسی تصریح شده که مجلس شورای ملی باید نظام نامه داخلی داشته باشد شورای عالی معارف هم يك نظام نامه داخلی برای تعیین جلسات و اینکه با حضور چند عضو جلسه متعقد می شود خواهد داشت و اموری که راجع به انتظامات داخلی است در نظام نامه داخلی باید قید شود که شورای عالی معارف چه وقت رسمیت خواهد داشت یعنی وقتی که نصف بملاوه يك یا دو ثلث یا سه ربع از اعضاء حاضر باشند و ابتدا جای این مطالب در قانون نیست اما راجع با اعضاء افتخاری و اعضاء رسمی این اعضاء دو بعضی از مطالب با هم اشتراك دارند و در بعضی جاها اختلاف دارند

اولاً مطابق این لایحه همان شرایطی که باید اعضاء رسمی داشته باشند اعضاء افتخاری هم خواهند داشت و همان طور که اعضاء رسمی را وزیر انتخاب میکند اعضاء افتخاری را هم وزیر انتخاب میکند همان طور که مطابق فرمان هایبونی اعضاء رسمی رسمیت پیدا میکند اعضاء افتخاری هم مطابق همان فرمان رسمیت پیدا خواهند کرد

تمام این ها مطابق نظام نامه است فقط اعضاء افتخاری و رسمی يك فرق دارند و آن این است که

اعضاء افتخاری حق شرکت در مذاکرات را دارند ولی حق رأی از آنها سلب می شود زیرا اگر بآنها حق رأی بدهیم آنوقت حضور و غیاب آنها در تشکیل شورای عالی معارف مؤثر می شود باین معنی که ۱۱ نفر با وزیر و مدیر عضویت پیدا می کنند ۱۰ نفر هم فرض میکنم عضو افتخاری خواهند داشت

این ۲۱ نفر اگر حق رأی بآنها بدهیم غیاب آنها مؤثر می شود و الا باید نصف بملاوه يك حاضر بشوند تا جلسه رسمیت پیدا کند و باید همیشه منتظر بود که اعضاء افتخاری بیایند در صورتیکه آنها ملزم نیستند پس نتیجه این خواهد شد که شورای عالی معارف تشکیل نشود و نتیجه حاصل نشود باین جهت است که حق رأی از آنها ساقط خواهد شد و مقصود دیگری در نظر نبوده است فقط استفاده از افکار اشخاص دانشمند است و چون دچار این معذور می شدیم و عده ۲۱ نفر است و ممکن است در تشکیل شورای عالی معارف ننگ و اذیت شود باین جهت فقط حق شرکت در مذاکرات بآنها داده شد

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی مخالف هستند.

سردار معظم - بنده با اصل ماده موافقم ولی با عبارت مخالفم و يك پیشنهادی میکنم.

رئیس - بسیار خوب در موقع قرائت پیشنهاد اظهارات خود را بفرمائید

آقای زنجانی (اجازه).

آقا شیخ ابراهیم - يك مقدار از منظر رسمیت و افتخاری را آقای تدین بیان فرمودند که اگر اعضاء رسمی حاضر بشوند رأی آنها مؤثر خواهند بود ولی اگر اعضاء افتخاری حاضر شوند غیبت آن ها در شورای معارف مؤثر نخواهد بود ولی محدود کردن اعضاء افتخاری را بنده لازم نمی دانم مثلاً ۹ نفر از ۱۰ نفر را انتخاب کردند آنوقت اگر يك نفر عالی وارد بشود و تقاضا بکنند عضو شورای معارف بشود آقای وزیر قبول خواهد کرد و حق خواهد داشت او را هم افتخاراً به عضویت قبول نکنند یا خیر که از وجود او استفاده کند یا نه حق نخواهد داشت.

مخبر - اگر این قانون تصویب شد منوط بمیل وزیر است.

رئیس - کسی دیگر اجازه نخواسته است معلوم می شود مذاکرات در ماده سوم کافی است پیشنهادی از طرف آقای سردار معظم خراسانی شده قرائت می شود توضیح میدهند و بکمیسیون ارسال می شود (آقای آقا میرزا ابراهیم خان بعضیون ذیل قرائت نمودند)

شورای عالی معارف علاوه بر اعضاء رسمی تا ۱۰ نفر عضو افتخاری میتواند داشته باشد.

تبصره - اعضاء افتخاری فقط حق شرکت در مذاکرات را خواهند داشت.

(سردار معظم)

سردار معظم - اگر چه مطالب گفته شد بنده هم تصور می کنم مشارکت اعضاء افتخاری در شورای

عالی معارف مفید باشد مخصوصاً با مقتضیات مملکتی بنابراین اساساً بنده مستقدم باین کشوری عالی معارف علاوه بر اعضای رسمی برای ترویج و ترقی معارف دارای اعضای افتخاری هم باشد چون ممکن است از این راه کمک ها و مساعدتهای زیادی بمعارف بشود ولی عبارت را که در این لایحه نوشته شده درست نمی فهم چون عضویت افتخاری شورای معارف اجباری نیست و لازم نیست تا نه نفر حتی باشد و از هر نفر تا ۱۰ نفر بترتیب دیگری باشد باید عبارت طوری نوشته بشود که مفهومش این باشد علاوه بر اعضای رسمی تا ۱۰ نفر دیگر هم شورای عالی معارف می تواند عضو افتخاری داشته باشد و انتخاب آنها هم بنظر وزیر معارف باشد آنوقت ممکن است در حدود این شرایط معینه در یک دوره ۱۰ نفر پیدا کند در یک دوره دیگر دو نفر یا هشت نفر و اگر مطابق شرایط معینه پیدا نکند هیچ معین نمیکند بنابراین باید عبارت بنظر اصلاح شود که شورای معارف تا ۱۰ نفر می تواند عضو افتخاری داشته باشد.

رئیس - بکه کمسیون معارف ارجاع می شود.
نصرت الدوله - پیشنهادهای دیگر هم ارجاع می شود.

رئیس - بلی ماده چهارم قرائت می شود.
(آقای آقامیرزا ابراهیم خان بشرح آتی قرائت نمودند)

ماده چهارم - کلیه اعضای شورای عالی معارف باید دارای شرایط ذیل باشند ،
اول - خدمات شایان تقدیر بمعارف مملکت نموده باشند .
دوم - اقلاً ۳۰ سال داشته باشند .
سوم - دارای معلومات و اطلاعات کافی بوده باشند .

چهارم - موصوف بصفت عمل و حسن سابقه و فعالیت بوده و معروف بفساد عقیده و سوء سابقه نباشند .
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)
حاج میرزا مرتضی - بنده تصور می کنم يك شرط عمده که باید در اینجا ذکر شود نشده است و آن این است که باید شرط شود که اعضای شورای عالی معارف دارای مذهب اسلام باشند اگر چه مخیر معترم توضیح دادند که دارای فساد عقیده نباشند و عدم فساد عقیده را تعبیر بمذهب اسلام فرمودند ولی این لفظ را بهر طور می شود تغییر کرد بنابراین خوب است شرط بشود که دارای مذهب اسلام باشند .

رئیس - آقای سردار معظم مخالف بموافقت سردار معظم - با دو سه عبارت این ماده مخالف هستم .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفید یا موافق .

محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم .

رئیس - آقای محقق العلماء مخالفید ؟

محقق العلماء - با فرمایش آقای حاج میرزا مرتضی مخالفم .

رئیس - پس با راپورت موافقت ؟

محقق العلماء - بلی .

رئیس - بفرمائید .

محقق العلماء - عرض میکنم بنده خیلی متأسفم که در مملکت اسلامی و جامعه اسلامی راجع بیدارس اسلامی مکرر می گویند مذهب اسلام مذهب اسلام اگر چیزی برخلاف اسلام دیده شد آنوقت باید گفت اسلام نه حالا .

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - بنده در شرط اول که نوشته شده خدمات شایان تقدیر درست نمی فهم خدمات شایان تقدیر یعنی چه علاوه شرط چهارم بعقیده بنده خیلی کش دارد و مبهم است و هر کس بهر نحوی از انحاء بخواهد آنرا تعبیر کند میتواند بنده عقیده ام اینست شرایطی که معین میشود نباید شامل تفهیم و تفسیر باشد هر چه شرایط واضح تر و روشنتر باشد بعقیده بنده بهتر است حالا خود بنده نمیدانم چه شرایطی پیشنهاد کنم ولی البته باید در خود کمسیون زیاد تردد این قبیل مسائل دقت بشود زیرا شرط اول و چهارم قدری کش دار است و کش داشتن این شرایط ممکن است بر حسب جریانهای خاص که در وزارت خانها و در ادارات هست يك عده را بواسطه متوسل شدن بهمین شرایط از عضویت در شورای عالی معارف محروم کند و این محرومیت غلط است بنابراین خوب است کمسیون اعضای خود را دعوت بکنند و تجدید نظر در این شرایط بکنند و شرایط واضحتری پیشنهاد کنند بعقیده بنده اینطور بهتر است .

مخیر - بنده هیچ مخالف نیستم - اگر آقایان پیشنهادی بنظرشان میرسد کتباً بدهند به کمسیون یا موقعی که کمسیون تشکیل میشود خودشان تشریف بیاورند و مذاکره کنند .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - اگر آقای مخیر قبول میکنند به کمسیون برگردانده عرایض را در کمسیون عرض کنم .

رئیس - چرا برگردانده کمسیون شود دوم که نیست شورای است اگر پیشنهادی دارید بنویسید به کمسیون فرستاده نشود

محمد هاشم میرزا - بسیار خوب پیشنهاد میکنم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده تصور میکنم که آقای محقق العلماء در این مدتی که در تهران زندگانی کرده اند احاطه بوضعیات این شهر پیدا کرده اند گویا آقا ترتیب مدرسه آمریکائی و الیانس را در این شهر نمیدانند بنابراین اگر ما این شرایط را ملحوظ داریم بیچ وجه ضرری نخواهد داشت کلمه اسلامیت در این مورد هیچ ضرری بدستگاه کسی وارد نمیشود برای اینکه واقعه که پررور در انبار واقع شد تکرار نشود

رئیس - گفته شد اگر پیشنهادی دارید بنویسید تا به کمسیون فرستاده شود گمان میکنم دیگر لازم باین مذاکرات نباشد آقایان مذاکرات را در ماده ۴ کافی نمیدانند .

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

وزیر معارف اعضای رسمی و افتخاری شورای عالی معارف را برای مدت چهار سال انتخاب نموده بموجب فرمان هماهنگی رسمیت خواهد داد .

رئیس - نسبت بماده پنجم کسی اعتراض ندارد آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده پیشنهادی کردم خوب است اجازه فرمائید قرائت شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده پنجم و دهم حذف شود مواد ذیل نوشته شود (حائری زاده)

۱ - اعضای شورای عالی معارف را وزیر برای مدت شش سال انتخاب خواهد نمود

۲ - دوسال یکبار یک ثلث اعضاء شورای عالی معارف از کارکنان نموده، عوض آنها انتخاب می شود در انتخاب اول و دوم بحکم قرعه يك ثلث خارج شده در انتخابات بعد عضو يك شش سال خدمت نموده از کارکنان نموده عوض را وزیر انتخاب خواهد نمود .

۳ - اعضاء سابق قابل انتخاب خواهند بود

مخیر - این پیشنهاد از طرف کیست

رئیس - راجع به آقای حائری زاده است

(خطاب به حائری زاده) اگر توضیحی دارید بفرمائید

مخیر - آقای حائری زاده خودشان عضو کمسیون معارف میباشد در کمسیون هم این پیشنهاد را فرمودند ولی اعضاء کمسیون این پیشنهاد را رد کردند .

حائری زاده يك نقطه نظر بنده از تقدیم این پیشنهاد منحل شدن شورای عالی معارف است نظر دیگری هم هست و آن این است که همیشه اکثریت اعضاء در شورای عالی معارف حضور داشته باشند با ترتیبی که کمسیون اتخاذ نموده ممکن است پس از منحل شدن شورای عالی معارف سابق اعضاء جدید نظریه دیگری داشته باشند و بخواهند پروگرام مدارس را هر روز تغییر و تبدیل دهند بنابراین بنده عقیده دارم اگر این اصل را که پیشنهاد کرده ام اتخاذ شود همیشه اکثریت اعضاء باقی خواهد بود و پروگرام مدارس ما دیر تر تغییر میکند و بیشتر می توانیم به پیشرفت امور معارف اطمینان داشته باشیم

رئیس - بسیار خوب این پیشنهاد هم ارجاع به کمسیون میشود ماده ششم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

وزیر معارف رئیس رسمی شورای عالی معارف و مدیر کل وزارت معارف باطریق عضویت خواهد داشت .

رئیس - آقای شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بموجب این راپورت مدیر کل وزارت معارف هم در شورای عالی عضویت دارد در صورتی که معلوم نیست مدیر کل در شورای عالی دارای رأی خواهد بود یا نه و یا اینکه وزارت معارف دارای مدیر کل خواهد بود یا نه زیرا هنوز تشکیلات وزارت معلوم نیست بعضی از نمایندگان قانون تشکیلات معارف از مجلس گذشته است

حاج شیخ اسدالله - بسیار خوب اگر قانون تشکیلات معارف از مجلس گذشته باشد حرفی ندارم ولی آیا آراء وزیر و مدیر کل در امور شورای عالی منخلت خواهد داشت یا خیر ؟

مخیر - موافق قانون اداری وزارت معارف که سابق مجلس تصویب کرده است وزارت معارف بموضع معاون اداری مدیر کل می باشد و اخیراً هم آقای وزیر معارف چون خواست اند تشکیلات قانونی را تعقیب کرده باشند

يك نفر مدیر کل برای وزارتخانه معرفی کرده اند و قانون این مسئله را تفریح کرده است در هر حال چون مدیر کل از کلیه امور معارفی مرصع و ایالات و ولایات اطلاعاتی دارند

لذا در شورای عالی معارف هم عضو می باشند و این عضویت هم عضویت وضعی است نه شخصی یعنی هر کس که مدیر کل وزارت معارف باشد عضو شورای عالی هم است و بعد از آنکه آن شخص از کار خود منصرف شد دیگری بموضع او معین خواهد شد عضو خواهد بود

حاج شیخ اسدالله - دارای رأی خواهد بود یا نه ؟

مخیر - بلی صاحب رأی هم است

رئیس - آقای نصرت الدوله اجازه

نصرت الدوله - بنده با این ماده مخالفم لکن می خواهم يك تذکری به آقای مخیر بدهم که شاید موافقت قبلاً حاصل شود

ماده نهم این قانون برای شورای عالی معارف يك دارالانشاء دائمی قائم می شود بنده از نقطه نظر وام و ثبات و از نظر اینکه رشته کارهای معارف يك نوع مرکزیت پیدا کنند و متصل بواسطه تغییر کابینه ها در معارف تغییراتی حاصل نشود و چون بعضی اینکه کابینه تغییر کرد و وزیر می آید مدیر کل را بر می دارد و دیگری را بجای او می گذارد خواستم سؤال کنم آیا ممکن است کمسیون با وزیر معارف توافق نظری حاصل نموده و چنین قرار دهند که کابینه رئیس این دارالانشاء همان مدیر کل بوده و در شورای عالی هم عضویت داشته باشد و صاحب رأی هم باشد یا خیر تا در حقیقت هم وزارت معارف يك مدیر کل پیدا نماید که بواسطه بقای خودش کلیه امور معارفی را در دور خود تمرکز داده و اطلاعات کامل حاصل نماید و هم در شورای عالی معارف يك عضو ثابتی باشد و همان عضو ریاست دارالانشاء را هم عهده دار باشد

گمان میکنم اگر کمسیون چنین توافق نظری

با آقای وزیر معارف حاصل کنند بسیار خوب خواهد بود حالا اگر آقای مخیر توضیحی دارند بفرمائید تا بنده پیشنهادی که خواهم کرد از روی بصیرت و مصالحه باشد .

مخیر - اولاً راجع بترانزل مقام مدیر کل باید دانست مقام مدیر کل و سایر روسا و مدیران موقعی ثابت خواهد بود که يك قانون استخدامی وضع شود تا وزیر حق داشته باشد بدون جهت يك رئیس اداره را منقصل نماید و اما اینکه می فرمائید مدیر دارالانشاء و مدیر کل معارف یکی باشد

این موضوعی است که باید پیشنهاد بفرمائید ولی گمان نمی کنم از نقطه نظر عدل و آکار این پیشنهاد عملی باشد

زیرا کار های دارالانشاء شورای عالی معارف البته زیاد خواهد بود و کار های اداری وزارتخانه هم البته بسیار است با این حال ممکن است این دو مشغله با یکدیگر مزاحمت پیدا نماید و يك نفر از عهده هر دو کار بر نیاید و تصور میکنم این پیشنهاد حضرت والا هم از این نقطه نظر است که مدیر کل همیشه ثابت بوده و تغییر نکند

اگر این نظریه باشد ممکن است با وزیر معارف داخل مذاکره شده که مدیر کل دائمی باشد و آن البته قانون مخصوصی می خواهد ولی بطور کلی ما باید اقدامی بکنیم که مقام تمام روسای ادارات و مدیران دوائر ثابت باشد و از روی يك اصول معینی انتخاب شده و ناتقصیری که باعث عزل آنها بشود سرزنش وزیر نتواند بعمل خود تغییر و تبدیل دهد و بگانه راه حل این مسئله همان تدوین قانون استخدام است که این رویه در تمام ادارات و وزارت خانها تدبیر باید

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - بنده هم متأسفانه با عضویت مدیر کل در شورای معارف مخالفم لکن علت مخالفتم کاملاً نظریه شاهزاده نصرت الدوله نیست بلکه علت مخالفتم این است که میترسم در دارا بودن شرایط مذکور در ماده چهارم دچار اشکال بشویم زیرا ما برای اعضاء شورای معارف شرایطی را معین میکنم که اولاً خدمات شایانی تقدیری بمعارف مملکت کرده باشند ثانیاً سی سال داشته باشند البته این شرط دومی سهل است مدیر کل میتواند این شرط را تأمین بشاید ثالثاً دارای معلومات کافی بوده و بالاخره معروف بفان و فلان نبوده باشد عضو شورای عالی معارف بایستی دارای شرایط باشند بنابراین ما بجز در اینکه عضویت مدیر کل را در شورای معارف معتقد شدیم باید قائل شویم که مدیر کل هم باید دارای این شرایط باشد در صورتیکه مشهودات ما اکثر مواقع برخلاف این ترتیب بوده بلی ممکن است وزیر معارف هم دارای این شرایط نباشد ولی از نقطه نظر وزارت و ریاست شورا میتواند در شورای معارف عضویت پیدا نماید و عضویت وزیر يك احترامی دارد اما بمخوام

سؤال نمایم عضویت مدیر کل چه احترامی دارد مدیر کل که حتماً مجبور نیست شرایط مدیریتش با شرایط

عضویت شورای عالی معارف تطبیق نماید و هنوز برای لیاقت مدیر کل شرایطی اجرا نمیشود و قانون استخدامی در بین نیست بعل وادخواه وزیر منصوب و معزول میشود و باراده خود او را معاون پارلانی و مدیر کل مینماید و اینصورت بنده از لزوم عضویت مدیر کل در شورای عالی معارف چیزی نمی فهم و اگر آقای مخیر میخواهند از نقطه نظر اطلاعات اداری مدیر کل ذی دخل در شورای عالی معارف باشد پس اقلاً خوب است رئیس معارف را شرکت و عضویت بدهند از عضویت مدیر کل که باراده يك وزیر تثبیت می شود ممکن است بعد از دوسه هفته که عمر معمولی ادوار حکومتی ما است از کار منقصل شود چه استفاده میتوان تصور کرد و گمان میکنم نتیجه این خواهد بود که در این قانون از عضویت مدیر کل در شورای عالی معارف صرف نظر نمود و بعضویت وزیر که غیر ملزم بدار بودن آن شرایط است اكتفا نمایم

مخیر - تصور میکنم این شرایط چهار گانه شامل همان اعضاء رسمی و افتخاری باشد و اصل وزیر و مدیر کل نباشد البته نظریه آقای سردار معظم هم نظریه ایست که بعدها باید راجع بآن مذاکرانی بشود ولی عضویت وزیر معارف در شورای عالی از نقطه نظر وزارت امری است طبیعی لکن عضویت مدیر کل برای اطلاعات اداری و از نقطه نظر امور معارف است و هیچ منافاتی هم ندارد و رئیس معارف و رئیس تعلیمات هم عضو شورای عالی باشند ولی باید دانست که ما برای مملکت قانون می نویسیم و بعد هم باید کوشش نمایم این قانون بموقع اجرا و عمل بیاید بنابراین این قانون باید بمصالح مملکتی بیشتر موافق باشد معذراً ممکن است پیشنهاد فرمائید تا با وزیر معارف راجع بآن مذاکرانی بشود

رئیس - آقایان مذاکرات را در این ماده کافی نمیدانند

عضویت شورای عالی معارف تطبیق نماید و هنوز برای لیاقت مدیر کل شرایطی اجرا نمیشود و قانون استخدامی در بین نیست بعل وادخواه وزیر منصوب و معزول میشود و باراده خود او را معاون پارلانی و مدیر کل مینماید و اینصورت بنده از لزوم عضویت مدیر کل در شورای عالی معارف چیزی نمی فهم و اگر آقای مخیر میخواهند از نقطه نظر اطلاعات اداری مدیر کل ذی دخل در شورای عالی معارف باشد پس اقلاً خوب است رئیس معارف را شرکت و عضویت بدهند از عضویت مدیر کل که باراده يك وزیر تثبیت می شود ممکن است بعد از دوسه هفته که عمر معمولی ادوار حکومتی ما است از کار منقصل شود چه استفاده میتوان تصور کرد و گمان میکنم نتیجه این خواهد بود که در این قانون از عضویت مدیر کل در شورای عالی معارف صرف نظر نمود و بعضویت وزیر که غیر ملزم بدار بودن آن شرایط است اكتفا نمایم

مخیر - تصور میکنم این شرایط چهار گانه شامل همان اعضاء رسمی و افتخاری باشد و اصل وزیر و مدیر کل نباشد البته نظریه آقای سردار معظم هم نظریه ایست که بعدها باید راجع بآن مذاکرانی بشود ولی عضویت وزیر معارف در شورای عالی از نقطه نظر وزارت امری است طبیعی لکن عضویت مدیر کل برای اطلاعات اداری و از نقطه نظر امور معارف است و هیچ منافاتی هم ندارد و رئیس معارف و رئیس تعلیمات هم عضو شورای عالی باشند ولی باید دانست که ما برای مملکت قانون می نویسیم و بعد هم باید کوشش نمایم این قانون بموقع اجرا و عمل بیاید بنابراین این قانون باید بمصالح مملکتی بیشتر موافق باشد معذراً ممکن است پیشنهاد فرمائید تا با وزیر معارف راجع بآن مذاکرانی بشود

رئیس - آقایان مذاکرات را در این ماده کافی نمیدانند

(بعضی از نمایندگان کافی است)

فهییم الصلح - بنده مخالفم

رئیس - پنج شش نفر قبل از جنابعالی اجازه خواسته اند مذاکرات کافی هست

(بطور هم همه بعضی میگفتند کافی است)

رئیس - ملتفت نباشم رأی میکنم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است پیشنهاد آقای سردار معظم قرائت بکنم در ماده ششم عضویت

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ششم عضویت مدیر کل حذف شود

(سردار معظم)

رئیس - توضیحی که راجع باین پیشنهاد باشد ندارم

سردار معظم - خیر توضیحی ندارم ولی با ذکر چند کلمه توضیح سابق خود را تکمیل میکنم آقای مخیر فرمودند عضویت مدیر کل در شورای عالی بواسطه اطلاعات اداری است بنده عرض میکنم لازم بعضویت نیست وزیر معارف هم موقع اطلاعات

بعضویت نیست وزیر معارف هم موقع اطلاعات

بخواهد ممکن است مدیر کل را احضار و از او استفسار نماید

اقبال السلطان - اجازه میفرماید

رئیس - بعد از آنکه برای بکافی بودن مذاکرات گرفته شد دیگر نمیتوان مذاکره نمود مگر اینکه راجع بپیشنهاد مذاکره داشته باشید

اقبال السلطان - اعتراض بنده راجع بماده هفتم است

رئیس - ماده هفتم هنوز قرائت نشده قرائت می شود بعد راجع بآن مذاکره می شود
آقای میرزا ابراهیم خان ماده هفتم را بضمون ذیل قرائت نمودند

عضویت شورای شورای عالی معارف بدون حقوق خواهد بود

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - اعضائی که برای شورای عالی معارف معین شده اند یا زده نفر می باشند شش نفر از آنها دارای حقوق و پنج نفر دیگر بدون حقوق می باشند بنا بر این گمان میکنم نظر به همین مسئله اشخاصی که بی حقوق می باشند اغلب اوقات حاضر نشده و بالتجربه جلسات شورای عالی تعطیل میشود عقیده بنده این است که برای این پنج نفر هم حقوق معین شود

معارف - آن شش نفر اگرچه حقوق دارند و موظف هستند ولی موظف بودن آن هاز نقطه نظر عضویت شورای معارف نیست بلکه از نقطه نظر این است که بامدیمر مدرسه یا معلم هستند و در عضویت شورای عالی هر دو دسته برای خدمت بنوع و مجاناً کار میکنند و حقوق اداری آنها مربوط بشورای عالی معارف نیست

رئیس - آقای نصرت الدوله موافقت یا مخالف

نصرت الدوله با راپورت موافقت

رئیس - آقای امین الشریعه موافقت یا مخالف

امین الشریعه - بنی

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - این فرمایشی را که آقای معبر فرمودند در صورتی مورد خواهد داشت که جلسات شورای عالی در مواقع تعطیل معین شود والا در مواقعی که کار دارند و جلسات منعقد می شود در همان ساعاتی که باید بکارهای معامی و مدیری و غیره پردازند بکارهای شورای عالی معارف بپردازند بنا بر این حقوقی را که میگویند از باب همان دارهای شورای عالی معارف محسوب خواهد بود

معبر - تصور نمیکنم اینطور که آقای اقبال السلطان فهمیده است درست باشد اولاً ایشان باید بدانند معلمین درجه اول مدارس عالی و متوسطه در تمام ساعات هستند مشغول به تعلیم نمی باشند روزی دو ساعت و بعضی اوقات بیشتر و کمتر مشغول تدریس می باشند بنا بر این اوقات بیکاریشان مزاحم با حضور در شورای عالی نمی باشد و منافاتی ندارد رئیس مدرسه بطریق اولی برای اینکه مدارس عالی و متوسطه ناظم

دارد و در موقع غیبت مدیر متوسط ناظم اداره میشود و اوقات ابرام متانی با حضور در جلسات می باشد معذالت البته اوقات جلسات موقعی معین خواهد شد که مزاحمت با اوقات کار اعضاء نداشته باشد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت یا مخالف

حاج شیخ اسدالله - مخالف

رئیس - بفرماید

حاج شیخ اسدالله - پیشنهادی در این موضوع کرده ام که ماده هفتم حذف شود زیرا بنده تصور نمی کنم وزارت معارف بتواند اعضائی پیدا نماید که اقتضای آن را بکمال صداقت و جدیت خدمت خود کند و بعقیده بنده با این حال هیچ وقت شورای عالی تشکیل نخواهد شد برای اینکه يك نفر را که از روی ایافت و بصیرت برای انجام يك خدمتی معین میکنند و او هم با کمال صداقت و جدیت خدمت خود را انجام میدهد البته باید برای او يك حقوقی معین شود

رئیس - پیشنهاد خود را بنویسید و بفرستید ارجاع بکمیسیون میشود دیگر راجع باین ماده اعتراضی نیست

(گفته شد خیر)

رئیس - اگر مجلس باشد اینك جلسه را ختم می کنیم و جلسه آتی به روز ۳ شنبه دوساعت پفریب مانده دستور بقیه شود در راپورت کمیسیون بودجه و همچنین بقیه شور در راپورت کمیسیون معارف راجع بشورای عالی معارف خواهد بود

(مجلس دوساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۵۹

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیست و ششم جدی ۱۳۰۰

مطابق هیجدهم جمادی الاولی ۱۳۴۰

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و چهارم جدی را آقای امین قرائت نمودند

رئیس - نسبت به صورت مجلس مخالفی نیست ؟

(اظهاری نکرد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . دو روز قبل که در بدو افتتاح مجلس بنده به آقایان عرایض کردم مطلب جدید پیش آمده بود که بنده مطلع نبودم هر چند مایل نیستم اوقات آقایان را بامور شخصی مصروف کنم ولی چون امر راجع بیک از آقایان و کلاً است لازم می دانم چند کلمه عرض کنم .

آقای آقا سید محمد صادق طباطبائی مکتوبی به روزنامه ستاره ایران نوشته اند و در آن مکتوب عرایضی را که بنده در جلسه قبل کرده بودم برخلاف حقیقت وانمود کرده اند حالا روزنامه ستاره ایران هم

عرایض بنده را بطور دیگر نوشته است مسئله نیست چون مدیر ستاره ایران جزو مجلس نیست و بنده در آن خصوص حرقی ندارم ولی چون آقای طباطبائی یکی از وکلا هستند خیلی متأسف هستم مطالبی را که بنده اینجا عرض کردم و از آن واضعتر نمی توانستم بگویم در مکتوب خود بطور دیگر جلوه داده اند ایشان همچو می خواهند بفرمایند که بنده ابتداء عرض کرده ام ماده ۶۳ نظامنامه داخلی شامل این پیشنهادات نیست ولی بعد از عقیده خود عدول کرده ام و گفته ام شامل میشود درحالی که از بنده پرسش شد که غیر از ماده ۶۳ کدام ماده را می بینید شامل این پیشنهاد میشود . بنده عرض کردم که هیچ ماده را نمی بینم که شامل این پیشنهاد شود . لذا بعقیده بنده باید این پیشنهاد رد شود ولی چون معتقد هستم که به آقایان مخالفین پایه آزادی نام توانمی داده شود که مذاکره بکنند لهذا عقیده بنده این است که ماده ۶۳ را اینجا اجرا کنیم و اینطور عرض کردم (از طرف جمعیت - صحیح است) معذرت در عین حال که ماده شصت و سه اجرا می شد چون در يك قسمت آن ساده میگوید که آقایان باید اختصار صحبت کنند این بود که بنده عرض کردم ماده ۶۳ را اجرا می کنیم ولی بارهاست مفاد آن ماده یعنی اشخاصی که راپورت کمیسیون بودجه اعتراضاتی دارند باید بطور اختصار حرف بزنند و فقط اعضاء کمیسیون جواب بدهند .

آقای طباطبائی شرحی اینجا نقل فرمودند که تقریباً چهار ستون و نیم روزنامه را اشغال نموده معذرت گفته اند نگذاشتند من حرف خود را بزنم چند روز قبل آقای سلیمان میرزا شرحی بیان فرمودند که هیئت دولت و آقایان وزراء باید ساهی باشند قوانینی که از مجلس میگذرد رعایت و اجرا شود تا کم کم مابین شرایط مشروطیت بقیتم .

بنده از آقایان میبرسم مجلسی که مرکز نقل این مملکت است و قانون وضع می کند آیا خود مجلس نباید رعایت مواد نظامنامه را بکنند (جمعی گفتند - البته باید بکنند) با وجود این حال برای اینکه آقایان بدانند آنچه گفته و نوشته شده برخلاف حقیقت است بنده میگویم آقای طباطبائی سه نفر را بپیل خودشان از میان اعضاء مجلس انتخاب کنند و بآن سه نفر حکمت بدهند و بدو خواه خودشان بدون اینکه بنده در این امر دخالت کنم آن سه نفر را معین کنند که در این امر رسیدگی کنند و هر حکمی آن سه نفر کردند بنده تابع هستم . اگر حکم کردند بنده برخلاف واقع عرض کرده ام همه نوع حاضرم است رضای خاطر ایشان را فراهم کنم .

اما اگر آن سه نفر که خودشان انتخاب کرده اند برعکس ایشان رأی دادند ایشان هم باید تسلیم شوند ایشان تشریف آورده بودند چون دانستند که بنده این مطلب را عنوان خواهم کرد تشریف بردند لهذا بنده از امروز تاده روز دیگر ایشان فرجه می دهم ایشان مجازند و می توانند هر سه نفری را می خواهند معین کنند و حکمت بدهند که به بنده اولاً آن شرحی را که بنده در جلسه قبل بیان کرده ام با مکتوبی که ایشان در

روزنامه نوشته اند موافقت دارد یا خیر ؟ و به بنده در نظامنامه غیر از ماده ۶۳ چیز دیگر بوده است که بنده می توانستم اجرا کنم و نکرده ام یا خیر ؟

سر دار معظم - بنده عرض دارم

رئیس - بفرماید

سر دار معظم - بنده با قسمت اول فرمایشات حضرتعالی موافق و معتقد هستم که مطابق با حقیقت بود (از طرف جمعیت - صحیح است) ولی با قسمت ثانی فرمایشات حضرتعالی مخالفم زیرا اصلاح نمیدانم سابقه شود که رئیس مجلس آتهم رئیس که محل اعتماد تمام مجلس است (غالب نمایندگان - صحیح است) و در ادوار مختلفه مظهر اعتماد تمام مجلس بوده است و از طرف نمایندگان با اتفاق کلمه انتخاب میشده (اغلب نمایندگان - صحیح است) يك مسئله را در مورد مراجعه بیک از مواد نظامنامه داخلی موکول بحکمت نمایند و بالاخره همین صحیح است - صحیح است که از طرف عموم و کلاً گفته میشود خود حکمت قاطع است و محتاج بحکمت دیگری نیست .

رئیس - دستور امروز را بقیه مذاکرات در راپورت کمیسیون بودجه و ثانیاً قانون شورای عالی معارف است ولیکن چون آقای وزیر مالیه تشریف نیاورده اند اگر مخالفی نباشد لایحه راجع به شورای عالی معارف را تقدیم بداریم .

سر دار معظم - آیا به آقای وزیر مالیه اطلاع داده شده است ؟

رئیس - بلی اطلاع داده شده تشریف خواهند آورد . مذاکرات در ماده هفتم است

(آقای میرزا ابراهیم خان ماده هفتم را بضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده هفتم - شورای عالی معارف دارالانشاء دائمی خواهد داشت که ریاست آن با یکی از اعضاء بوده و وظیفه آن - الی آخر .

رئیس - توضیحی دارید ؟

فهم الملك - دارالانشاء شورای عالی معارف بعد از آنکه برقرار شد فقیر از این خواهد بود که تاکنون معمول بوده و يك وظیفی برای شورای عالی معارف معین شده که باید همیشه مشغول باشد مخصوصاً دارالانشاء باید همیشه در کار باشد و ریاست دارالانشاء غیر از ریاست سایر ادارات است مثل منشیان مجلس که ازین خود نمایندگان انتخاب می شوند و باید رسیدگی به تهریرات مجلس بنمایند دارالانشاء شورای عالی معارف هم باید در تحت ریاست یکی از اعضاء شورای عالی معارف باشد و اعضاء دارالانشاء را وزارت معارف از اشخاص خارج انتخاب خواهد کرد این است که بنده پیشنهاد کرده ام ریاست دارالانشاء با یکی از اعضاء شورای عالی معارف باشد و سایر اعضاء آن را وزارت معارف از خارج انتخاب کند

رئیس - پیشنهاد آقای مستشار السلطنه قرائت می شود .

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم وظائف دارالانشاء شورای عالی معارف به عهده رئیس حکایت وزارت معارف معول شود .

رئیس - توضیحی دارید بفرماید

مستشار السلطنه - بنده خیلی تعجب میکنم در وضعی که دواطراف بودجه وزارت معارف صحبت

مذاکرات جلسات شورای عالی معارف در آن باشد در این صورت البته تصدیق میفرمایند که خود همان سابقه موجب می شود که در آن به برخلاف گذشته باید يك آن ماده را معین کرد که موظف باشند به همین ترتیبی که در این ماده نوشته شده است کارهای شورای عالی معارف را بکنند و راپورت مائی که از شعب شورای عالی معارف از ولایات می رسد تهیه کنند و همچنین سایر مطالب را و نوشتجات مرتبی داشته باشد والا بنده اطلاع دارم چندین سال است شورای معارف تشکیل میشده است ولی متأسفانه بنده هر چه تفحص کردم که به بینم کارهای آنها چه بوده و لااقل يك خلاصه مذاکراتی بدست بیاورم چیزی نیافتم حالا یا این است که دفتری آنجا بوده و مفقود شده است یا اینکه اگر خلاصه مذاکراتی هم داشته اند موقت بوده و اهمیت نداده اند ولی حالا امیدوار هستم که این شورای عالی معارف باین ترتیب بعد از آنکه مجلس تصویب کرد موفق شود و این وظیفی را که در اینجا نوشته شده است انجام دهد بنا بر این تصدیق میفرمایند که لازم است شورای عالی معارف دارالانشائی داشته باشد که در تهریرات و نوشتجات و غیره باو کمک کند باین جهت است که این قید شده .

رئیس - آقای زنجانی پیشنهادشان را ندانند

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - اینجا هست الان می آورند

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده موافقت

رئیس - آقای میرزا ابراهیم قمر (اجازه)

آقای میرزا ابراهیم قمری - بنده می خواهم سؤال کنم که اعضاء دارالانشاء حقوق دارند یا مثل سایر اعضاء بی حقوق هستند و اگر حقوق ندارند چگونه میتوانند این خدمت را عهده دار شوند

معبر - بنده تذکر میدهم که ماده ۹ را قرائت بفرمایند در آنجا تصریح شده است که اعضاء دارالانشاء موظفاً باید معین شوند و حقوق خواهند داشت و از غیر اعضاء شورای عالی معارف هم باید انتخاب شوند

رئیس - دیگر ایرادی نیست

مستشار السلطنه - بنده پیشنهادی در این ماده تقدیم کردم که قرائت شود

رئیس - قرائت خواهد شد باقول کسی اجازه نمی خواهد ؟

(اظهاری نکرد)

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود پیشنهادی از طرف آقای زنجانی شده است قرائت میشود (بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۹ و ۱۰ راجع به دارالانشاء حذف شود عرض این دو يك ماده وضع شود باین هیات :

وزیر معارف برای تهریر مذاکرات و نوشتجات لازم و ترتیب صورت مجلس و تهیه راپورت و ضبط دفاتر

بنده شش سال مسدود را ایجاب می کرد مسئله دوم نفتانی است که دیده شده است حتی در این قبیل انتخابات کاز طرف وزراء بعمل می آید نه فقط برای کارهای اداری حتی برای این قبیل کارهای علمی هم که يك عده اشخاص بدون گرفتن حقوق فقط مجانی و انتفاعی داخل کار میشوند در این موارد هم دیده شده که نفتانی بکار می رود برای جلوگیری از این قبیل تفتنات بایستی مدت را شش سال قرارداد و تجدید هر انتهای را بثلث معین کرد آنگاه بقرعه نه آنکه آقای وزیر تصور کنند از چهار سال هم باید یکمده اشخاص را با سلبه و ذوق خودش انتخاب کند و آنوقت در تعیین آنها و حتی شورای عالی و بهاءه سابقه وارد شود و از این گذشته ممکن است اگر تجدید انتخاب بشکل قرعه دو سال بدو سال نباشد فرجه هائی در این بین حاصل شود و یکماه یا دو ماه فرجه پیدا کند خاصه اگر انتخابات جدید موافق تفتنات معموله واقع شود ممکن است کارهائی که در مدت چهار سال بعمل آمده و در آن خصوص نظریاتی اتخاذ کرده اند و زمینه ها چیده اند آنها بواسطه فرجه و تغییرات تفتن آمیز از بین برود از این نقطه نظر و نظریات دیگر بنده بهتر می دانم مدت را شش سال قرارداد و هر دو سال بثلث اشخاص بحکم قرعه خارج و ثلث دیگر بجای آنها معین شوند البته انتخاب آنها بنظر وزیر خواهد بود چیزی که هست در آن چهار سال اول که باید در دوقه دو ثلث تغییر کند مسئله فرجه بیش می آید که باید آن دوقه بحکم قرعه خارج شوند و پس از ختم شش سال اشخاص جدید مسترأ بجای اعضائی که خارج شده اند خواهند آمد و دیگر محتاج قرعه نخواهیم بود و همیشه شورای عالی معارف دائر است و یکمده اشخاص معرب و کار آزموده در اینجا هستند و آنوقت آن ملاحظاتی از قبیل فرجه و تفتنات و از بین رفتن کارها و باره شدن سلسله عملیات شورا در میان نخواهد آمد و تمام این نظریات بعقیده بنده اصلاح می شود.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو موافقت ؟
ارباب کیخسرو - خیر .
رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)
سردار معظم - مخالفم .
رئیس - آقای حائری زاده .
حائری زاده - این پیشنهاد خود بنده است بنده با آقای ملک الشراء موافقم .
رئیس - آقای نصرت الدوله .
نصرت الدوله - اگر اجازه فرمائید بنده يك توضیحی از آقای ملک الشراء می خواهم .
رئیس - بعد ممکن است . . آقای ارباب کیخسرو .
ارباب کیخسرو - (اجازه)
(شورای عالی معارف تعطیل بر دار نیست) بنده گمان می کنم مقصود اساسی شورای عالی معارف باشد

مسی خواهم وظایف او بعهده ریاست حکایت و اگذار شود
وزیر معارف - اگر قدری دقت میفرمودند از وظایفی که برای شورای عالی معارف معین شده تصدیق میفرمودند که آن مرکز که بتواند اصلاحاتی را انجام دهد و بعقیده جناب عالی شاگرد زیاد کند همان شورای عالی معارف است و اگر بتواند این وظایف را انجام بدهد آنوقت می توان معتقد شد که مدارس ما خالی از نقص است و شاگردان مدارس روز بروز زیادتر شده و مدارس مرتب خواهد شد پس ما باید در توسعه آن مرکز که معارف را اصلاح خواهد کرد بکوشیم
رئیس - در هر صورت فرستاده میشود بیکمسیون ماده دهم قرائت میشود
(بترتیب ذیل قرائت شد)
ماده دهم - شورای عالی معارف تعطیل بر دار نیست و باید اقلاً يك هفته قبل از انقضای هر دوره اعضای دوره بمذاکرات شونده و اعضای سابق نیز قابل انتخاب میباشند
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی این پیشنهاد راجع بکدام ماده است ؟ (غائب بودند) آقای سدید الملك (اجازه)
سدید الملك - بنده عرض میکنم اینجا که نوشته شده باید یک هفته یا آخر مدت مانده الی آخر این یک هفته را خوب است یکماه بکنند
مخیر - در اینجا که نوشته شده است یک هفته قبل از هر دوره باید انتخاب تجدید شود قسمت آخر مدت را نوشته است و متواتر ندارد باینکه یکماه قبل تجدید شود این آخرین حدی است که وزیر را الزام میکند که در آن مدت اعضای شورای عالی معارف جدید را انتخاب کرده باشد
سدید الملك - اجازه فرمائید توضیح بدهم ؟
رئیس - پیشنهاد کرده اید بعد از قرائت پیشنهاد توضیح بدهید
آقای ملک الشراء مخالفند ؟
ملك الشراء - بلی
رئیس - بفرمائید
ملك الشراء - بنده در ماده پنجم هم مخالف بودم ولی نوبت بنده نرسیده و در اینجا هم عرض می کنم که عقیده ام مطابق پیشنهاد است که از طرف آقای حائری زاده شده بعقیده بنده باید مدت دوره شورای عالی معارف شش سال باشد که در هر دو سال بیکمرتبه ثلث اشخاص بموجب قرعه عوض شوند و بجای آنها يك ثلث دیگر انتخاب شوند و علی هم کدر این پیشنهاد بنظر من رسیده دو سه علت است اول طول مدت و تحصیل سابقه برای کار است زیرا ماز شورای عالی معارف کار میخواستیم و می خواهم با سابقه هائی که در جریان کار پیدا می کنند و با معلومات تجربه خودشان بیست دایره معارف خدمت کنند بدیهی است هر چه مدت این شوری زیاد باشد اشخاص آن بیشتر مجرب شده و بکار آشنا می شوند این يك نظر بود که بعقیده

وزارتخانه و سایر شعبات اداره معارف چه بایالات و ولایات و چه در مرکز خواهند بود .
رئیس - دیگر کسی اجازه نخواسته است ؟
(اظهاری نشد)
رئیس - پیشنهادات قرائت می شود . پیشنهاد آقای سردار معظم خراسانی .
(بعضیون ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم ماده نهم اینطور نوشته شود .
رئیس و اشخاص دارالانشاء را وزیر معارف از غیر اشخاص شورای عالی معارف تعیین نموده و موظف خواهند بود .
رئیس - توضیحی دارید ؟
سردار معظم - توضیح همان بود که عرض کردم اگر چه آقای مخیر هم بیان مقصود کردند و بالاخره رای قطعی اتخاذ نکردند ولی می خواستم بایشان عرض کنم که اگر ادواری باشد که قانون معتمد شمرده شود قانون بودجه هم معتمد شمرده خواهد شد و از طریق بودجه می شود از مقصودی که اظهار نمودند جلوگیری کرد .
ولی اگر ادواری باشد که کسی بپایند بقوانین نباشد البته این ماده هم فراموش خواهد شد و تعیین عده در این قانون چیزی را تأمین نمیکند پس خوب است در قانون شورای عالی معارف راجع به ثبات و ضابط چیزی ننویسیم و موکول ببودجه نماییم
وزیر معارف - این پیشنهاد آقای سردار معظم را قبول میکنم .
رئیس - یکمسیون ارجاع می شود بعد هر طور صلاح دانستند راپورت داده می شود . پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا قرائت میشود .
(بعضیون ذیل قرائت شد)
این بنده پیشنهاد میکنم که در عوض دارالانشاء شورای عالی معارف يك نفر منشی موظف تعیین شود و بقیه مشاغل دارالانشاء برعهده اشخاص کابینه وزارت معارف می باشد .
رئیس - اگر توضیحی دارید بفرمائید .
محمد هاشم میرزا - کسی مخالفت نکرد که توضیح بدهم .
رئیس - پیشنهاد آقای مستشار السلطنه قرائت می شود .
(شرح آتی قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم وظایف دارالانشاء شورای عالی معارف بعهده رئیس کابینه وزارت معارف محول شود مستشار السلطنه
رئیس - توضیحی دارید ؟
مستشار السلطنه - بلی
رئیس - بفرمائید .
مستشار السلطنه - بنده چون معتقد بزیادی اجزاء نیستم عرض میکنم آقایان اشخاص کمسیون معارف آنقدر که در توسعه شورای عالی معارف سعی می کنند خوب است سعی بفرمائید قدری بزرگد شاگردان مدارس افزوده شود و بنده چنانچه قبلاً هم عرض کردم اشخاص دارالانشاء را زیاد دانسته و

مخالفم .
رئیس - بارابور چطور
نصرت الدوله - مخالفم
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
چطور ؟
محمد هاشم میرزا - مخالفم
رئیس - پس همه مخالفند . آقای نصرت الدوله .
(اجازه)
نصرت الدوله - بنده همانطور که گفته شد صحیح ندیدم در يك قانونی که می گذرد برای تأسیس يك مؤسسه داخل این جزئیات از قبیل منشی و ضابط و غیره شده جواب آقای مخیر را هم قانع کننده ندیدم برای اینکه نمیشود اصول اساسی را از دست داد برای اینکه از اشتباهات و خطای جاری و عادی جلوگیری کنیم آن اشتباهات و خطای را به وسایل دیگر ممکن است جلوگیری کرد بنده معتقدم اسم رئیس دارالانشاء برده شود ولی اسم اشخاص برده نشود .
اسم رئیس را هم از این جهت معتقدم که لازم است همانطور که در ضمن يك ماده پررور عرض کردم سعی کنیم بوسیله این شورای عالی معارف و وزارت معارف يك مرکز ثابتی تأسیس کنیم که بتواند با تغییر کابینه وزراء باقی باشد و تغییر در فرم و تجدید معارف را تأمین کند باین نظر باید اسم رئیس دارالانشاء ذکر شود ولی قسمت های دیگر را از این میدانم و گمان نمی کنم آقای مخیر کمسیون هم در این مسئله اصراری داشته باشند .
مخیر - بنده عرض کردم که با قسمت اول فرمایشات آقای سردار معظم موافقم و نباید این قید در قانون بشود و ذکر آن برای آن نظری بود که عرض کردم و آنقدرها بنده در این باب جدیتی ندارم اگر آن مقصود بطریق دیگر تأمین شود بنده عرضی ندارم ممکن است پیشنهاد کنند یکمسیون ارجاع شود
رئیس - پیشنهاد بفرمائید یکمسیون ارجاع می شود .
آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - تصور میکنم شورای عالی معارف نباید رئیس دارالانشاء داشته باشد و بنظر بنده يك نفر منشی باید داشته باشد که مطالب را بنویسد باقی تمام به عهده کابینه وزارت معارف باشد .
رئیس - آقای آصف المالك (اجازه)
آصف المالك - بنده تصور میکنم آقایان وظایفی که در اینجا برای شورای عالی معارف نوشته شده است هیچ مراجعه نمی فرمائید اگر مراجعه میفرمودند اعتراض میکردند اگر بایستی این شورای عالی معارف از عهده انجام دادن این عهده ماده بر آید دو نفر منشی برای ایفاء وظیفه چیزی نیست البته کار زیاد خواهند داشت علی الخصوص که طرف مکاتبه با سایر

میکنم که در قانون نباید عده اشخاص يك مؤسسه و يك اداره قید شود ولی در اینجا که ذکر شده برای جلوگیری از يك مقصودی بود و آن این است که بموجب قوانین که در مجلس ایران وضع شده يك ادارات و يك دوائری تشکیل شده و اختیار تشکیل این ادارات را بوزرای وقت داده اند و چون در قانون عده اشخاص تصریح نشده ملاحظه می کنیم در هر دایره و اداره که تشکیل شده يك صندوق های زیادی گذاشته شده و يك عده اشخاص زیادی به آنها آورده اند البته این قسمت در بودجه ملاحظه خواهد شد ولی اینکه عده اشخاص دارالانشاء قید شده فقط برای این بوده است که بعد از آنکه دارالانشاء تشکیل شد بهین عده اکتفا شود نه اینکه بعد یکی بیاید به اسم ضابط یکی باسم دفتر دار یکی باسم حافظ دفتر و کد غیر ذلک بیکمرتبه به پیشنهاد دارالانشاء که بادرسه نفر اداره میشود دارای عده زیادی اشخاص شده است این فقط برای این بوده است که در آتیه وزیر اختیارات غیر معهود نداشته باشد . اسالینکه می فرمائید ممکن است بکوقت عده زیادتری لازم شود تصدیق میکنم ولی منافاتی ندارد که فعلاً بهین اندازه اکتفا بشود برای اینکه جلوگیری از این مسئله شده است بعد اگر لازم شد البتوقت که بودجه دارالانشاء برای سنوات آتیه بمجلس باید ممکن است یک نفر را آنجا باسم ضابط یا باسم دیگر اضافه کنند ولی اینکه عده در اینجا برخلاف اصول جاریه نوشته شده فقط برای جلوگیری از این بوده که فرد يك صندوقی در دارالانشاء اضافه نشود
رئیس - آقای اقبال السلطان مخالفند
اقبال السلطان - بلی
رئیس - بفرمائید
اقبال السلطان - بنده کاملاً با عقیده آقای سردار معظم موافق بودم ولی جوابی را که آقای مخیر فرمودند بیشتر بنده را متعجب کرد که مقصود جلوگیری از زیادی عده که بعد از این ممکن است برای دارالانشاء پیدا شوند بوده عجلالت باین ترتیبی که برای شورای عالی معارف تعیین شده بنده يك رئیس و دو منشی و يك ثبات را لازم ندیدم
مخیر - بنده اعتراض آقای اقبال السلطان را باینکه تعجبی که تنقی کردند نفهمیدم خوب است بهتر توضیح بفرمائید
رئیس - آقای دولت آبادی مخالفند ؟
حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بلی
رئیس - بفرمائید
حاج میرزا علی محمد - بنده با عقیده آقای سردار معظم موافقم بجهت اینکه اساساً عده در قانون نباید نوشته شود . و اگر بنا شود نوشته شود بیک نفر رئیس و یک نفر منشی و یک نفر ثبات برای وری عالی معارف کافی است
رئیس - آقای نصرت الدوله موافقت یا مخالف ؟
نصرت الدوله - با فرمایش آقای دولت آبادی

می شود و در تقلیل بودجه سایر وزارتخانه ها مذاکراتی می شود در اول وجهه و در خصلت همین احوال برای دارالانشاء شورای عالی معارف هم عهده حالبه موهوم بنظر می آید و شاید بعد بمساعی جبیله آقای وزیر معارف تشکیل شود برای او يك دارالانشاء منصلی . يك بودجه معینی تعیین می کنند بنابر این بنده تصور میکنم بهتر این است که یکی دو نفر از منشی های کابینه موظف باشند وظایف این دارالانشاء را در نظر بگیرند و ریاست دارالانشاء نیز بارتیس کابینه باشد البته یکی از آرزوهای بنده هم این است که شورای عالی معارف ایران يك دارالانشاء خاصی داشته باشد ولی باترتیبات امروزه گویا اصلاح نباشد .
وزیر معارف - بمان دلیل که آقای - فرمائید باید ملاحظه اختصاص در بودجه را کرد البته در کابینه هم حتی الامکان رعایت اختصار می شود و در آن صورت دیگر ممکن نیست اشخاص کابینه بتوانند بکار شورای عالی معارف رسیدگی کنند . عرض کردم این شوری خیلی کار دارد و بیک دارالانشائی محتاج است که به او کمک کند که مثل سابق کارهای شورای عالی معارف و دفاتر آن از بین نرود و بتواند يك اصلاحاتی در معارف بکند و به علاوه وظایفی که برای شورای عالی معارف نوشته شده خیلی زیاد است و بوسیله یکی دو نفر انجام نمیشود داد
رئیس - آقای سردار معظم کردستانی این پیشنهاد از طرف جناب عالی است ؟
سردار معظم کردستانی - خیر بنده پیشنهادی نکرده ام .
سردار معظم خراسانی - بنده راجع بماده نهم پیشنهادی کرده ام .
رئیس - ماده نهم قرائت میشود
(بترتیب ذیل قرائت شد)
ماده ۹ اشخاص دارالانشاء عبارت از يك رئیس و دو منشی و يك ثبات خواهند بود که وزیر معارف آنها را از غیر اعضای شورای عالی معارف موظفاً تعیین می نماید .
سردار معظم - بنده باین ماده مخالفم زیرا در قانون نباید تعیین کرد که اشخاص دارالانشاء عبارت از يك رئیس و دو منشی و يك ثبات خواهند بود . عده اشخاص البته نهراً متناسب با کار است و در قانون نباید نوشته شود ممکن است امروز يك منشی و دو منشی ثبات داشته باشد فردا بسط پیدا کند ۲۰ منشی و سه ثبات لازم داشته باشد تعیین عده اشخاص هر اداره منوط ببودجه آن اداره است و این دارالانشاء هم يك بودجه خواهد داشت عده اشخاص را در آنجا باید ذکر کنند بنابر این بعقیده بنده عده اشخاص باید حذف شود و همان طور که پیشنهاد کرده ام باید نوشته شود
اعضای دارالانشاء غیر از اشخاص شورای عالی معارف معین خواهند شد . حال آنکه شان چهار است البته بعد تعیین خواهند شد
مخیر - بنده بیانات آقای سردار معظم تصدیق

مختبر - این پیشنهاد جنابعالی ارجاع بکمیسیون شده وراجع بماده پنجم است و کمیسیون البته تصمیمی اتخاذ خواهد کرد و برای شور دوم در مجلس راپورت خواهد داد مضاف پیشنهاد جنابعالی این قسمت را تأمین نمی کند برای اینکه اگر يك وزیر بخواهد شورای معارف را منحل کند مدت شش سال با تجدید انتخاب نكث اعضاء آن تئیری نخواهد داد

رئیس - آقای آقا شیخ ابراهیم (اجازه نطق)

آقا شیخ ابراهیم زنجانى - اینکه مینویسد (لا اقل يك هفته) اكثرش شش ماه می شود باید يك حدی معین شود والا اگر حد اكثر نوشته نشود و همین قدر نوشته شود لا اقل يك هفته اكثرش يك سال هم می شود و این صحیح نیست

مختبر - فرض می کنیم اكثرش شش ماه باشد اثر و نتیجه را باید دید آیا اگر در سه ماه یا چهار ماه قبل هم انتخاب بشوند یا بودن شورای عالی معارف سابق آنها میتواند قائم مقام اعضاء سابق بشوند و تشکیل شورای عالی معارف را بدهند

آقا شیخ ابراهیم زنجانى - اگر اینطور است پس دو شورای عالی معارف خواهد بود والا آن انتخابات ثانی شورای معارف نخواهد بود پس بهتر این است مدت را اینطور معین کنند که در ظرف يكماه آخر مدت این کار بشود

رئیس - پیشنهاد آقای سید الملك و آقای ارباب کبخسرو قرائت می شود (فقره اول بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده ده این قسم نوشته شود :

شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست و باید اقلا يكماه قبل از انقضاء هر دوره اعضاء دوره بعد انتخاب شوند ... الى آخر (سید الملك)

سردار معظم - باید در ظرف يكماه نوشته شود .

رئیس - (خطاب با آقای سید الملك) توضیحی داشتید بفرمائید

سید الملك - اینکه عرض کردم يك هفته کافی نیست برای این است که چون مدتی بوقت نماند اگر وزیر معارف بخواهد در آن مدت تجدید انتخاب کند ممکن است در همان مدت وزیر مستعفی شود آن وقت تا وزیر ثانوی انتخاب شود شوری تعطیل میشود

اینکه عرض کردم يكماه برای این بود که تعطیل نشود که اگر وزیر مستعفی شد وزیر دیگر بجای او اعضاء را انتخاب کند

رئیس - بکمیسیون فرستاده می شود پیشنهاد آقای ارباب کبخسرو قرائت می شود (آقای میرزا ابراهیم خان ملك آروانی بمضمون ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می کنم که ماده ده این قسم اصلاح شود ، اساس شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست الخ ...

رئیس - (خطاب به آقای ارباب کبخسرو)

توضیحی دارید ؟
ارباب کبخسرو - بنده توضیحم را عرض کردم و آقای مختبر هم موافقت فرمودند
رئیس - بکمیسیون مراجعه می شود ماده یازده قرائت می شود

(بترتیب ذیل قرائت شد)
ماده یازدهم - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت نماید شورای عالی معارف چند نفر را که واجد شرایط مذکور در ماده چهار باشند بوزیر معارف پیشنهاد نموده و وزیر يك نفر را از بین آنها انتخاب می نماید

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - بنده تصور می کنم پس از آنکه يك نفر از اعضاء رسمی شورای عالی معارف استعفا کرد بهترین است که حتی الامکان در عوض او يك نفر از اعضاء افتخاری معین شود از طرف دیگر هم نمی شود مقید کرد که حتما از اعضاء افتخاری و باشعولی اعضاء افتخاری باید چنان داشته باشند که بالا بنده يك پیشنهادی کردم که از میان اعضاء افتخاری یا خارج از آنها عده را بوزارت معارف پیشنهاد کنند که وزارت معارف در حدود ماده پنج از میان آنها يك نفر انتخاب کند و اعضاء افتخاری بر اشخاص خارجی مقدم خواهند بود . ممکن است به بنده جواب بگویند که اعضاء افتخاری خودشان جزء شورای عالی معارف هستند و دو مرتبه ممکن نیست از خود آنها انتخاب شود . راست است من هم این مسئله در نظر بود ولی این نکته را هم نباید فراموش کرد که بین اعضاء رسمی شورای عالی معارف و اعضاء افتخاری فرق است اعضاء افتخاری حق رای دادن در مسائل شوری ندارند و اعضاء رسمی حق دارند ممکن است در میان اعضاء افتخاری اشخاصی باشند که بالاخره مایل باشند بطور جدی در شورای عالی معارف کار بکنند در اینصورت لازم نیست ما آنها را از حق رای دادن محروم بکنیم . ممکن است از بین آنها يك عده را بعنوان عضویت رسمی تعیین کنند و يك عده دیگری در عوض آنها بعنوان عضو افتخاری تعیین شود .

وزیر معارف - بنده با این پیشنهاد موافقت هستم رجوع بکمیسیون فرمائید .
رئیس - آقای ارباب کبخسرو مخالف هستند

ارباب کبخسرو - يك قسمت از این ماده مخالف با ماده پنجم است . زیرا ماده ۵ بطور مطلق انتخاب اعضاء را بماده وزیر معارف میگذازد و هیچ شرط نمیکند دیگری هم دخالت داشته باشد در اینجا مینویسد برای مدت چهار سال اعضاء باید انتخاب شوند میخواستیم به بین مدت چیست که حد باید شوری پیشنهاد کند و اگر اشخاصی را که شوری پیشنهاد کرد و وزیر خواست مطابق ماده ۵ دیگری را انتخاب کند چه خواهد شد . علاوه چون ماده ۵ تصریح میکند که مدت انتخاب چهار سال خواهد بود عقیده بنده این است که در اینجا قید شود اشخاصی که جدیداً در عوض اشخاص

متوفی یا مستعفی انتخاب میشوند انتخاب آنها برای بقیه مدت خواهد بود نه اینکه تصور شود انتخاب آنها برای مدت چهار سال است .

مختبر - بنده تصور میکنم محتاج نباشد که قید شود آن حضوری که بجای عضو متوفی یا مستعفی انتخاب میشود برای بقیه مدت خواهد بود زیرا این مطلب واضح است چنانکه در مجلس شورای ملی مثلا يكسال با نقضای دوره تقنینیه باقی مانده اگر يك نفر از مجلس استعفا بدهد و بجای او بخواهند يك نفر دیگر انتخاب بکنند چه خواهند کرد ؟ البته برای بقیه مدت انتخاب خواهند کرد در اینصورت تصور میکنم این مسئله محتاج بقید نباشد .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله .

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض ندارم .
رئیس - آقای سید الملك .

(اجازه)
سردار معظم - خیر عرضی ندارم توضیح همان بود که عرض کردم

رئیس - بکمیسیون ارجاع می شود ماده دوازدهم قرائت می شود .

(بمضمون ذیل خوانده شد)
ماده ۱۲ - وظائف شورای عالی معارف از قرار تفصیل ذیل است .

(۱) اهتمام در ترویج زبان و ادبیات فارسی
رئیس - آقای آقامیرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده معتقدم که بعد از لفظ فارسی کلمه عربی هم نوشته شود
رئیس - يك پیشنهادی هم آقای حاج میرزا مرتضی در این خصوص کرده اند بعد قرائت می شود آقای فهم الملك

(اجازه)
فهم الملك - اگر در کلیات این ماده مذاکره می شود بنده عرضی را عرض کنم
رئیس - خیر در اجزاء ماده مذاکره می شود فعلا جزا اول مطرح است .

فهم الملك - در این ماده وظایفی برای شورای عالی معارف معین شده لیکن یکی از وظائف مهمه شورای عالی در اینجا اشاره نشده و آن این است که شورای عالی بمنزله محكمه استنباف اداری است و بشکایات و اختلافاتی که نسبت بوظائف بین رؤسا و معینین مدارس و غیره بعمل میاید محاکمه آن با شورای عالی معارف است . چون شوراهای الهائی و ولایاتی که در ماده اول ذکر شده بمنزله محكمه ابتدائی هستند تجدید نظر و استنباف از احکام صادره آنها باید بشورای عالی مرکزی رجوع شود و ممکن است احکام او در شورای مملکتی نیز داده شود و هیچکدام را در اینجا اشاره نکرده است بنا براین بنده پیشنهادی کرده ام تقدیم می کنم . چون ما باید هر قدر مؤسسات مشروطیت خودمان را تکمیل می کنیم وظائف آنها را هم باید معلوم کنیم و باین این وظایفه شورای عالی هم در اینجا ذکر شود .

رئیس - آقای حاج شیخ ابراهیم زنجانى (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم - بنده هم فرمایشات آقای فهم الملك را تصدیق می کنم و مطابق آن بنده هم يك پیشنهادی کرده ام که این فقره افزوده شود
رئیس - ولی این مسئله راجع بجزء اول نبود راجع است باینکه يك چیزی باین ماده افزوده

شود
مختبر - بسیار خوب کتباً پیشنهاد کنند به کمیسیون مراجعه شود .

رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد کرده اند قرائت می شود (آقای میرزا ابراهیم خان ملك آروانی بشرح ذیل قرائت نمودند)

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

شود
مختبر - چون پیشنهاد آقای فهم الملك در اینجا پیش بینی شده است و در کمیسیون هم مطرح نشده قبول آن منوط باین است که اولاً آقای وزیر معارف بپذیرند بعد هم بکمیسیون مراجعه شود
رئیس - این پیشنهاد اینجا مورد ندارد چون در جزء اول ماده دوازدهم صحبت نبود نسبت بجزء اول مغالطی هست یا نه ؟ (اظهاری نشد)

رئیس - فقط دو فقره پیشنهاد شده است یکی از طرف آقا میرزا ابراهیم قمی و یکی از طرف آقای حاج میرزا مرتضی کلفظ عربی افزوده شود اگر توضیحی دارند بدهند و الا ارجاع می شود بکمیسیون
حاج میرزا مرتضی - استدعای کنم قرائت شود

(بشرح آتی قرائت شد)
نظر باینکه قسمت عده بلکه تمام احکام عبارات مذهب اسلام بزبان عربی است و هر مسلمانی مجبور است که بقدر کلیات زبان عربی بداند و تقریباً زبان رسمی مذهبی زبان عربی است بنده پیشنهاد می نمایم در وظایف شورای عالی آنجائی که مینویسد (اهتمام در ترویج زبان و ادبیات فارسی) کلمه (و عربی) (افزوده) شود (حاج میرزا مرتضی)

وزیر معارف - این پیشنهاد را می پذیرم بکمیسیون مراجعه شود .

رئیس - پیشنهاد آقای آقامیرزا ابراهیم قمی هم بکمیسیون ارجاع می شود جزء دوم قرائت می شود (آقا میرزا ابراهیم بشرح زیر قرائت نمودند)

۲ - سعی در موجبات تکثیر مدارس و تدارک مقدمات تعلیم اجباری و مجانى .

رئیس - نسبت باین قسمت مغالطی نیست ؟ (اظهاری نشد)

رئیس - جزء سیم قرائت می شود (بمضمون ذیل خوانده شد)

۳ - سعی در تهیه وسائل تأسیس مدارس صنعتی و فلاحی .

رئیس - در این جزء ایرادی نیست ؟ (اظهاری نشد)

۴ - مشورت در رفع نقائص تعلیمات عمومی و تهیه و اصلاح دستورات رسمی کتب تعلیمات علمی و فنی مدارس ذکور و نانات و تهیه نظامنامه های مدارس

رئیس - آقای فهم الملك (اجازه)
فهم الملك - بنده بطوریکه پیشنهاد کردم اگر آقای مختبر موافق باشند در این جزء اضافه شود (مراقبت در مدارس که خارجها تأسیس و دائر می نمایند) آنها بیکلی از تحت نظارت معارف خارج نباشند .

رئیس - ارسال بکمیسیون میشود آقای مستشار السلطنه (اجازه)

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت می شود

مستشار السلطنة - بنده پیشنهادی دارم تقدیم میکنم

رئیس - ممکن است پیشنهاد را بعد بفرستید ؟

مستشار السلطنة - بسیار خوب
رئیس - قسمت پنجم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

• تهیه دستور دارالمعلمین هادارالمعلمیات و نظامنامه‌های راجعه بآنها

رئیس - آقای دولت آبادی اجازه حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده عبارت دارالمعلمین هادارالمعلمیات را تصحیح نمیدانم و باید تصحیح شود

مخبر - دارالمعلمین کلمه مرکبی است که اطلاق بیک مدرسه می شود و چون دارالمعلمین یک لفظ مرکبی است که جانشین کلمه مفرد شده ممکن است در فارسی لفظ (ها) در آخر آن بگذاردیم

رئیس - چون تصحیح عبارتی است به کمیسیون ارجاع می شود آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - چون دارالمعلمین اسم جنس است (ها) لازم ندارد
مخبر - بنابراین لفظ مدارس هم نباید استعمال شود و همیشه باید مدرسه آفت

رئیس - قسمت ششم خوانده میشود
آقای میرزا ابراهیم خان قرائت فرمودند

۶ - تهیه دستور تفتیش اوضاع معارف و مدارس و ترتیب امتحان شاگردان

رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)
فهیم الملک - اینجا یک اصلاح عبارتی لازم است اینکه نوشته اند ترتیب امتحان شاگردان گویا مقصود این است که دستور امتحان را باید معین کنند اگر نوشته شود تهیه دستور تفتیش اوضاع معارف و مدارس و ترتیب دستور امتحان شاگردان گمان میکنم بهتر مطالب را بیروارد

رئیس - نسبت به قسمت ششم دیگر مخالفی نیست ؟

(مخالفی نشد)
رئیس - پیشنهادی آقای فهیم الملک نموده اند بکمیسیون فرستاده میشود قسمت هفتم خوانده می شود

(شرح آتی قرائت شد)

۷ - رد و قبول تالیفات مخصوصه بمدارس و تطبیق آنها با دستورات رسمی

رئیس - آقای آقامیرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده دستورات رسمی را نفهمیدم یعنی چه ؟ خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که بنده ملتفت شوم

مخبر - مقصود پروگرامهایی است که شورای عالی معارف برای تحصیلات ابتدائی متوسطه و عالی

تهیه میکند و اینکه در اینجا قید رسمی شده برای این است که دستور العمل و پروگرامی که شورای عالی برای تحصیلات ثلاثه معین میکند و وزیر وقت آنرا امضاء مینماید و رسمیت پیدا میکند و غیر از آن هر کس هر پروگرامی بنویسد غیر رسمی خواهد بود

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ آقای اقبال - السلطان

(اجازه)

اقبال السلطان - باین معنی که آقای مخبر برای این ماده فرمودند بقیه بنده باید عبارت مقدم و مؤخر نوشته شود یعنی این طوط نوشته شود تالیفات مخصوصه بمدارس و تطبیق آنها با دستورات رسمی ورد و قبول آنها

رئیس - این هم اصلاح عبارتی بود باید مرقوم بفرمائید بفرستم بکمیسیون جزء هشتم قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)
۸ - نظارت در جمع و خرج بودجه معارف و مدارس

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقای ابراهیم زنجانی - بنده گمان میکنم مطلب باید طوری نوشته شود که تصور نشود اشتباهاتی که در جمع و خرج بودجه هست آنرا شوری باید رفع کند زیرا بودجه چیزی است که از طرف دولت تصویب میشود گمان میکنم مقصود هایدات و معارج مدارس بوده این است که بنده پیشنهاد کردم هایدات و معارج مدارس نوشته شود

مخبر - اولاً بودجه همان است که از طرف دولت بمجلس پیشنهاد می شود و مجلس هم تصدیق می کند بعد از آنکه تصدیق کرد بودجه رسمی میشود و اینجا مقصود همان بودجه است که برای مدارس و معارف تخصیص داده می شود که قبل از آنکه از طرف هیئت دولت بمجلس پیشنهاد شود بنظر شورای عالی معارف برسد و پس از تصویب شورا نظارت در خرج داشته باشد

برای اینکه یک سوایقی در این وزارتخانه ایجاد شده که هنوز قراموش نشده یکی از آنها مسئله برج قوس سال گذشته است و البته یک مرکز لازم است که نظارت در بودجه مدارس داشته باشد که در محل دیگری خرج نشود باین جهت تصور می کنم این حق را در اینجا بشورای عالی معارف داده اند که این بودجه مدارس یعنی آن پولی که از خزانه دولت بمستندوق معارف وارد می شود از دست برد مصون بماند

رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده با توضیحی که آقای مخبر دادند ل (بودجه) و (معارف) را زیاد می دانم • همان نظارت در جمع و خرج مدارس

کافی است -
رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)
فهیم الملک - توضیحات آقای مخبر مطلب را مشکل تر کرد

زیرا شورای عالی معارف حق دارد فقط در مشورت با وزیر کمک کند و هیچ مربوط بنظارت دو جمع و خرج نیست زیرا وقتی گفته شد که تمام معارج باید با نظارت شورای عالی معارف باشد لفظ نظارت لازمه اش اینست که تمام حوائجات باید با مضای شورای عالی برسد لفظ نظارت بمعنی کنترل است بنده متکرر این نیستم که نظارتی در بین باشد زیرا ممکن است در موقع پرداخت مواجب اختلافاتی بشود و زیر و رو هائی بشود ولیکن نظارت در این باب از وظائف شورای عالی نباید باشد شورای عالی معارف یک وظائف قانونی دارد که بکلی از این مسئله خارج است و اگر بخواهند برای تعیین بودجه اختیاری بشورای معارف بدهند بنده معتقدم که ترتیب دیگر بنویسند

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده موافقم و بعد از توضیحی که آقای مخبر خواهند داد آن وقت عرض می کنم

مخبر - مقصود از نظارت در اینجا باین معنی است که آقای فهیم الملک فرمودند نیست که هر چیزی را که اداره محاسبات وزارت معارف بخواهد مصرف کند شورای عالی معارف امضاء کند مقصود این است که نظارت داشته باشد در اینکه آن پول هائی را که برای مدارس فرستاده میشود بمدارس برسد و مطابق نظامنامه داخلی وزارت خانه این حق با خود وزیر و معاون است که باید آن صورتهای جز را تصویب کند بنا براین بنده تصور میکنم این قسمت برای معفوظ ماندن پولی که برای مصرف مدارس و معارف می رسد نافع باشد و مقصود کنترل حقیقی نیست

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - اولاً توضیحی را که آقای مخبر دادند در مقابل اظهارات آقای فهیم الملک هیچ کافی نبود و ممکن است ایشان در کمیسیون معارف در موقع نوشتن این عبارت مقصود دیگری داشته اند و الا مفهوم ظاهر این عبارت همانطور است که آقای فهیم الملک فرمودند لفظ نظارت چند معنی نمیتواند داشته باشد و ناچار باید بمعنی حقیقی خود اطلاق شود و این عبارت شامل حال آن فرمایشاتی که آقای مخبر فرمودند نمیشود و من عقیده ندارم بشورای عالی معارف یک اختیار و اجازه بدهم که بهیچ وجه قانوناً مربوط بشورای عالی معارف نیست نظارت در جمع و خرج ملک در تحت مسئولیت وزیر مالیه است و هر وزیری هم در وزارتخانه خود مسئولیتی دارد و اگر تفتیشی بخواهد بکند همه نوع مجاز است ولی اگر ما بخواهیم قانونی بکناریم که برای

یک قسمت از خرج یک نظارت خاصی قائل شویم بنده مخالفم •

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود اگر آقایان توضیحی دارند می دهند و الا بکمیسیون ارسال میشود

پیشنهادی از طرف آقای زنجانی رسیده است قرائت می شود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که فقره هشتم ماده دوازدهم باین نحو اصلاح شود نظارت در هایدات و معارج مدارس و معارف

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - همان طور که عرض کردم نظارت در بودجه کار شورای معارف نیست خصوصاً در جمع معارج بتواند نظارت کند ؟ آیا مدارس عایداتی دارند و حقوقی که میگیرند شورای معارف میتوانند در آن نظارت داشته باشد که افراط نشود و چنانچه در خرج مدارس هم نظارت داشته باشند ضرر ندارد باین نظر بود که بنده این پیشنهاد را کردم

وزیر معارف - این جزء هشتم در لایحه وزارت معارف که تقدیم شده است نبود و گویا مقصود کمیسیون هم همین طور بوده است که شورای عالی معارف نظارت در خرج مدارس داشته باشد و البته کمیسیون معارف هم مقصودش نظارت در بودجه وزارت معارف نبوده

مخبر - کار دارد مشکل میشود تصور میکنم اگر بصورت مذاکرات کمیسیون معارف مراجعه شود عین این عبارت در آنجا ضبط است راست است این جزء از طرف کمیسیون پیشنهاد شد ولی شاهم پذیرفتند و عین آن در لایحه نقل شد و اصولاً مقصود این است که یک ترتیبی شود که مقدار پولی که از طرف دولت وزارت معارف بعنوان مدارس میرسد صرف خودش بشود حالا این نظر بهر قسم تأیید بشود البته مقصود حاصل است و این وسیله بنظر کمیسیون آمد و آن نظارتی که میفرمایند مقصود نبود مقصود این بود که نظر داشته باشد و جوهی که میرسد حیف و میل نشود

وزیر معارف - بلی یک قسمت را قبول کردم آیا اینکه باید شورای معارف امضاء کند این را قبول نکردم بنده قبول کردم که هر پولی که از مدارس و غیره میرسد شورای معارف نظارت داشته باشد و ببیند آنها حیف و میل نشود و بصارف خود برسد

رئیس - آقای زنجانی پیشنهاد دیگری نموده اند قرائت میشود

(بمضمون آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که یک فقره بعد از فقره ۸ عبارت ذیل افزوده شود تعیین اجرت ماهانه در مدارس که از شاگردان اجرت تعلیم دریافت میشود برای هر سال

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - چون بنده دیدم خیلی اختلافات در مدارس برای گرفتن حقوق شاگردان تولید میشود خوب است شورای معارف

تعیین کند که از کلاس اول • دوم • سوم مدارس در ماه چقدر بگیرند که همیشه مرتب باشد و این خیلی نافع خواهد بود و تفریط هم نخواهد شد

رئیس - ارجاع می شود بکمیسیون پیشنهاد دیگر راجع به آقاسی نصرت الدوله است قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که قسمت ۸ ماده ۱۲ حذف شود (فیروز)

رئیس - توضیحی دارید ؟

نصرت الدوله - بنده توضیحات خود را عرض کردم

رئیس - ارسال میشود بکمیسیون آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده هم پیشنهادی کرده ام

رئیس - پیشنهاد آقای فهیم الملک قرائت می شود

(شرح ذیل قرائت شد)

کمک و همراهی با وزارت معارف در تهیه بودجه و مراقبت در اینکه وجوه مصوبه برای مدارس و غیره به مصرف خود برسد
رئیس - (خطاب به آقای فهیم الملک) بفرمائید

فهیم الملک - بنده بمناسبت اینکه وزارت معارف و کمیسیون شاید مقید باشند که این ماده در قانون باشد این پیشنهاد را تقدیم کردم ولی اگر حذف شود باعث آن بیشتر موافقم

رئیس - آقای آقامیرزا ابراهیم قمی پیشنهاد کرده اند لفظ بودجه و معارف حذف شود

آقا میرزا ابراهیم قمی - اجازه میفرمائید

آقا میرزا ابراهیم - بنده معتقدم که لفظ بودجه حذف شود فقط همان نظارت در جمع و خرج مدارس باشد اگر حذف شود این اشکالات هم در پیش نخواهد بود

رئیس - میرود بکمیسیون پیشنهاد آقای مستشار السلطنة هم مثل پیشنهاد آقای نصرت الدوله است جزء هم قرائت می شود

(اینطور قرائت شد)

۹ - تسویه اختلافات بین مدارس و اصلاح مکتب خانه های موجوده •

اقبال السلطان - مقصود از این مکتب خانه ها نمیدانم همان مکتب های سابق تهران است که میخواهید آنها را مرتب کنید یا اینکه میخواهید آنها را حذف کنید •

قلین - افلا مقصود از مکتب خانه همین مکتب خانه هائی است که در تهران و سایر شهرها و قرا هست • این مکتب خانه ها در اطراف های کوچک و یک عدد شاگرد با وضعی که ملاحظه فرموده اید در

آنها جمع میشوند مقصود از این عبارت که اینجا نوشته شده است این است که با وضعیت حاضر وجود این مکتب خانه ها برای ما چندان لازم نیست ولی از طرف دیگر بستن آنها هم شاید تولید اشکالاتی بکند لذا کمیسیون با جلب نظر آقای وزیر معارف صلاح دیدند که این مکتب خانه ها بحال خود باقی بماند ولی وضعیات داخلی آنها را اصلاح کند باین معنی که در حکم یک مدرسه یک ساله و دوساله بشود • یک پروگرام مخصوصی برای آنها تهیه نشود و از حیث حفظ الصحة هم یک اصلاحاتی بشود که وقتی شاگرد از این مکتب خانه بیرون آمد اقلاً حد تعصباتش مطابق با سال دوم ابتدائی باشد پس نظری که وزارت خانه اینجا داشته است این است که این شکایت را مرتب بر مدارس و شکایت ابتدائی مستقیم و یا غیر مستقیم بیفزاید •

اقبال السلطان - بنده عقیده ام این است که این ملاحظه را نسبت به مکتب خانه نباید کرد خوب است مکتب خانه ها را تغییر بدهند و شاگردان را به مدرسه ببرند •

قلین - عرض کردم که اگر امروز وزارت معارف بخواهد این کار را بکند شاید تولید اشکالاتی بشود و امروز در این شهر تقریباً صد مکتب خانه است و یک هفته از مردم هستند که عقیدشان این است که اطفاشان همین مکتب خانه ها برود منتها مقصود ما این است که اطفال ایرانی تحصیل کرده باشند نهایت وضع حاضر این مکتب خانه ها قابل توجه است و باید اصلاح شود و در حدود تعصبات اولیه ابتدائی واقع شود •

آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - این مقصود را که مخبر میگویند از این عبارت حاصل نمیشود از این مطلب اینطور فهمیده می شود که اگر اصلاحاتی مابین مدارس و مکتب خانه ها پیدا شود وظیفه شورای عالی معارف این است که آن اصلاحات را تصفیه کند و در صورتیکه برای رساندن این مقصود که آقای مخبر می فرمایند باید عبارت این طور نوشته شود در تحت نظر گرفتن مکتب خانه ها و تعیین پروگرام آنها نه این که تصفیه اختلاف بین مدارس و اصلاح مکتب خانه ها

مخبر - ناطق معترم درست دقت در این عبارت فرمودند باین ملاحظه بنده قرائت می کنم • تسویه اختلافات بین مدارس و اصلاح مکتب خانه های موجوده این عبارت دو جزء است و آن نظریه ای که جناب عالی دارید در ضمن جمله دوم مندرج است

رئیس - آقای میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده یک اصلاح عبارتی در نظر دارم •

تسویه اختلافات خوب نیست • رفع اختلافات

نوشته شود .

رئیس بنویسد بکسیسیون فرستاده میشود آقای مستشار السلطنة (اجازه)

مستشار السلطنة — عرایض راجع بنظریه آقای اقبال السلطنة است اگر موقع است عرض کنم همان مکاتب که در سرکویه و بازار هست مدارس مقاماتی است و نباید ما حدیث را بخوانیم همانطور که معبر فرمودند باید اصلاح شود

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا — عرایض بنده را آقای معبر فرمودند دیگر عرض ندارم .

رئیس جزء دهم قرائت میشود (بترتیب ذیل خوانده شد)

د — تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدایا و اعانه به معارف میرسد و وجوه موقوفاتی که باختیار وزارت معارف گذاشته شده باشد

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله **حاج شیخ اسدالله —** راجع باعضای شورای معارف بنده در آن جلسه پیشنهاد کردم که لفظ روحانی در آنجا اضافه شود یک نظرم وظایفی بود برای شورای معارف معین میشود که یکی راجع به کتبی است که تألیف میشود و قبول آن برای مدارس . یکی دیگر راجع به موقوفات است که آن موقوفاتی که در این مملکت است چند قسم است یک قدس دولتی معین و مصارف معین دارد یک قسمتش متولی معین دارد و مصرف معینی ندارد . و ممکن است بعضی از قسمتها متولی نداشته باشد لهذا تولیت این قسمتها حاکم شرع است بعضی از موقوفات که متولی و مصارف معین ندارد مطابق قانون مملکتی نظارت آن با وزارت معارف است یعنی موقوفاتی که متولی و مصارف معین هم دارد و طبقه وزارت معارف است که در آنها نظارت کند حالا اینجا این اختیار را بدهد به شورای معارف که موقوفاتی بود که مصارف و متولی معینی ندارد مصارف را معین کند اگر آن پیشنهادی که بنده آن روز کردم که در شورادونفر از علمای روحانیین باشند تصویب نشود آنوقت میتوان تصدیق کرد که این قانون قانونیت ندارد زیرا مصارفی را که آنها معین می کنند مطابق قانون شرع است و حق با آنها است اما اگر بنا شود با اشخاص غیر صالحی (اگر چه همه صالحند) بخواهند این مصارف را معین کنند این را بنده تصدیق نمیکنم زیرا مطابق قانون شرع نیست پس باید در آنجا دونفر حاکم شرع باشد که موقوفاتی را که مصرف معین ندارد معین کند حالا بیشتر از این توضیح نمیدهم و یک پیشنهادی هم بنده کرده ام که اگر کبسیون تصدیق کنند گمان میکنم این ترتیب اصلاح شود و اگر آن پیشنهاد را کبسیون رد کنند یکی این قانون ضایع و باطل میشود .

رئیس — آقای سدیدالملک

(اجازه)

سدیدالملک — بنده تلا یک توضیح می خواهم که به بینم آیا موقوفاتی در تحت نظارت و اختیار وزارت معارف گذاشته شده است یا خیر؟

معبر — عرض میکنم که آقای حاج شیخ اسدالله دوست دقت فرموده اند بنا براین لازم است قسمت دهم را قرائت کنم .

قسمت دهم — تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدایا و اعانه به معارف میرسد و وجوه موقوفاتی که باختیار وزارت معارف گذاشته شده باشد . این موقوفات کدام است؟ بنده ناچارم قانون معارف را در دوره دوم که در سنه ۱۳۲۸ مجلس تصویب کرده است و وظایفی را که برای آن اداره معین کرده است آن مواد را قرائت کنم که معلوم شود در آن قانون کدام قسم از موقوفات در تحت اختیار وزارت معارف گذاشته شده است محتاج به رجع ثانی و ثالث دیگری تنظیم مگر آنکه اعتراف کنم که آن ماده

۱ — تحصیل صورت صحیح از وقف نامه ها و موقوفات مرکزی و ایالتی و ولایتی و بلو کات از کل ممالک ایران

۲ — نظارت کلیه بر اعمال متولیان و نظارت نفیض در وصول و ایصال عایدات و اوقاف و ممانعت از حیف و میل اولیاء و مباشرین وقف نسبت باعیان و تنافع موقوفات و تدارک موجبات آبادی آنها

۳ — اداره کردن موقوفاتی که تولیت آنها مستقیماً راجع به شخص سلطان عصر بادول است

۴ — مراقبت در صرف عایدات اوقاف به مصارف مخصوصه خودش حسب مذاقها اهلها

۵ — اهتمام در صرف منافع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در مطلق بریات صرف شود (در مسارت تعلیمات و فوائد عمومی)

۶ — اداره کردن موقوفاتی که متولی مخصوص ندارد بموجب این از طرف یکی از حکام شرع پس مطابق این قانون موقوفاتی که در تحت اختیار وزارت معارف گذاشته شده است تعیین مصرف با شورای عالی معارف است باین مناسبت لازم نداریم یک نفر را ببریم در شورای عالی معارف که در این موضوع حکایت کند .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی — در این ماده اشتباه کرده اند در قانون اساسی معارف هست موقوفاتی که باختیار وزارت معارف گذاشته شده ولی نظر بآن قانون نیست اینجا مقصود این است که یک کسی یک چیزی را وقف میکنند و تولیت آن را بدهد وزارت معارف میکند مثل اینکه من یک چیزی وقف می کنم و سلطان وقت را متولی قرار میدهم او هم حق خود را بوزارت معارف واگذار میکند و تعیین مصارف آن را وزیر میکند مربوط بقانون اوقاف نیست حتی بآن مواد هم مربوط نیست

یعنی کسانی که بعد از این انشاء الله ملکهائی را وقف معارف خواهند کرد و مصرف آنها را بوزارت معارف واگذار خواهند نمود وزارت معارف مصرف آنها را مطابق این قانون بشورای عالی معارف واگذار خواهد کرد .

معبر — بنده برای تأیید همان قسمتی که عرض کردم باز عرض میکنم این ماده که در اینجا نوشته شده است عیناً نقل از آن قانون شده است که در مجلس دوم وضع شده است که می نویسد تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدایا و اعانه به معارف میرسد و وجوه موقوفاتی که باختیار وزارت معارف گذاشته شده است این یک ماده است که در آن قانون در سنه ۲۸ تصویب مجلس رسیده است که حالا در این قانون نوشته میشود

رئیس — آقای سدیدالملک (اجازه)

سدیدالملک — بنده عرض کردم که اگر موضوعات در تحت اختیار وزارت معارف گذاشته شده است نسخ شود بنا براین بنده آن ماده را میخوانم .

ماده ششم — وظایف اداره اوقاف

۱ — تحصیل صورت صحیح از وقف نامه ها و موقوفات مرکزی و ایالتی و ولایتی و بلو کات از کل ممالک ایران

۲ — نظارت کلیه بر اعمال متولیان و نظارت نفیض در وصول و ایصال عایدات و اوقاف و ممانعت از حیف و میل اولیاء و مباشرین وقف نسبت باعیان و تنافع موقوفات و تدارک موجبات آبادی آنها

۳ — اداره کردن موقوفاتی که تولیت آنها مستقیماً راجع به شخص سلطان عصر بادول است

۴ — مراقبت در صرف عایدات اوقاف به مصارف مخصوصه خودش حسب مذاقها اهلها

۵ — اهتمام در صرف منافع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در مطلق بریات صرف شود (در مسارت تعلیمات و فوائد عمومی)

۶ — اداره کردن موقوفاتی که متولی مخصوص ندارد بموجب این از طرف یکی از حکام شرع پس مطابق این قانون موقوفاتی که در تحت اختیار وزارت معارف گذاشته شده است تعیین مصرف با شورای عالی معارف است باین مناسبت لازم نداریم یک نفر را ببریم در شورای عالی معارف که در این موضوع حکایت کند .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی — در این ماده اشتباه کرده اند در قانون اساسی معارف هست موقوفاتی که باختیار وزارت معارف گذاشته شده ولی نظر بآن قانون نیست اینجا مقصود این است که یک کسی یک چیزی را وقف میکنند و تولیت آن را بدهد وزارت معارف میکند مثل اینکه من یک چیزی وقف می کنم و سلطان وقت را متولی قرار میدهم او هم حق خود را بوزارت معارف واگذار میکند و تعیین مصارف آن را وزیر میکند مربوط بقانون اوقاف نیست حتی بآن مواد هم مربوط نیست

اگر مردم با داره اوقاف اطمنان پیدا کنند و با داره اوقاف صبیحی پیدا کنیم و تولیت و نظارت موقوفات را با داره اوقاف واگذار کنند و معارف آنرا بنظر اداره اوقاف معین نمایند هیچ عیبی ندارد زیرا یک چیزی وقف شده و متولی هم معین شده ولی مقصود از این ماده این نیست ماده می خواهد بگوید یک موقوفاتی که مصرف معین ندارد و نظارتش با داره اوقاف است مصرف آنرا شورای عالی معارف معین کند در صورتیکه وزارت معارف خودش مستقیماً نمیتواند به مصارف معینه که خود اومعین می کند برساند و باید دونفر از روحانیین در شورای معارف باشند و اگر نباشند باید این شوری در مصرفی را تصویب می کند تحصیل اجازه از یک نفر از علماء میکند .

رئیس — آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا — دو جلسه است که در موضوع مذاکرات قانون معارف بعضی از هم قطاران محترم مکرر در مکرر سه چهار لفظ را تکرار می کنند باید دانست که این مسئله یک چیزی نیست که اختصاص بخود آنها داشته باشد بلکه مربوط و متعلق به همه ما است و مثل این است که میخواهند سایرین را محروم از این حق بکنند نهایت تعجب است بنده تعجب می کنم لایتنطیع از برای هر ماده لثت اسلامی لغت روحانی لغت حجج اسلامی تکرار میشود اینها توضیح واضحات است مثلاً اگر بخواهم یک اجازه از آقای رئیس بگیرم باید یک کلمه روحانی هم بپوشم بگذاریم ابتکار تعجب این مسئله مثل این است که خدای نا کرده نظریه بر علیه قوانین اسلامی باشد

این مملکت مملکت اسلامی است و تمام مواد قانونهم مطابق ماده دوم قانون اساسی موافق با قوانین اسلامی نوشته می شود

اخیراً فرمودند اگر این قانون باین ترتیب بگذرد و دونفر از علمای روحانی در شورای عالی معارف عضویت نداشته باشند این قانون مطابق شرع نیست این یک چیز غریبی است بنده قانون اساسی را خوانده ام و در اینجا هم حاضر است مخصوصاً تصریح میکند آلا بنده ماده دوم را میخوانم ملاحظه فرمایید شاید بنده فراموش کرده باشم مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر مجله الله فرجه و بخل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثر الله امثالهم و عامه ملت ایران تاسیس شده است

باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قوانین مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد .

آنها صندقدار کدامیک از قوانین مذهبی ماهست که حکماً باید در شورای معارف مادونفر عالم روحانی باشد تا بنده بگویم که اگر رأی نهم مخالف با

قوانین اسلامی است بنده کاملاً مخالف این مطلب هستم بچه متاسف است باید در شورای عالی معارف دو نفر از آقایان روحانی باشد .

البته وزیر میتواند با شرایط معینه چند نفر را انتخاب کند و فلسفه اینکه حکماً باید دونفر روحانی باشد چیست ؟

مثلاً اگر وزیر مصلحت دانست که هر پنج نفر را از روحانیون انتخاب کند مخالفید ؟ پس چرا محدود می کنید ؟

کدام فصل در قانون اساسی است که محتماً علمای روحانی باید در شورای عالی معارف انتخاب شوند گمان میکنم هیچ فصل و ماده در هیچیک از قوانین وجود نداشته باشد

باز تکراراً عرض میکنم که وزیر معارف مختار و مجاز است اشخاصی را که دارای صلاحیت و شرایط معینه بداند انتخاب کند حالا خواه هر پنج نفر را از علمای روحانی انتخاب کند یا دونفر یا سه نفر یا هیچ این بسته بنظر وزیر است پس خوب است این فرمایش را نفرمایند و رأی اشخاص را هم تهدید نفرمایند بنده عرض می کنم ولو این پیشنهاد هم از مجلس بگذرد بنده یک نفر رأی نخواهم داد و برخلاف شرع مطاع هم نمیدانم زیرا می خواهم وزیر را آزاد و مختار کرده باشم که اگر توانست پنج نفر انتخاب کند نه دونفر یا کمتر یا بیشتر شما چرا او را محدود می کنید

اگر هر پنج نفر را ثابت کرد آری بهتر رعایت قوانین مذهبی نمیشود این چه اصراری است که حتماً دست وزیر را ببندید که لا باید دونفر انتخاب شود البته همه ماها مسلمان می خواهیم قوانین مذهبی مان پیش برود اما این چه اجباری است که دونفر را انتخاب کند شاید اگر مقتضیات اجازه داد وزیر هر پنج نفر را از علماء روحانی انتخاب کرد و البته او آزاد و مختار است آدمی سر اوقاف مصرف موقوفات باختیار وزارت معارف گذاشته شده و قانون آن هم بطوری که آقای معبر فرمودند در دوره دوم مجلس با حضور علماء طراز اول گذاشته است حالا چنانچه می فرمایند نباید اصلاحش کنم در اینجا نوشته شده :

اوقافی که با اجازه یک نفر از علماء باختیار وزارت معارف گذاشته شده . این را هم عرض کنم که امروز بدیهتانه در مملکت ما هر کس لباس اهل علم پوشید خود را عالم می داند . این اجازه را باید بکنفر عالمی که واجد شرایط مقرر باشد وقتی حکمت و قضیت گفتن را داشته باشد باید بوزارت معارف بدهد و البته وقتی که او این اجازه را داد دیگر مسئله تمام میشود آنوقت وزیر پس از گرفتن این اجازه از حاکم شرع مطابق قانون مصوبه دوره دوم که بانظریه علمای طراز اول نوشته شده و آن قانون هم رسمی است دیگر محتاج باین قید نیست و بنا براین وزیر در تعیین اعضاء آزاد خواهد بود لذا بنده ضرورتی برای این قید نمی بینم باز اگر اجازه میدید خارج از موضوع نمیدانم

عرض کنم که باید یک فکر اساسی برای این اوقاف کرد زیرا اگر موقوفات بهمان مصارف اصلی خود صرف شود فقرا در مملکت ما کمتر از این خواهند بود شرع هم ترتیب مصرف اوقاف را معین کرده و چیزی را که خدا و رسول خدا و تمام زندگان دنیا تصدیق کرده اند باید عمل کرد و موقوفات را باید به مصارف خیریه و مصرف ضعیفا و فقرا رسانید و به عقیده بنده قبل از همه چیز هم تحصیل علم کردن آنها است زیرا اگر آنها را لباس و غذا بدهند موقتاً بدین اورانقویت کرده اند اما اگر او را بدین بگذرانند روح او را تعلیم و تربیت کنند هیچوقت گمراه نخواهد شد باین بهیختی و فلاکت هم نمی افتد گدائی هم نمی کند و با یک سرمایه صحیح علمی همیشه می تواند جاوید و پایدار بماند پس معقلاً بهترین مصارف خیریه این است که اطفال را بدین درسه گذاریم روح آنها را تربیت و تعلیم کنیم و آنها را از گرداب ظلمت و جهالت خلاص کنیم و این مسئله مطابق با شرع مطاع و حدیث نبوی است که می فرماید طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه پس بنده بنده خوب است سعی و اهتمام کنیم که این حدیث شریف نبوی را بوضع اجرا و عمل گذاریم

رئیس — چون در جزء دهم لایحه شورای عالی معارف از طرف آقایان اجازه زیاد خواسته شده است بالفعل اگر آقایان موافقت کنند خوبست جلسه را تعطیل کنم و بقیه مذاکرات بعد از تنفس ادامه داده شود .

(در این موقع آقایان نمایندگان برای نفس از مجلس خارج و پس از نیم ساعت جلسه تشکیل کردند)

رئیس — بقیه مذاکرات در لایحه شورای معارف می ماند برای جلسه دیگر بالفعل راپورت کبسیون بودجه مطرح است و اساسی اشخاصی که در این باب اجازه خواسته اند معفوظ مانده . آقای سلطان العلماء فرمایشی داشتند ؟

سلطان العلماء — بنده میخوانم عرض کنم اجازه که در موضوع شورای عالی معارف خواسته بودم برای جلسه بعد معفوظ بماند

رئیس — پس معفوظ خواهد ماند آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا — در پیشنهادی که راجع به مواد لایحه بودجه بده و خیلی از آقایان رفقاً آن پیشنهاد را امضاء کرده اند در جلسات قبل از برای توضیح مذاکراتی بعمل آمد و بنده و سایر آقایان توضیحات مخالف خود را اظهار نمودند ولی چون بالاخره پایانی برای این قبیل مذاکرات در مجلس باید باشد و ختم شدن مذاکرات هم برای دادن است و بنده هم تصمیم اقلیت و اکثریت و بمباره آخری آراء همه مجلس را می دانم بنا براین زیاد بر آنچه عرض کردم دیگر چیزی عرض نمی کنم حالا بستم به کمیت آقایان و کلاس است که عرایض ما را شنیده اند و هر کسی رای خود را خواهد داد . اکثریت رأی خود را میدهد و اقلیت هم همانطور که اظهار عقیده کرد

رای خواهد داد
رئیس - آقای ندین
(اجازت)

قدین- عرضی ندارم
رئیس- پس رای باید گرفت باین پیشنهاد که
مشکل بر سه ماده است چطور باید رای گرفت ؟ بعقیده
بنده باید رای گرفته شود داخل در شور مواد لایحه
پیشنهادی کمیسیون بودجه بشویم یا نه ؟ اگر رای
دادند داخل در شور مواد شویم آنوقت معلوم می شود که
این پیشنهاد رد شد و اگر رای ندادند آنوقت داخل در
شور این پیشنهاد می شویم اگر هم پیشنهادی دارید که
قبلا در این پیشنهاد رای گرفته شود بفرمایید

سایمان میرزا- در صورتیکه فرمودید ممکن است
مطابق این پیشنهادی که ما کرده ایم رای گرفته شود تقاضا
می کنم همانطور رفتار شود

سر دار معظم- آنوقت چه شکلی پیدا میکند
فرض می کنم این پیشنهاد قابل توجه شد بعد چه
می شود ؟

رئیس- اگر قابل توجه شد بر می گردد بکمیسیون
و مذاکرات در اصل رایورت کمیسیون توقف
میشود .

سر دار معظم- پس این در واقع نسبت برایورت
کمیسیون بودجه يك اصلاح و آماندگانی است که
پیشنهاد شده است .

رئیس - بلی پیشنهاد فرائت می شود و رای
می گیریم

آقای ندین بمضمون ذیل
قرائت نمودند

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
نظر باینکه تعیین بودجه منکتنی بر روی احتیاجات
حتی و ضروری است و پیشنهاد کمیسیون بودجه بدون
توجه کامل باین مسئله فقط شامل اختیاراتی است که
بوزارتخانه ها داده شده و از این رو نتیجه قطعی و عاقبت آن
را که اطمینان از صنعت و لزوم تشکیلات باشد نمیتوان
قبلا تشخیص داد

علی هذا امضاء کنند گمان ذیل از دادن
رای مهم و علی العمده منظور بوده بانظر در مواد ذیل
را بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینمایند .

ماده اول - مطابق ماده واحده که بمجلس شورای
ملی بکمیسیون بودجه مأموریت داده که با مشارکت
دولت بودجه های جمع و خرج را تهیه کرده بمجلس
شورای ملی پیشنهاد نمایند .

کمیسیون بودجه و دولت مکلفند که هر چه زودتر
بودجه جامعی که متناسب با احتیاجات و عایدات
مملکتی باشد تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم
دارند .

ماده دوم - قبل از تقدیم بودجه مذکور باید
دولت صورتیکه متضمن شرح کلیه عایدات باشد به
ضبط بودجه معمولی کنونی بمجلس تقدیم دارد تا
بنظر نمایندگان رسیده از آنرو تغییراتی که در بودجه
قدیم و جدید حاصل می شود ملایسه و بصیرت کامل

حاصل نمایند .

ماده سوم - در صورتیکه بودجه های جدید تا
اول حوت بمجلس تقدیم نشده باشد دولت حق هیچ
گونه مخارج بدون اطلاع و تصویب مجلس نخواهد
داشت .

رئیس- رای می گیریم بقبایل توجه بودن این
پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند
قیام فرمایند .

نصرت الدوله - بنده عرضی دارم

رئیس - بفرمایید

نصرت الدوله - بنده می خواستم از مقام ریاست
تقاضا کنم یکمرتبه دیگر توضیح شود که وظیفه
اشخاص موافق و مخالف این پیشنهاد و اینکه اثر این
رای چیست درست معلوم شود

رئیس- عرض کرد برای می گیریم باین پیشنهاد
اشخاصی که با این پیشنهاد موافقت رای موافقت
خواهند داد و مخالفین رای نخواهند داد بعد اثرش
این است که اگر اکثریت بموافقت پیشنهاد بود مذاکره
در رایورت کمیسیون بودجه توقف می شود و پیشنهاد
بکمیسیون ارجاع خواهد شد

اگر اکثریت بمخالفین بود رایورت کمیسیون
بودجه تعطیل و مطرح می شود ولی اگر پیشنهاد قابل
توجه نشود يك رای ثانوی هم باید بگیریم که داخل
شور مواد لایحه پیشنهادی کمیسیون بودجه شویم یا
نشویم چون ممکن است بعضی با هر دو مخالف باشند
فعلا رای می گیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد
آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام
فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد رای می گیریم که داخل
در شور مواد رایورت کمیسیون بودجه بشویم
یا نه ؟

آقایانیکه تصویب می کنند داخل در شور مواد
بشویم قیام کنند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده اول رایورت کمیسیون
قرائت می شود .

خاطر آقایان را متوجه می کنیم اساس لایحه
همین ماده اول است آقایانی که بالایحه مخالف هستند
می توانند در ضمن شور ماده اول مخالفت خودشانرا
اظهار دارند و برای اینکه آزادی انطق برای آقایان
مخالفین باشد ممکن است مذاکرات ماده اول را در
این جلسه و جلسه بعد ادامه بدهیم تا اشخاصی هم که
غایب هستند تشریف بیاورند و مخالفت خود را
اظهار نمایند .

(ماده اول بمضمون ذیل قرائت شد)

تشکیلات مملکت و وزارتخانه ها مطابق ضمیمه
ذیل اعتبار داده می شود که در حدود آن اختیارات
بودجه در جزء خود را تهیه کرده برای تصویب مجلس
شورای ملی توسط وزارت مالیه ارسال دارند

رئیس- آقای سلیمان میرزا

(اجازت)

سلیمان میرزا- بنده هر چند بماده از اینکه مقدرات
پیشنهادیکه شده بود معین شد و در داخل شدن شور
مواد رای داده شد البته هر قدر عرض کنم بغوی می
دانم بی نتیجه خواهد ماند یعنی صاحبان آراء و آن
هائی که موافق بوده اند داخل در شور مواد شوند
از روی دلالتی که در نظر خودشان صحیح و قطعی
است تصمیم فرموده اند رای خود را تا آخرین نظر
مواد رایورت کمیسیون بودجه تعقیب نمایند و کاملاً
بودجه را بهمان ترتیب (بیغشید معذرت می خواهم
اراییکه عرض کردم بودجه زیرا این بودجه نیست و
اعتبار است) این ورقه اعتبار را بنام بودجه بگذارند
البته همین طور که این برای آقایان بعقیده خودشان
مطابق مصالح مملکتی و صرفه و صلاح مملکت و
مطابق بانام قوانین است متأسفانه باخوشخانه بنده
آنها کاملاً موافق میل و رای خود ننهادند اینجا يك
اختلاف نظری هست و نباید زیاد متأسف بود زیرا
در غالب امور اختلاف نظر وجود دارد مخصوصاً در
امور هر می و مذهبی که از این قبیل اختلافات نظر زیاد است
مثلاً علمائی پیدا میشوند که يك نوع فتوا می دهند و در
امور شرعی يك نوع حکم میکنند و يك قسمت دیگر
برعکس و برخلاف آنها احکام را شرع دیگر تفسیر
میکند چنانچه بطور مثال عرض می کنم که این بابویه
علیه الرحمه (مرحوم شیخ صدوق) که یکی از اهل
علماء و اعظم پیشوایان شیعه و از اجله مجتهدین است
يك رای و سلبه مخصوص داشته که شاید در این
رای متعصب بفرموده است و سایر علمای عصر اولین
عقیده را نداشته اند

مثلاً وضو را با کلاب که دیگران آب مضاف و
حرام می دانند شیخ علیه الرحمه او را تصدیق کرده و
نماز را درست و صحیح می داند حالا اگر کسی می
تواند بمقام متزود عالی مقدار آن بزرگوار جسارت
کرده و بگوید او نهییده است ؟ و یا در همین حال
می توان نسبت بساحت سلامتی دیگران که برخلاف او
عقیده داشته اند و وضو با کلاب را باطل دانسته اند
گفت که آنها فتواشان دارای خلل و شائبه بوده است ؟
خیر عقیده هر کدام در مرتبه خود صائب و بجا بوده زیرا
هر يك از آنان مطابق عقیده و سلبه مخصوصی خودشان
يك فتوائی داده اند حالانکه خواهم عرض کنم مرحوم
سید مرتضی در این موضوع چه عقایدی داشته و چه
فرموده این وظیفه آقایان علماء است که بیشتر در امور
شرعی احاطه داوند مقصود این است در شرع مقدس
هم این قبیل اختلافات هست چه رسد بمطاب سیاسی
و قوانین اساسی که هنوز در مملکت ما عادات و اخلاق
باین اصولی که هفتده سال است ایجاد شده آشنا و آموخته
نیستند و متعجباً باید مردم باین اصول واقف و آشنا
شوند فرق نمی کند خواه وزیر خواه وکیل - خواه
افراد ناس بنده خود را عرض میکنم البته روز اول که
مملکت مشروطه شد چیزهایی را که امروز کم و بیش
می دانم نمی دانستم و کم کم تحصیل کرده ام حالا شاید
این تفسیرانیکه از مواد قانون اساسی می کنم در

نظر بعضی خطا باشد ولی بنظر بنده و يك ماده از آقایان
که باینده هم عقیده هستند شائب و عکس آن خطا است
و بالاخره بایان مذاکرات برای اکثریت است و در همه
جای دنیا اکثریت مطالب را بزور اکثریت خود از
بن می برد و این نکته را زائد نمی دانم صمیمانه و
بدون اینکه خدای ناگه کرده قصد توهین داشته باشم
عرض کنم که نمی توان خود غره و مشرور باشند تصدیق
کنند که این کاری را که ما انجام آن موافق شدیم حق
واقع و حقیقت محض است زیرا اگر تصدیق کنیم هر
چه را که اکثریت قبول کرد صحیح و قطعی و خالی
از اشتباه است

عکس آن بی مورد و اشتباه است آنوقت دیگر وجود
مجلس شورای ملی و دامه اش بی فایده میشود

مجلس شورای ملی در همه جای دنیا (که در همه
جیل براب از محال و تر و بیش ترند) بعضی از قوانین
را که اکثریت آنها از مجلس خود گذرانده هنوز
حرج و تعدیل می کنند و تصدیق داوند که غالب
آرائی که اکثریت داده اشتباه بوده و امروز هم بعد
از اینکه بنده و سایر مخالفین رایورت هر چه قدر
بخوانیم اظهار عقیده کرده و اثبات دلالت کنیم فایده
اکثریت مجلس قائم نشود

ولی در ضمن حال بنده و نظام خود را معنی
میدانم و آقایانی هم که رای می دهند مطابق عقیده
خودشان را نشان موافق صلاح مملکت است ولی
بعد دنیا واقفکار فایده تصدیق خواهد نمود که حق با
کدام است آنها را هم نمیتوان خائن دانست و چنانچه
عرضی کردم حکمت این مسئله را بعد از مردن همه
ما در ادوار و اعصار بعد اشخاص که از مدرسه بیرون
می آیند و مثل مادر فشار و تشقیقات نیستند خواهند
نمود .

آز روز روز حکمت و فطرت است باید عرض کنم
گاین ماده بنظر بنده يك قاطع عبارت هم دارد (و ما
بفرض که صحیح هم باشد چون کلیه اش را ما قبول
نکردیم این را هم قبول نخواهیم کرد)

ولی عبارت بنظر بنده غلط است زیرا نوشته
شده است بتشکیلات مملکتی و وزارتخانه ها مطابق
ضمیمه ذیل اعتبار داده میشود .

این تشکیلات و وزارتخانه ها شخصاً نمیتوانند
بودجه بنویسند

بعقیده بنده عرض این دولت نوشته شود
بوزاره اعتبار داده می شود که بودجه خودشانرا
بنویسند مگر اینکه آقایان بفرمایند این هم مثل یکی
از چیزها نیست که نظیر آنها در در آن مجید هست
مثلاً وقتی که گفته میشود و اسئل القریه یعنی سؤال
کنید از آبادی و قریه ای اهل القریه یعنی از اهل
قریه سؤال کنید یعنی وقتی اعتبار می دهند به
تشکیلات مملکتی و وزارتخانه ها ما باید در تفسیرش
باینطور بفهمیم یعنی بوزاره اعتبار میدهند اگر
مقصود این تمیز است و مقصود از تشکیلات وزیری

است که در آن وزارتخانه است

آنوقت بنده میتوانم قبول کنم که عبارت درست
است ولی این عبارت قاطع بنظر بنده غلط است زیرا
مبروضه ملی و افرادی که روی مبروضه ملی ها می نشینند
این اختیار را ندارند بهرحال اینکه يك اصلاح عبارتی
است باز بر میگردیم به اصل قضیه بدون اینکه بنده
مذاکرات سابق را تکرار کرده و تکریم فلان ماده
قانون اساسی فلان میگوید ماده دیگرش چه میگوید
بودجه باید سالیانه باشد و این چهل پنجاه روزه است
عرض می کنم آقایان فلسفه که برای این کار قائل
شده اند این است که ما جمع مان کم است و بعضی از
آقایان موافقین بعضی فرمایشات فرمودند که چون
رای دادند بنده موافق نشدم جواب فرمایشان را
عرض کنم ولی همانطور که آقای رئیس فرمودند
می دانستم که موقع از برای مخالفین هست که اظهارات
خودشانرا بنمایند

یکی این ماده اول یکی دیگر هم اگر بنده
دوست ملتفت شده باشم در موقع مذاکرات در کلیات
در آخر شورائی نیست که در این دومورد مخالفین هر
چه بخواهند می توانند بطور کلی و آزادانه صحبت
کنند .

رئیس- بلی همینطور است

سلیمان میرزا- پس حالا که آقای رئیس تصدیق
فرمودند که موقع برای مخالفین هست که میتوانند
اظهار عقیده کنند و حالا چون یکی از آن دوموقع
است عرض می کنم که ممکن است صورت جزع عایدات
این مملکت را بیاورند متأسفانه در مقابل این عرض
بنده جواب داده شد این مسئله باین زودی ممکن نیست
و غیر ممکن است باین زودی صورت خارجی پیدا کند
بلکه بعضی از آقایان فرمودند که ناشده دیگر هم
نمی شود این کار صورت پذیرد و صورت جزء جمع
را بیاورند خوب در صورتیکه اینطور است
آقایان نمی توانند صورت جزء عایدات را بدست
آورند پس نیست بدنی گذر مواد دیگر معین شده
چه خواه نکرد (عفو بفرمایید) تجربه و آزمایش با
ها ثابت و مدلل گردید همینکه امروز ملاین رای را
داویم دیگر حوت سال آینده هم بوصول بودجه نخواهیم
رسید امرار وقت و تعامل در امور سبب می شود که
بگویند اعتبار مصوبه مجلس همان بودجه مصوبه است
چنانچه نظایر آنرا مکرر دیده ایم که متأسفانه
دولتهای وقت اوقاف را از دست می دهند
چنانچه چند لحظه قبل هم راجع بشورای عالی
معارف گفته می شود یک هفته اگر باشد کم است و ممکن
است وزیر فراموش کند و روز آخر هفته متوجه می شود
که وقت گذشته است شاید این تقصیر و ذرات نباشد و
اساساً این عادت عمومی مملکت است که امرار وقت کنیم
تا ببینیم چه شود و می گوئیم انشاء الله درست میشود
(البته اگر خدا بخواهد درست می شود) هیچ چیز
جز اراده خداوندی صورت نخواهد گرفت این را عرض
کردم برای اینکه سوء تفاهات در مجلس شورای ملی
زود در مسئله شرع پیدا می شود و انعکاس پیدا میکند

عرض عادت عموم این است که يك قدری امرار وقت
کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است
که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی
داشته باشند (این بدینی بنده است که اینطور عرض
کردم) و در نتیجه از اثر کیف مایشائی آقایان و زواره
مشاهده شود که بکدرت بر بیگاریهای این شهر افزوده
شد متأسفانه و بدبختانه انکار نباید کرد کسانی هم که بر
عده بیکار ها افزوده خواهد شد کسانی خواهند بود
که بیشتر صنعت عمل داشته باشند و بدبخت تر باشند و
غالباً آنها هم هستند که واسطه و وسیله ندارند . تحول
ندارند یا متکی باشخاص بزرگ و اشراف ندارند که بآن
وسيله اسباب طرف ملاحظه زمامداران واقع شوند
و بالاخره کار خود را از پیش ببرند غالباً اشخاصی هستند
که تازه از مدرسه بیرون آمده اند بنده باز تکرار میکنم
که در این مملکت بیچوجه اعتبار فضلی در کار نیست و
این هم یکی از بدبختی های بزرگ است بنا بر این حال
شاگردان تحصیل کرده دارالفنون و سایر شاگردان
تحصیل کرده معلوم است در این مملکت هر کسی دست
باشخاص ذی نفوذ داشت و پدرش حضرت اشرف و
خان و شاهزاده و مفتقد و محل ملاحظه بود با هر کسی
اثومبیل سوار شد و بارک داشت فوری رئیس و مدیر
کل می شود و تمام فضیلات و معلومات را دارد مثل بابا
ظاهر هر یان صحبت کرد با واسیت هر بابا آقا فردا
مدین که عیوش و وزیر با حاکم شد بدون رعایت فضلی
بدون سابقه علمی بدون لیاقت و کفایت ذاتی فقط بنام
اینکه آقا زاده است هیچوقت هم کتک نخورده مزه
سبلی استاد و شحات والدین و ناخوشیده منزلت مقدس
است و اگر قدری دور تر رفته و نظری بدوره ناصری
انفکیم می بینیم که همان آقای باک و ظاهر در اندرون
پادشاه خواجه بیچاره را هم کشتند جانی بوده و هزاران
احمال قبیحه و زبانه را مرتکب شده با همه حال آنوقت
این خیانت و خطاها فراموش شده وزیر را رفته و ابداً
منظور نظرنیست افسوس که حافظه نیست حتی بالاتر
عرض کنم کسی که مادر خودش را مقتول نموده خلاف
عرض نکرده و بدون خوف و پروا حاضر با استاد
ثابت و مدلل دارم و شاید آنکس از اقوام و بستگان
خود هم باشد ولی چون شاهزاده و دارای حی عالی
و توتل و قدرت است فوری وزیر و امیر و فعال مایشاء
می شود و آنوقت بدبخت یکمده اشخاص تحصیل کرده
بیچاره مظلوم محکوم اراده شخصی و وحشت از آنها
می شوند کسی که از لغو لیت در اندرون و حرم سرا ها
برای تفریح چشم حیوانات را بیرون آورده و چه و
چه کرده وقتی که حضرت اقدس و حضرت اشرف شد وقتی هم
که حکم فرما و والی شد چون معلومات ندارد تاجیزی
می شود فوری می گوید بیا دست مقصر را ببر ؟
متأسفانه اینها یکمده هستند که در مملکت ما مصدر امور
مهمه و مسئولتهای عالی می شوند بطور عموم عرض میکنم
ولی همین قدر عرض می کنم که برای این قسمت از مردم
وسائل ترقی و تعالی بیشتر بهتر فراهم و مبسرات تا
برای آشکار کردن بی کسی که از مدرسه بیرون آمده حالا
بطور مثال عرض می کنم که متلاً مأمور صحیح العملی

باموریت رفته وقتی از مأموریت برمی گردد خاصه اگر مأموریتی باشد که بولهای زیردستش باشد آنوقت اگر دزدی نکند اگر چه پنجده هزار تومان ازمال دولت و بیت المال مردم سرقت نکرده باشد وقتی که برمی گردد اقوام و دوستانش او را ملاقات می نمایند و می گویند ای بی عرضه ای بی کفایت بیچاره دست و پا نداشت ولی اگر دزدی کرد و بی دست و پا نبود مقداری مال دولت را بیاد بیاورد فردا که می آید وقتی که کابینه تغییر کرد و اوضاع صورت دیگری بهبود گرفت اعمال او فراموش و از خاطرها بیرون میرود و آن وقت با حمایت این و آن نسبت به هر و مالی ثرا اشدال خواهد کرد بلی همانطور که يك دوره طهران جزء معطرات بود حالا بستگی و قراریت بولکلا جزء معطرات است شاخ این دزد دزد صاف می گوید و از همدش هم برمی آید این سارقانی که بیت المال مسلمین را دزدیده و مطابق شرع اظه مجازات دارد با اینکه در هر چیز دست کرده ایم که بگوئیم حکماً بیاوی فلان ثبات هم باید دوزخ روحانی بشیند و با اینکه همه نوع ادعای اسلام خواهی می کنیم مملکت نمی خواهیم دست این دزد را از بیت المال خامه کوتاه کرده مجازاتش کنیم حالا اگر حضرت امیر علیه السلام بود با این دزد چه معامله می کرد ؟ مسلمانان بیایند چندی هم همان حکمی را که حضرت امیر در باره دزد اجرا می کرد شما هم امروز در باره دزد اجرا کنید تا خانه بمر دزدی بفرید مأمورین هم وقتی مجازات دیدند دیگر بعال دزدی نمر افتند و راه درستی را پیش خواهند گرفت در این مملکتی که اساس ادارش این است که دزد بعد از مدتی يك می شود یعنی يك قسمت از اموال مسروقه را جا - هائیکه باید بدهد با سهم و غوغ داد نمی خواهم اسمی از اشخاص عرض کنم زیرا خوشوقتانه در این مملکت نه رشوه گیر بودقام و نه رشوه دهنده و نه واسطه این دو آنوقت آشوبك دزد هم با اوفیق شده و غوری تصدیق می کند که این شخص مثل يك بره قشنگ سفید و بيك است آنوقت دوباره مأمورولایت دیگری شده و ترفیع رتبه حاصل خواهد کرد چطور باید امید اصلاح داشت اما بدبخت شاگرد مدرسه که دوره تحصیلات خود را با زحمت و مشقت بی پایان رسانیده همیشه منتظر است چه شود و کی وسائل ترقی و تمایز برای او فراهم آید زیرا او بخوبی می داند که تحصیلات او بقدر یکشاهی ارزش و قیمت ندارد و جائی در وزارتخانه و اداره برای او نخواهد بود نه در معارف و معالشی او را می دهند و نه نزد خاص و عام احترامی دارد زیرا این نوع ملاحظات شایسته کسانی است که صاحب ثروت هستند و قریك انومیل سوار بمنزل من می آید او را تادر کوچه استقبال میکنم اما يك شاگرد تحصیل کرده که می آید می گویم این کیست ؟ باز از آن حرفهای غریب می زند این است حال و اوضاع این مملکت آقای سردار معظم می فرمودند اگر چهار کرور بودجه معارف داشته باشیم معلم نداریم چرا معلم نداریم ؟ برای اینست که فاقد امتیاز فضلی هستیم آن بدبختی که تحصیل می کند می بیند اگر چنانچه يك زبان فرانسه بیاموزد

فوراً مترجم فلان اداره شده و ماهی صد تومان بیاو می دهند در اینصورت مگر دیوانه است معلم شود و ماهی بیست و سه تومان بگیرد موقوفی قیمت معلم را کم کنیم وقتی برای او احترامی قائل نباشیم دیگر ما کی معلم خواهیم داشت ؟ و اگر اطفال ما را تربیت خواهد کرد معلمی امروز در مملکت ماکارنی فکر واهیستی است و هر کس معلم باشد می گویند این شخص مکتب داورس گذر است و حظه قرا است در صورتی که یک نفر معلم اگر حقیقتاً معلم باشد اول معتمد و دیانت

سردار معظم - اگر معلم باشد **سالمهان میرزا -** بلی بنده هم در صورتی که معلم باشد عرض می کنم چنانچه معروف است در آگاهی که قشون دولت آلمان جنگ و فتح میکردند می گفتند قشون آلمان فتح کرده و مر دشمن غلبه کرده است بیا مارک می گفت قشون آلمان فتح نکرده معلمین آلمان فتح کرده اند هر وقت هم که بگوئیم معلمین فتح می کنند و اسباب ترقی آتیه این مملکت می شوند ادارات را منظم می کنند و معنی استقلال را می فهماند آنها هستند که از سن صداوت و کودکی وظائف شرعه و وطنپر را با اطفال ما می آموزند و حال می کنند با اینکه بنده همیشه داد و فریاد از معارف می زنم مملکت هنوز ماده ۴۸ قانون معارف در مملکت اجرا نشده یعنی هنوز مجازات بدنی در کار هست هنوز در مکتب و مدرسا ما چوب و فلک در بین است و با آن شاگرد را تنبیه و سباست میکنند

سردار معظم - چشم معلمین روشن **سالمهان میرزا -** معلم هنوز سر دوس توی سر شاگرد می زند بنده چون طرفدار معارف هستم این عرض را عرض میکنم نمی گویم هر کس آتش معلم شد معلم است خرابیته معلم هم باید بداند چه وظایف بزرگی باو محول است در مملکتی که هنوز انکار عامه نمی دانند معلم چه قدر وقتم دارد و معلم چیست و کی است در چنین مملکتی که امتیاز فضلی نیست در يك چنین مملکتی که بستگی و نسبت منط اعتنا است اگر برای هزار دقه به موجب نظامنامه حق داغ به نام حرف بزنیم این مطالب را می گویم که اختیار غیر محدود را هیچ وزیر و رای نخواهم داد زیرا که معلمین هستند حقوق اشخاص بی دست و پا و اشخاصی که بستگی ندارند حقوقشان حفظ شود و بنده خیال میکنم که نماینده این قبیل اشخاص هستم هم باید نماینده این قبیل اشخاص باشند در مملکت تشکیلات از برای چیست ؟ نظام عدلیه برای چیست ؟ برای گرفتن حق ضعیف است از توی فلسفه تمام تشکیلات اینست که بزور ادارات و قشون و قانون بگذاریم قوی بضعیف زور بگوید اساس مشروطیت اینست که ضمایر حمایت کنیم تمام بیخبر ها و تمام احکام الهی برای حفظ ضمایر است که مظلوم هستند زیرا ظالم محتاج بیک نیست کمک نمی خواهد خودش هر که را میخواهد از اداره بیرون میکند دیگر لازم نیست ما يك تشکیلات و يك اردو و يك قوانین درست بکنیم که ظالم را كك کند اگر وقتی هم صدای ضعیف بلند شد برش بزنیم بگوئیم ساکت شو حقیقت تمام مذاهب و ادیان و بهترین قوانین تشکیلات قوانینی است

که جاو گیری از ظالم بمنابید هر قانونی که مطابق این اصل نوشته شود آن قانون از روی عدل و انصاف است و چون از روی عدل و انصاف نوشته شده است مطابق احکام شریعت است زیرا اساس آن بر حمایت ضمایر است هر چند شاید حالا موقتش نباشد مملکتی که هنوز از فکر ما بیامنه برای عملجات فکری بکنیم و این بدبخت فقرا و انانی را که قانع و زحمت کش میباشد راحت کنیم در حالتی که تمام قوانین برای حفظ این قسمت مردم است زیرا شخص قوی در هیچ جا کمک لازم ندارد پول، زور، انومیل توصیه کمک همکار های قوی باو اقتدر کمک خواهند کرد که خون مظلوم را تا آخر بسکند

قوانین هر چه هست برای این است که این فقرا بیچاره را خلاص کند چنانکه حضرت امیر ۴ وقتی از مأمورین شکایت کردند جواب فرمودند عده ظالم بیشتر است یا مظلوم بنده هم می گویم مظلومین آنها که در تحت فشار هستند و منافع این مملکت را حفظ میکنند تمام تشکیلات اساسش بر روی حفظ حقوق آنهاست ولی چون امتیاز فضلی در این مملکت نیست اختیارات مطلقه اسباب خواهد شد که عده بیچارگان از بین بروند بیاینجهت بنده اختیار غیر محدود را نمی پذیرم بر گردیم باز بجز جمع بودجه آقایان فرمودند که جزو جمع عایدات را شاید شش ماه دیگر نتوان تهیه کرد و آورد

بنده عرض میکنم شاید اینطور نباشد جزو جمع مالیات دوقسمت است يك قسمت مالیات مستقیم و يك قسمت مالیات غیر مستقیم مالیات مستقیم یا مالیات ارضی عبارت است از مالیاتهایی که دعات و قراعه میدهند و گمان نمیکند اشکال داشته باشد و صورت جزایش لابد باید در وزارتخانه باشد

سردار معظم - نیست **سالمهان میرزا -** بفرمایش آقا اگر نیست بنده کمال تأسف را دارم همه مسبق هستند در دوره قبل از مشروطیت صورت عایدات در وزارت مالیه که سهل است پیش هر مستوفی بود آنها جزو جمع مالیاتهای ارضی را زود تهیه میکردند حالا که آقای معتمد فرمودند آن جزو جمعها هم نیست بر تأسف بنده اضافه شد پس آقایان مالکین چطور مالیات خود را می پردازند این مشکل بیشتر شد مالیاتی که جزو جمع نیست بیشتر چطور تأدیء میشود در این صورت بنده هم کار ها را کنار می گذارم و میگویم باید جزو جمع را معین کرد ولی بعقیده بنده قسمت عده اش که باید باشد پس اگر نباشد اساس مالیه ما فقط مبروضندلی است لابد صورت مالیاتهای ارضی معلوم است و ممکن است خیلی زود صورتش را بمجلس بفرستد و پنج ششماه بیشتر وقت لازم ندارد

مالیاتهای غیر مستقیم را هم بنده باید می دانم معتقد میشوم مثلاً كرك را می بینم سال قبل چقدر کار کرده اینجامی نویسم و همینطور مالیات تجدید دخیانیت و مستغلات و غیره را بطور تقریب از روی عایدی سه قبل می نویسم چون تحقیقاً نمی دانیم سال بعد چقدر مال التجاره بگمرك وارد می شود و چقدر مالیاتهای غیر

مستقیم امسال دریافت میشود پس بعقیده صاحبان بیشنهاد مغالفتن صورت عایدات ارضی و غیر مستقیم داخلی زود می توانیم تهیه کنیم و شش ماه وقت لازم ندارد زیرا جزو جمع مالیات ارضی و مستقیم در دفاتر هست مالیات غیر مستقیم را هم که بطور تقریب مستقیم اماراجع صورت جزو خرج آید این وزارتخانه که فردا دائر خواهد شد مگر تشکیلات اعضایش و حقوق آنها مشخص و معین نیست ؟ آیا نمی توانند فردا يك صورتی بنویسند و در ضمن آن صورتی که می نویسند اگر دیدند فلان ثبات ما فلان رئیس دائره لازم نیست يك خط روی آن بکشند همین کار که بعد از این خواهند کرد فردا بکنند حتی در آتمت که کمسیون بودجه مذاکره می کرد و وزراء ممکن بود اینکار را بکنند تا اینکه صورت جزو خرج هم معین شود ما نمی توانیم مطابق قانون اساسی باین اعتبار رای بدهیم برای اینکه تا شش ماه دیگر هم بوصول بودجه نخواهیم رسید و تغییرات موجب بغرب در وزارتخانه ما پیدا خواهد شد و عده صدمه که وارد خواهد آمد با اشخاص ضعیف و اشخاص تحصیل کرده که واسطه و وساله ندارد داده خواهد شد باین جهت است که بنده مخالفم

رئیس - آقای فهمه الملك (اجازه)

فهمه الملك - مقدماً باین عرض کنم که حضرت والا در اندیشه فرمایشاتشان باینک استعارات نسبت به کسانی که با این لایحه موافقت کرده اند بی لطفی فرمودند البته خاطر شان را متذکر می شوم روزی که ما در اینجا آمدیم و در مجلس پذیرفته شدیم هیچ کدام مقید شدیم که موافق رای و عقیده کسی اظهار رای نکنیم همه در عقیده خودمان آزاد بوده و البته هر کسی باید با يك طرز و فلسفه در مسائل اظهار عقیده و رای بکند بنابر این نباید باو حمله کرد و تهدیدش کرد که تاریخ شما را بندام خواهد کرد ممکن است رای بنده غلط باشد ولی امروز که رای می دهیم با همان آزادی و فکر سائبی که حضرت والا دارند بنده هم رای می دهم این را بطور خلاصه بنده در ابتدای عرض عرض کردم حالا داخل موضوع لایحه بودجه بشویم حضرت والا اظهار می فرمایند این ورقه بودجه نیست بنده هم موافقم و عرض می کنم بودجه نیست و در این دوسه جلسه هم تعریفات خیلی مفصلی از روی كتب خارجه و تألیفات علماء مالیه فرانسه راجع به تعریف بودجه شده بالاخره حاصل اینست که بودجه مملکت عبارت از صورتی است که حاوی جمع و خرج و اصول و موازین باشد که در یکطرف صورت عایدات را معین کند و اینك طرف تشکیلات ادارات را در صورتی که ما قبلاً تصدیق می کنیم این بودجه ما این حال را ندارد چرا ندارد ؟ اگر قدری تعمق بفرمایید ملاحظه خواهید فرمود که از اول مشروطیت تا بحال همیشه مذاکره بودجه در اول صبحه و پروگرامها چه در مفتوح بودن مجلس و چه در نبودن مجلس بود و اگر يك مراجعه مختصری به دوسه های وزارت مالیه و سایر وزارتخانه ها بشود ملاحظه خواهید فرمود که همیشه دوسه ماه بآخر سال

مانده وزارتخانه ها را مجبور می کرده اند که بودجه های خود را بوزارت مالیه بفرستند و همیشه تأکید شده است که بودجه های دولتی را بفرستند ولی بواسطه عدم تکافو دخل و خرج بالاخره سال به آخر رسیده و فرار شده است که مطابق سه ماهه بپردازند بعبارت اخیری موفق نشده اند يك صورت مفصلی تهیه بنمایند در بودن مجلس هم که يك عنصر قوی تری بود برای تهیه بودجه متأسفانه معطوراتی پیش می آمد که موفق نمی شد چنانکه مجلس اول منتظر شد سیار دمان مجلس و مجلس دوم با اولت انوم و آن کودتا منتظر شد مجلس سوم هم بیهامرت و آن اوضاع مسافرت ختم شد بعد از این برای مجلس چهارم تا بحال هنوز يك معظه را ترش نش نشاند این پیش آمده ها خوب نامدانی می کنند که يك قوه دیگری در مغالفت انانیه بودجه در کار هست و از طرف دیگر نباید فراموش کرد که در تهیه کردن بودجه تا يك اندازه هم تصبیر با خود مجلس بود زیرا در دوره دوم که من هم در کمسیون بودجه عضو و مخیر بودم می دیدم برای تهیه بودجه يك نکات و جزئیاتی آقایان ایراد می کردند که يك فقره بودجه شاید دوسه وقت لازم داشت که تصویب شد بدین است با انشده تفصیل ممکن نبود تا ۲۰ سال دیگر هم بودجه تهیه شود بنده عقیده دارم که بودجه مستقیم نیست گت از چهار سال تهیه شود و برای تهیه بودجه کامل لااقل سه چهار سال وقت لازم است آتمم به ترتیب که در اثناء هر يك از وزارتخانه ها بطور کلی اعتبار داده شود که در حدود آن اعتبارات ادارات خود را تشکیل دهند و در سال بعد باز بگذردی تعزیه بکنند ولی نه اقتدر زیاد که نشود در آن باب مذاکره کرد و بيك معظوران می خورد بعد از سال سیم چهارم بگذردی بیشتر تا اینکه در سال پنجم موفق به يك بودجه مرتب بشویم که از مجلس بگذرد و در غیر اینصورت بنده عرض می کنم غیر ممکن است و اینکه می فرمایید چرا صورت جزء را بمجلس نیاوردند ؟

اولاً صورت عایدی که ۱۶ میلیون و کسری است بمان دلائلی که اظهار شد صورت جمع نیست زیرا در خود رایوروت کمسیون بودجه می نویسند که عایدی تخمین ۱۹ میلیون و کسری است این صورت ناقص است و بیش از اینها است و عایدات اینصورت با عایدات حقیقی بعقیده بنده چهار پنج میلیون تفاوت دارد زیرا در سال قوی ثیل عایدی داخلی دولت از هر حث متجاوز از هفده میلیون که عبارت از سی و چهار کرور باشد بود در صورتی که در آن سال عایدی نفت جنوب چهار صد هزار تومان بوده و قبلاً ۳ میلیون اضافه شده است از بابت دخانیات و تجدید در ۲۰ سال مطابق اجازه داده شده بود ششصد و شصت هزار تومان بود حالا تقریباً ۴ میلیون است کم ركات پیش از جنگ هفت کرور بیشتر نبود الان مطابق تخمین پارسال شش میلیون بیش بینی و دو میلیون تفاوت دارد و با این تخمیناتی که حتی است یقیناً عایدات ۵ میلیون زیادتر است بنده اگر بناه بود بودجه عایدات را مجلس ۱۹۰ میلیون تصویب کند باید رای نپسندم و حتی المقدور مانع می شدم که آقایان

رای ندهند ولی در عین حال باید این نکته را هم متذکر شد که بودجه عایدات هیچوقت اینطور یکمی نمی آید بصورت جزء جمع بمجلس نمی آید جزو جمع صورتی است که وزیر مالیه باید تهیه کند و مجلس بموجب قانون میزان مالیات معین کند بدینیهی است که مالیات بنده باید مطابق قانون مجلس مالیات بدهد ولی رسم نیست صورت جزء بمجلس بیاید و اینکه فرمودند صورت جزء جمه های موجوده را باید آورد آنها هیچ بدرد نمی خورد و خیلی ناامنی است يك قسمت بود که در موقع سوختن اداره تشخیص عایدات از بین رفت و آنجا که فعلاً هست صورت جزء و جمه ها هست که متعلق بقدم است و از ۱۰ سال قبل تا بحال خیال تفاوت کرد و فعلاً آنها بهیچ دردی نمی خورد دیگر آنکه حضرت والا در ضمن فرمایشات خودشان يك حمله فرمودند که جواب آنرا هم با اجازه خودشان عرض می کنم البته در نظر دارند که در موقع شور در قانون شورای معارف که بعضی از آقایان جنبه روحانیت را تخصیص بخودشان دادند حضرت والا حقاً عصاره شدند و بنده هم تصدیق می کنم ولی عرض می کنم که در يك موضوع دیگر هم که حضرت والا گاهگاهی بخودتان تخصیص می دهید ما هم حق داریم عصبانی شویم و آن موضوع معارف است

البته همه ما می خواهیم امتیاز فضلی روز بروز در مملکت اهمیت پیدا کند اگر خاطر حضرت والا باشد در موقعی که در پروگرام بیست دولت مذاکره می شد بنده از آقای وزیر معارف استدعا کردم که بدارس پرخرج نیرازند و مکتب خانه ها در دهات تهیه کنند برای اینکه رهایای بیچاره يك سواد پیدا کنند چون بآنرا يك مدرسه مرکز ممکن است دویست مدرسه در دهات تهیه کرد تا ما بتوانیم درجات و امتیازات فضلی را روز بروز در مملکت زیاد کنیم و اگر در ضمن بودجه گاهگاهی مذاکره می شد برای اینست که می خواهیم همیشه مدارس باقی بمانند معلما در کوه سرگردان نباشند پس ما ناوقتیکه يك پولی تهیه نکنیم در این خصوص هر چه صحبت بکنیم آهن سرد کوپیدن است

پس باید پولی تهیه کنیم و بدهیم که مدارس زیاد شود نه در شهر بلکه در بولک و دهات تا آنکه بتوانیم يك روزی در قانون انتخابات خودمان قید کنیم که کلیه اشخاص باسواد باید رای دهند ولی امروز نمی توانیم این حرف را بزنیم برای اینکه اگر این حرف را بزنیم آنوقت در تهران دو هزار نفر بیادانی شود که رای بدهند برای اینکه معارف نداریم و این بزرگترین ذلت است برای ما البته اگر ما با این حال امروزمان نبودیم کارمان خیلی بهتر بود و با آنکه نیست نظریه حضرت والا را تصدیق می کنم استدعا می کنم تمام رفقای خودشان را هم از خود دور نمانند و همه را با خود هم فکر بدانند و یقین بدانند در این زمینه با شاهراهی کاملی خواهند شاما اینست تصور فرمودند این بودجه را که الان رای می دهیم يك اختیارات فوق العاده بوزرا داده می شود که در خرج و تعدیل